UNIVERSAL
LIBRARY

یا ایہا المشتاقون الی رؤیۃ جمالہ صلی اللہ علیہ و آلہ

حسب الارشاد فیض بنیاد

جناب نواب [illegible] وزیر الملک محمد علیخاں صاحب

بہادر صولت جنگ دام حشمتہ



مولفہ

مولوی علی احمد صاحب مراد آبادی

در مطبع احمدی طبع گردید

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ارنی گویان تجلی طلب لبریز شوق صد جهان دل و جان و هزاران روح و روان
قربان و نثار بارگاه جلوه افروزی می نمایند که برق ارنی تجلی پاکش خرمن هوش
و خرد کلیم سوخته و پرتو جمالش در فانوس قطرهٔ آبی شمع آفتاب افروخته خواب
عشاق مست اشتیاقش از مشاهدهٔ آفتاب تجلیاتش مشرق دولت بیدار
و اوراق کتاب از فیض نام پاکش باب ساقی شربت دیدار هر اسم اعظمش
کلید میخانهٔ دیدار ساقی و هر نام مبارکش مفتاح گنجینهٔ دولت باقی سجود فیض آمود
عالی جناب عظمتش پادشاهان بلند اقتدار و خواقین گردون وقار را مرجع خلق
و عالم و قبلهٔ حاجات بنی آدم گردانیده و ناصیه سائی آستان جلالش سلاطین
عالی همت و خواتین والا نهمت را به دولت پادشاهی و شوکت ظل الهی
رسانیده سیمای محمدیان بیدار بخت [illegible]
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود [illegible]

بندگان خداپرست بمصداق حقیقت اشتقاق وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ
اِلَّا لِيَعْبُدُوْنِ ه گر مخیر وعرق ریز طاعت وعبادت گدائی در معلا برس نگشت
که بادشاه دو عالم نشد و در کوی درویشیش که گذشت که مرهم بر زخم ارباب درد
مبنی آدم نشد خفته بختان را عبادتش کلید گنج دولت بیدار و خوابیده
چشمان را عنایتش دلیل بزم سید ابرار نهال قامت عارفان بحجل عبادتش
رشک اشجار گلشن وجبین عابدان از خاک سجدهٔ آستانش غیرت خورشید روشن
دل خستگان عشقش کشتهٔ خنجر تسلیم و رضایش وسینه دل ریشان محبتش هدف تیر
قضایش چشمهٔ خورشید معرفتش در بیت الشرف دل طریقت منشان
با مواج انوار حقیقت در جوش وچادر مهتاب عنایتش شب تاریک عاصیان را
بمهتابی رحمت پرده پوش هدایتش دل مسلمانان سعادت کیش را قندیل
چراغ ایمان ساخته وعنایتش مشت گل ارباب ایمان عبادت اندیش را
گل عرفان بدامن انداخته عرفان توحید پرستانش ذرهٔ بمقدار را با انوار خورشید
آفتاب درخشان کرده وداغ عشقش خذف خاک سیه را بتابش فروغ گوهر
هستی رشک لعل بدخشان دل شفاف صاف مشربان صافی منشش
آئینهٔ عروسان تجلیاتش وسینهٔ بکینهٔ درویشان دل ریش در بزم عرفان تجلی
شاهدان فرخ جمال صفات و ذاتش دریا دلی کریمان نمی از بحر کرم لا یزالش
ودست گهربار والا همتان پارهٔ از غمام دریا بار جود دست بالایش
همت دریا دلان منبع بحر نوالش و طلعت جوانمردان مطلع حسن احسان
لا یزالش نهال جود در وجود سخا پرستان نشاندهٔ اوست و تخم کرم در مزرع
دل کریمان افشاندهٔ او [illegible]
و [illegible]

تربیت بر روی عائشه عالم کشاده گریبان را الهام فرمود تا ابر دریای کرم بوده کرامت ثنای بندگان چون بهشت سرسبز و سیراب مرتا نیزد و سیلاب هلاهل را القا نمود تا تشنه لبان وادی ناکامی را تازه و شاداب نماید سنجاکاران همایون منش را با وجود معصیت شعاری تاج دو دستیش بر سر و جل سرستان تنگدل را با همه همایون دارای نخل امید بی بر اگر پادشاه هفت اقلیم است گدائی در دولت او ست و اگر گدائی حاجتمند است معتکف باب رحمت او

نظم

اگر شاه است مرهون نوالش
بشاهان داد وصل دلربایان
اگر شاه است هست دولت او
پرستارش بجان هر ضد و هر جنس
همه از ذره تا خورشید تابان
بانجم طلعت تابان عطا کرد
بخواب اندر نموده عارض یار
بذکر نام او بر سدره تسبیح
ز حسنش در دل عاشق دل آغوش
جهان پر آب صورت کرد تحریر
بصورت مشت خاکی را پری کرد
فلک از قلزم صنعش بجا ری
ز جام باده عشقش مستی

وگر درویش ممنون وصالش
در آمد خود در آغوش گدایان
وگر درویش غرق رحمت او
بحکم ما خلقت الجن والانس
بپای سر بحکم او شتابان
بمردم دولت عرفان عطا کرد
بعاشق بخت خفته کرد بیدار
بود روح القدس روح نوازش
هزاران چشمه خورشید در جوش
که شد از صنعتش مانی چو تصویر
بسی احسن لوا افسونگری کرد
بهشت از باغ فضلش خار جاری
بشر را بر ملک شد چیره دستی

بشر در آتش عشقش برشته ... بود بهتر ز طاعت‌ها سرشته
گریبان‌ها چو کف خاران خلیل است ... عطای رحمت رب جلیل است
اگر ابر بهاری گرم جوش است ... ز فیض بحر جودت در خروش است
ز عکست ذره شد مهر درخشان ... ز لطفت سنگ شد لعل بدخشان
ز نور نگین و دلکش عارض گل ... ز عکس روی تو بیتاب بلبل
رخ خوبان تجلی‌گاه نورت ... دل ارباب دلها بی عبورت
زبس خوانیست از فضلت کشیده ... که بر روی نعمت هرگونه چیده
لبشاهان از درت عالم پناهی است ... بدرویشان فضلت پادشاهی است
اگر با اهل عرفان یار غاری ... با ارباب گنه آمرزگاری
بیادت اهل عرفان گر مجوشند ... بشکرت اهل عصیان در خروشند
کسی را تحفه نوا خوانده است گواه ... کسی را لاتقنطوا من رحمة الله
ولی دارم سراپا محو حاجات ... چرا خوانم نه بیش از مناجات

خدایا بزادولی عطایم ساز که در وی تو بمالی و چشمی عنایتم کن که بران
انوار تجلیات غیبیش منکشف گردد و لی کرامتم ساز که با تصفیا
ریاضت نفس اماره زیر پا را نیز بردار نماید و دیده نگاهی
ارزانی دار که در تجلیات پاکت به روی دل بگشاید
توفیقی رفیقم فرما که دامن از تعلقات آب و گل برچینم قلب مصفی
و نفس مزکی کرامتم گردان که تماشای جمال غیب
و جلوه حسن بی عیب بی پرده بینم آمرزگارا گناهم عفو ساز
و در دوزخم میفکن از بادشاها دستم گیر که از پا افتاده ام و عذرم
پذیر که گنهگارم چشم براه عفوت گشاده الهی من بنده ام

جگر خسته و دل شکسته که مرهم لطفت در کار است
و مومیای فضلت را امیدوار جز حضرت این ستمکش
جهان را پناهی نیست و غیر آستانت این مایوس عالم را
امیدگاهی نه اگر معصیت کرده ام محض بامید
عفوکاری تو و اگر عمر بگناه بسر آورده فقط بچشم آمرزگاری تو
اگر گیری غضبی نیست که بنده ام و اگر عذرم بپذیری
عجبی نیست که شرمنده ام هرچند عصیانم از حد گذشته و
معصیت من بسیار گشته لیکن پیش دریای فضلت
نمی بیش نیست و بجز نوشانوش نوشش اندیشه نیشش نه
اگر در آتشم بسوزی بسازم که همین سزاوارم و اگر
ببخشی رخش بمیدان جنان به تازم که امیدوارم

مناجات

خداوندا درا در سینهٔ ریش — دلم را عرش کن از خلق خویش
تجلی زار کن یارب دل من — گلستان کن همه مشت گل من
بسجده چنانم سربلندی — که باشد صد جهان فیروزمندی
بلا بر من شود نازل که جودت — نه بردارم سر خود از سجودت
مرا در وادی خود ساز فارس — دلم از پارسائی ز پارس
جبین طاعت خویشم سها کن — کف خاکم زعفران کیمیا کن
گناه من که بر سر بار گشته — ز حد عقل و دانش درگذشته
مرا از دام نفس دون رها کن — [illegible] معرفت دل عطا کن

بدوزخ گر فرستی در سیاسم | چو پروانه ز آتش ابن هراسم
اگر فضلی کنی عزم بهشت است | که آمرزش بعصیان سرنوشت است
بدوزخ گر فرستادن ضرور است | بنالم اینکه نام تو غفور است
ز عصیان فرمشیها جوش کرد است | که غفارت دل من گوش کرد است
علی را کن برای احمد پاک | مطهر چون دل عارف کف خاک

خداوندا نواب و بادشاه ما را که آقای ما و قدر و قیمت افزای ماست صحت جسم و شهرت اسم در دنیا و آخرت کرامت ساز و خلعت بادشاهی دارینش چنان قامت عروس مملکت در بر دن و سودای خویشتنش در سر در بیداری از بدست آوری دلهای اهل ایمان حج اکبرش روزی کن و در خواب از حصول سعادت دیدار رسول مقبول صلی الله علیه وآله وسلم اقبالش سراپا فتح و فیروزی خطای که از دستش رفت معاف کن و گلزار نیت و طینتش از خار و خس ناشایسته صاف آئینه سینه بیکینه اش بخاک خاکساری جلای وافر ارزانی فرما چندانکه پری طلعتان تجلیات تو در ان پرتو جمال اندازند و در گنجینه دلش گنج باد آور عشق و آه در محبت خویش امانت بدار که تا معشوقان انوار حقیقت در عالم مجازش تجلی سازند و جودش را مربع نشین چار بالش بادشاهی کن و دلش را در استغراق معرفت ذات صفت عارف الهی نام حاتم در عهد وجود سراپا جودش طی ساز و اسپ معدلت نوشیروانی

درزمان عدل اقتدارش پی جام ضمیر منیرش را شراب
طهورای ورد دین عرفان مالامال ساز و نفس اماره را به لشکر
زهد و طاعتش پامال هرچه خواهد عطایش کن و هرچه طلبد
کشف عطایش همتش ده که چون هما بر سرم سایهٔ یمن
وسعادت اندازد و آهن بخت سخترم را به نظر کیمیا اثر
خویش بپارس آشنا سازد و از کمال کرامت تکرم
دلم در دست زر بار خویش بستاند و فرقم از خاک
برگرفته بر فرق فرقدان برساند به نحویکه او مرا خوشنود
کند تو نیز او را خوشنود ساز چنانکه مرا العزت و آبرو
موافق مرتبه من بوطنم رساند تو نیز او را بمقدار همت او
بوطنش باز رسان و بملکش آبادگردان آمین
یا رب العالمین الهی مناجاتم باجابت مقرون دار
بحرمت النبی و آله الامجاد

قطعه

الهی آنکه کارم را کفیل است — بمن مخدوم و آقای جلیل است
دلم را آنکه کرد از فیض خوشنود — محمد علیخان قلزم جود
بهمت آنکه رشک خسروان است — رئیس خلق و نواب جهان است
بعز و ناز جمال خود دل او — تجلی خیز کن آب و گل او
بصورت ساز فتح خسروانش — بسیرت انتخاب عارفانش
نیر منش بادشاه پر سعادت — بخلوت همچو ملک کرم عبادت
براهت باد هر کارش که باشد — براهت باد هر بارش که باشد
بدل چون عارفش شوق الهی — به تن بادش قبای بادشاهی

یارش در خدمت گذاری کون و مکان قد ذات او دو تیر داد که
آفتاب رخش برخاسته اند و همنشین قاب قوسین و ادنی را
بمرصع کاری جواهرات دلی قندیل محض برای ذات پاکش
آراسته از زلف در ویش شام و سحر عالم ایجاد فرسوده اند
و حسن خلقش بهار را عطر در پیرهن سود حسن گل بمقتضای حدیث
الورد الاحمر من عرقی در چمن بهار نشو و نما یافته اوست بدل
بلبل و سینه گل بدشنه عشق شگافته او رخش آئینه تجلیات یزدانی
و ذاتش بر سر عالم همه تن رحمت و کرم ربانی دیدنش در خواب
بیدار بختی دل ریشان است و نظاره اش در عالم رویا پادشاهی
درویشان اگر بگنهگاری جلوه رحمت فرماید بسان مهر درخشان شب
ادبار را بروز اقبال مبدل نماید سنتش فرض بیدار بختان سعادتمند
و محبتش زندگانی عاشقان رفته از خویش ذکرش نشان عارف بالله
است و فکرش روان رهروان فنا فی الله ذاتش معدن صفات حق
است و وجودش دلیل ذات مطلق

نظم

محمد دولت دنیا و دین است
محمد رحمت للعالمین است
محمد آفتاب هر دو عالم
محمد انتخاب هر دو عالم
محمد لمعهٔ نور الٰهی
محمد خاص منظور الٰهی
محمد گوهر دریای وحدت
محمد جوهر شمشیر قدرت
وجودش مطلع ایجاد دوران
ورودش مقطع ارشاد یزدان
رخش سرمایه دار لن ترانی
لبش افشاگر سر نهانی

رخش را بسکه حسن بیکرانست / نظرگاه خداوند جهانست

نه تنها کعبهٔ ارباب دلهاست / که دالش قبلهٔ حاجات خلق است

خدایش از دو عالم برگزیده / بشان مصطفائی آفریده

چو لطفش داد انسان را زبان شیر / که فرمودش حبیب خلوت خویش

برویش نور نیر ان بی نقاب است / بهر بی پردن فیض آفتاب است

ز حسنش بزم ماتم بزم عید است / زمین از جلوه‌اش عرش مجید است

بکویش فرق ذره تاج خورشید / گدای ایش غیرت فغفور و جمشید

مسیحا در ازل بوسید جانش / که جان داده بمرده نطق پاکش

کلیم آن کرد سر چون پشت پایش / ید بیضا شده دست عصایش

اگر یعقوب بدیدی عذارش / نمودی یوسف خود را نثارش

حبیب عارفان باز دی هوش / شفیع عاصیان با لطف دلکش

بها از جوش بی بیکرانش / بلاگردان [?] عطالش

ز حق عین کرم ذات کریمش / بود فضل خدا اخلاق عظیمش

وجودش در جهان فضل الهی / سپاهش گفته تاج پادشاهی

زمین باد ابر وی هر لحظه هر دم / هزاران بار صلی الله و سلم

در منقبت و مدحت آل و اصحابش که از حد امکان بشریت
بیرون و از حوصلهٔ انسانیت افزون است ضمیمهٔ نعت سید البریه
اکرم در طومار کعبت محمدت نبی علیه التحیة والتسلیم گردانیدن سخن را
آل نبوی بر عرش اعظم رسانیدن می آید نهی اصحاب رسول الثقلین
که انجم آسمان هدایت اند و چون آل پاکش که سفینهٔ دریای
عنایت از غرق هدایت شان از راه ظلمات گشته ضلالت

اند بر چشمهٔ حیوان هدایت و اهتدا رسیده اند و بحکم صحابه
کاران عالم وسیله کار الهی این وادی غم آگین و حشت توهم
آمرزش حق برایی همه دمادم کشیده نور هدایت شان
تا به شیر سحر آفاق انتشار یافته و بساحل ...
ان از بادهٔ شهود مراد عالمی در کعبهٔ مقصود شتافته جهانی
فضیل و جلالت آن آن بر جادهٔ شریعت و راه طریقت مستقیم و خلقی
محبت و الفت ایشان ممنون عنایات خداوند اکرم اعظم

صحابه اختران اوج دین اند | که تابنده ز انوار یقین اند
جهان روشن ز فیض نور ایشان | همه منظور حق منظور ایشان
ز آلش دیده جان است روشن | شده هر وادی اسلام گلشن
ز نور آل و تابنده خورشید | ز اصحابش بدل الهی جمشید
صحابه دوستدار آل از طریقش | هم آلش دوستدار اصحاب فریقش
صافی دل از همه دوستیشان | ز رضوان حق بر ذات ایشان

اما بعد از فتح قلعهٔ اقبال و نصر دولت کشور جاه
و جلال حیثیت مدح و ثنای آن پادشاه ملک نوازی معدلت اقلیم
القابی دارس سنمار شوکت و جاه شکی و ساده دولت خواه
روح قالب پادشاهی جان تن جهان پناهی مطلع انوار
عنایات سرمدی جل جلاله المنظم شیشهٔ عطر اخلاق محمدی
صلی الله علیه و آله و سلم علم فراز علم و عمل فن طراز ...
مجمع البحرین شریعت و طریقت واقف اسرار مجاز
و حقیقت خورشید بیت الشرف ... نوازی و جهان افروزی

جمشید رتبت السلطنت عالم طرازی و دشمن سوزی ابر بار
بار فیض و کرم بحر مواج جود اتم والی ملک و سلطنت ولی
ولایت علم و معرفت مربع نشین چار بالش دولت و امن
اسرار و عزت و کثرت قائل اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم
عارف غواص بسم اللہ الرحمن الرحیم مستغرق دریای الحمد للہ
رب العالمین صاحب عرفان الرحمن الرحیم مالک یوم الدین معتصم
بحبل المتین ایاک نعبد و ایاک نستعین محکم گیرندۂ راہ اھدنا
الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیہم غیر المغضوب علیہم
ولا الضالین یکتای عالم علم توحید فرد جہان بتفرید ناصب مناصب
عالمان دین رافع رایات شرع متین انتخاب سلاطین عالی ہمم
افتخار خواقین فرخ شیم علم علم و عمل بر دوش منعم صفا کیش
خدا کوش دل بدست آور مومنان اندوہگین داخل حاملان عرش
رب العالمین در فیاضی سایۂ فیاض علی الاطلاق و در سخاوت
جیب رزاق بالعشی والاشراق فرازندہ سرہای پابستگان
تار و نیاز نوازندۂ ارباب حقیقت و مجاز دستگیر عالمان حدیث
و تفسیر پشت و پناہ فقیہان روشن ضمیر فلک شکوہ ملک
اقامت فرشتہ پیکر ولی کرامت قرۃ العین دولت امیر
غرۂ ناصیہ شوکت وزیر مقبول بارگاہ بی ریو و رنگ منظور
چشم رسول عرش آہنگ جناب معلی القاب نواب
محمد علی خان صاحب بہادر صولت جنگ
ابن نواب غفران مآب وزیر الدولہ امیر الملک نواب

محمد وزیر خانصاحب بهادر نصرت جنگ ابن نواب
مغفرت مآب امیر الدوله نواب محمد امیر خانصاحب
بهادر شمشیر جنگ والی محمد آباد عرف تونک ادام الله
نجوم اقباله وانوار طالع العلا ولازال شموس اعماله وانوار آماله
ساطعتا که نواب گردون احتشام است و سلیمان لشکر اسلام
خواص را حسن خداداد نور عبادتش چراغ در خلوت افروخته
و عوام را برق حسن و سعادتش خرمن ادبار و نکبت سوخته
دیدار رخسار فرخش که بلمعات انوار عبادت درخشان است
بخت سیاه را ظل هما گردانیده پرتو جبین بلندش که مهر اوج احسان
و سعادت است ذروه پست اختر را از ثری به ثریا رسانیده
قدردانیش خاص ارباب علم را صلای عام داده و مهربانیش
عام طایفه انام را در انعام خاص کشاده شام غریبان را از
جلوه آفتاب چهره نورانیش صبح وطن در کنار و طوفان
زدگان آرزو و تمنا را بناخدائی خداداد امینش کشتی مدعا بر کنار
از دست فیضش زرباری چون از ابر بهار باران بدیع است
و در وجود باجودش جوانمردی و سخاوت به جوهر برندگی تیغ
ادای سنت نبوی فرضش گردیده و بتقدیم شرایط شرع محمدی
صلی الله تعالی علیه وآله وسلم همیشه اولیای کرام و وزرای عظام

زهی نواب عالی بارگاهی — در اقلیم سخاوت بادشاهی
وجودش جامع علم و شریعت — دلش دریای امواج طریقت
بملک جاه شاه سرفرازنده است — ز علم او را علم بر دوش نازنده است

بهر وقتش عد کتاب دین فراهم
نشستند از پی تصنیف باهم

کتب تصنیف باهم مینماید
بعد دوستی ره علم مینماید

بذکر احمدی شد کار جزمش
همانا بزم عرفان است بزمش

دمی از کار دینش نیست فرصت
دگر تا باس انفاس است همت

بهر دم شغل او کار قبول است
گهی بر لب حدیثش گاهی رسول است

گهی تفسیر قرآن گهه حدیث است
ازین مشق و ورزش رد خبیث است

بذکر آل صلی الله و سلم
املاک در خدمتش گشته مسلم

دل او قلزم زخار احسان
کفش از جوش همت ابر نیسان

اسیری دلپذیری بی نظیری
زپا افتادگان را دستگیری

بطبعش لطف دارد روز زندگانی
شود پیر کهن در نوجوانی

بقهرش زهر ایام [illegible] است
نور دیده انبساط انبساط است

اگر بارد سحاب لو بهاری است
دگر جوشد محیط قهر باریست

بجلوت عز و شان پادشاهی
بخلوت بندهٔ خاص الهی

خدیو با خدا نواب خوش خو
خداوان و خداگوی خداجو

کرم در گوهرش رسم قدیم است
کریم ابن کریم ابن کریم است

اگر بر آ جبلی در وجودش
همانا جوهر ذاتی است جودش

امیر خوش رئیس قدردان است
شه والاجاه نواب جهان است

[illegible]
فلک گر پای او بوسد عجب نیست

زبان شیرین بیانش روان است
که نام او محمد با علی هست

[illegible]
لقب خان بهادر آب گوهر

خدایا [illegible] دولت او
زگردون بگذراند شوکت او

چو مجنون باد دل مست قبولش — چو لیلی پرده سنگ زنی به دوشش
قدش سرو گلستان شریعت — دلش سرگرم فرمان شریعت
خرد شان در دلکش ضبط طریقت — شنود [illegible] حقیقت
وجودش قبله حاجت روایی — ز مخلوق در مشکل گشایی
بگویید با من خسته هم از جود — بخلق الحمد لله الفای معبود
گدای خسته دل و خاطر شکسته — بصحرای غم و کلفت نشسته
دعاگوی شما بود این ملالت — ثناگوی شما و این دلالت
نشیننده تو در ظل همایی — ندانم چیست این رنج گدایی
ترا چون لطف یار من اساین — چرا بخت [illegible] این
چسان باشد نه تلخی زندگانی — اگر [illegible] ز نیسان [illegible] مانی
نمیدانم چگونه می کنی زیست — که روزی [illegible] چیست
به پیش من چه رنج و محنت چیست — مرا خندیدگی این با تمست چیست
نه چندان مشکلی داری فزون تر — که بگذاریم حالش وقت دیگر
همین دم میکنم شادان دل تو — کنم آسان بزودی مشکل تو
بگیسر [illegible] به بند دین خلعت زر — [illegible] انور نو خورشید منور
به همچشمان چو شمع انجمن باش — بهاران [illegible] چمن بار
ببر و با ذات اخوی باش محبوب — [illegible] کرده [illegible] یوسف یعقوب
چو صبح صدق افزا شو صفا پرور — گلشن [illegible] خورشید [illegible]
الهی جمله از من این دعا را — اجابت کن بحرمت مصطفی را

و خلایق حدایق نعوت و مدایح که جمال نشان و دافانه افزون
پیرهی گشته بل شجاره افکار دشا جهای قلوب اندیشه کار نسیم [illegible]

و تحرک زبان در تبسم رسیده و نغمهای رنگین و ترنم دلنشین
که عندلیب دل در عین مستی هستی سوز بر شاخ وحدت کشیده
ثنا ربارگاه بهار پناه بادشاهی است که وجود با جودش گل فرزندی
خورشید فلک گردیده و آدم بفخر فرزندی و دولت نور بینش
مسجود ملک جانش را بدولت حب الهی حسن یوسفی قطره
جان بخشان گردیده و پیش جلوه رخسار تابانش هر خورشید رخ
مسیر نبوت چون انجم حضور نیر اعظم چراغ سحری و زیبنده نهال
قامتش برنگ الف از آب حیات است سینه دگل بوستان
در شیشهٔ آفتاب وعده بصد هزار آب شسته کف پای اش جلوهٔ بیضای
کلیم حاصل و ذاتش با معبود مطلق چون الف با اسم در خلوت
لی مع الله و اصل ذرهٔ خاکش همرنگ مهر درخشان سنگریزهٔ
درش همسنگ لعل بدخشان سگ کوچه اش را در دیدهٔ اولی
الابصار که مجانین صحرای مدینه اند حسن لیلی آشکار است و مور
کویش را در چشم اولی الالباب که سر بر آستانهٔ نبوی سوده اند
شان سلیمانی پدیدار کاهش را دو قار کوه پیدا و از بیمارش
اعجاز عیسوی هویدا عرش با آن همه بلندی فرش پایش
گردیده و وجودش مصداق ما زاغ البصر و ما طغی برنگ
قطره در دریا محوی ذات مطلق و در سایهٔ زاغ دیوارش
هما را سعادت نمایان بر سبیل خیرات نشسته و عصفور
سقفش در همایون و بخت و سعادت منتشی شیوهٔ عرشیان را
گزیده خاک پایش را اکسیر در خاکساری و خذف آستانش

[illegible] سفیر نواب مستطاب اجناب
وزیر الدوله وزیر الملک وزیر محمد خان
صاحب بهادر نصرت جنگ انار الله برهانه و مدح
جناب نواب مغفرت مآب امیر الدوله
امیر الملک محمد امیر خان صاحب بهادر
شمشیر جنگ طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه
دل نمیخواهد و ادب رخصت نمیدهد که چون نام حضرت اعلی
اعنی والد بزرگوار آقای نامدار بر زبان رفت بر روح پر
فتوح آن مغفرت پناه رضوان دستگاه گهرهای شاهوار طلب
مغفرت و رحمت غفار نیفشانم و زبان را با وصف شیرین کار شکر
رطب اللسان نگردانم سبحان الله زهی نواب دریا دل حبذا
امیر عادل که دست جودش ابر دریا بار را از بسیاری باران
کرم و کثرت ریزش دینار و درم ترسیاخت و آفتاب انصافش
کشت سرسبز عدالت نوشیروانی در خشکی شرم و پژمردگی
انفعال می انداخت علمش علم عمل بر عالم بالا میرساند و حلمش
در وقت غضب آب دریای رحمت بر آتش می افشاند
فریاد رس ستم کشان مستغیث عالم عامل تفسیر و حدیث کاشف
دقایق فروع و اصول واقف حقایق منقول و معقول اعلم
العلماء اکمل الکملاء امیر الامراء اعظم العظماء نواب گردون
جناب وزیر الدوله امیر الملک محمد وزیر خان
بهادر نصرت جنگ انار الله برهانه رئیس اعظم

بری دار الاسلام که نیر اعظم وجود با جودش
را اندرون ازل حویلی بیت الشرف کرامت وکرم و گلشن
ملکش بانظار فیض آثار عدالتش رشک لیالی ایام بهشت
امیری بمقتضای الفقر فخری داد فقیری مهیا داد در عشق
محمدی صلی الله علیه وسلم رسم وراه دعا تا نه می نهاد
مشغله مجازش مطلع انوار آفتاب معنی حقیقت بود و نیت
مشارق شموس تجلیات طریقت از سیر وسیر
رحمة للعالمینی حاجت روائی جانهای عالمی مقدم
بود از سلسله صدیقیه نقشبندی الواح قلوب بنی آدم
بنقوش مفاسد نفسش بسلم هرگاه نیت تحریمه در طاعت
می بست در تحصیل حضوری را دست بسته کشاده می کرد
دولت سجاده نشینی لی مع الله وقت لی وعده عمر دنیا
نمی آورد هنوز آوازه جود وطاعتش درین گنبد نیلگون
پیچیده است وشهره جاه وجلالش در اکناف عالم و
اصناف امم رسیده مسیحائی کشتگان گردش گردون
دون کارش بود طریقه انیقه سنت نبوی صلی الله
علیه وآله وسلم افتخارش از بهار انتظام شریعت گلشن
ملکش را از خس وخاشاک شرک وبدعت خفتا ورفته
وارد نسائم فیض نسائم انفاس کریمش غنچهای قلوب
حسن بین خندان وشگفته اگر ز احبانا از خدمتگاری تقصیر
بظهور رسید که از ان لذت عتاب می چشید

آن شیخ پنج می دادند در استعفای خسرم بریده امارت
سکونها در امیدواری از دست محرومی زیرکی و دلفگاری
از غلبهٔ فلک رنجهایش خسته خاطر و مغموم گشتمی نور الله
مرقده و برشده ولده پدر معلا نیش جوانمرد و عالم برگزیدهٔ نوع
بنی آدم هژبر نیستان شجاعت و دلیری ضیغم بیشه شیر مردی
دستگیر سپاهی اوج سعادت ملک فلک عبادت مربع نشین
چهار بالش دولت و کامگاری و ساده پیرای مملکت .
سر آمد و سرداری فارس مضمار تهور و جهانگیری شهسوار
میدان جهانستانی و دلپذیری امیر الدوله امیر الممالک
جناب نواب محمد امیر خان بهادر شمشیر جنگ
فردوس مکان جنت ایوان که روحش در خلد برین
یاد و تنبیهش روضه از ریاض علیین منیع رانی از اهل
فرهنگ هوش و فرهنگ پرده و عکروس فتح و ظفر را به
جوانمردی تمام در عقد خویش کشیده و ملک و مال زایر
سلسل تدبیرش و قبضهٔ اقتدار خویش آورده سمهم
که کسی سوان گردش که بالفعل روپیه مرا بده که ضرور است شد
در پیش دارم که از آن جان و دل ریشم پس پنج روپیه
دادش و گفت دلنشین است که در قسمت تو چنین هست
لطف مرا چگونه یقین آید و دلم برین حیران التفا
نمائید فرمود تا بعد قسم افگندن معلوم شد که
در قسمت همان بود که عطا فرموده است

... شنیدم که صد هزار روپیه دادش و بر ... دل مرهم جان افزا بنهادش از اینجاست که گفته اند السخی حبیب الله ولو کان فاسقا مصراع
با کریمان کارها دشوار نیست

نظم

خدیو خدا دوست بود آن ولی — چو مهر درخشان بروشن دلی
خداوند ملک و زر و گنج بود — کفش زرفشان لب گهرسنج بود
بجان حامی شرع دین نبی — بعشق نبی از همه اجنبی
بشرع رسولخدا امسرد بود — دلش در طریقت پر از درد بود
بملک ریاست همایون شهی — ولی از ریاست نه کارش تهی
جهان رسم جود و کرم داشتی — که خلقش تن روح پنداشتی
جهان سوی آن آستان کرم — دویدی چو در طوف بیت الحرم
بتن زورمند و بقامت بلند — یل شیردل منعم ارجمند
بهمت بشوکت شهی بر سریر — بدولت وزیر و بملکت امیر
وزیر محمد محمد طریق — بدریای سنت همه تن غریق
لقب خانیش از ازل بیدریغ — چو گوهر بدریا و جوهر به تیغ
دل از نور طاعت چو جام جمش — ز خلق محمد معطر دمش
ز غم دشمنان را بجان تنگ داشت — که از آسمان نصرت جنگ داشت
شنیدم که میداد زر گنج گنج — جهان را براحت کشیدی ز رنج
برخسار او نور طاعت چنان — که حور دل فروز اندر جنان
بروی لبش چنان ریش فرخ نمود — که بالشمس را گرد واللیل بود

لشان و حشمت برفعت فلک | بسیرت بصورت چو فرخ ملک
قبای شهی بر سر دلق داشت | دل و جان بحق روی در خلق داشت
بحق مو بهر وقت بی گفتگو | گواهم برین پاس انفاس او
چو در طاعت از غیر پرداختی | ملک را بحیرت در انداختی
بمسجد شدی با خشوع و نیاز | ادا ساختی پنجگانه نماز
امیری فقیری تهجد گذار | باشراق و هم چاشت سرگرم کار
جنیش بود در بزم با عیش و ناز | دلش داشت چون شمع سوز و گداز
بسر برده آن شه جهان زندگی | که درویش دارش در بندگی
برو زانت خان نگریستی | بشب بهر درویش بگریستی
کسی را چو دیدی بجور سپهر | شدی آب شیرین بحلقش چو زهر
بمحتاج و مسکین چو بارنده میغ | فشاندی زر و سیم را بیدریغ
هر امش شدی رحمت خوابگاه | بمیداد تا داد فریاد خواه
بلبس شهی مرد درویش بود | تنش تندرست و دلش ریش بود
بروز نبرد شجاعت یل شیرگیر | بزهد و بطاعت چو کامل فقیر
همایون امیری و فرخ شهی | بعلم و عمل مرد کار آگهی
بسیرت بصورت شه دلکشی | بکردار و بکر فرشته وشی
برو باد رحمت ز حق جاودان | بماناد مسند نشین جنان
برو نور باران طبق در طبق | تنش در جهان روح در قرب حق
خدا را که بود دست گلشن ستان | گذشتی ز خار اش نوک سنان
بجز دعا نوح و شش ملک را | امیر جهان دولت و ملک را
امیرزاده محمد امیر | که خان جهان بود آفاقگیر

سوید ز گردون فیروزه رنگ | سوار جهانگیر شمشیر جنگ

چنان تیغ رانده بکفار دون | که شد ریخته رنگ شان نیلگون

چنان کرده زنده بشمشیر دین | که بر چرخ عیسی بخواند آفرین

نبوده در آن عهد اقبال او | مگر بسته رستم ز چنگال او

قطعه بند

برانش سمندی چو شیر ژیان | چو خورشید را توسن آسمان

بهر سو که چون صرصرا تیختی | اگر کوه بودی چو که ریختی

بتیغ و سپر مرد پیکار بود | بطاعت چو درویش دیندار بود

دلش بحر مواج دستش سحاب | دعا نیز جیشش خدا مستجاب

بزور و شجاعت بفر جسد | چو خور کرده تحویل برج اسد

بوج سخا چرخ جوشش نمای | باوج سعادت همایون همای

شدی یار درویش شو ... | گدا را توانگر نمودی بمال

باقبال در جنگ شد بهره ور | کشیده عروس ظفر را ببر

گرفته بنیروی شمشیر تیز | همه ملک و دولت بر سم جهیز

بزیر عنانش اطاعت گزار | چنین ابلق توسن لیل و نهار

بخاک چنین نیکمردان داد | ز حق بارشش رحمت و فضل باد

از ایشان کنون شمع این انجمن | بفضل خدا هست آقای من

بدست کرم ابر گوهر فشان | بدریادلی قلزم بیکران

ز جودش همه هست ناز و نعیم | از او سر بگردون نیاز فقیر

چو تیغش زند ابر آروشه ابد | ز تب مرزه افتد تن کوهسار

چو آلتیز داد هم بوقت نبرد — کند زنده رستمی زیر گرد

اگر دست جودش در آید بکار — شود روح حاتم بپایش نثار

چو در عدل سازد بمظلوم غور — شود منکسر شان کسری بجور

خداوند عشق جناب رسول — خداوند اقبال و قلب قبول

خداوند ملک دل عارفان — خداوند اقلیم جان جهان

خداوند عرفان و لوح و قلم — خداوند تمکین و جاه و حشم

خداوند تیغ و خداوند جوش — خداوند زر نعم سیف بخشش

جهان جوی نواب عالی دماغ — در ایوان شاهیست روشن چراغ

یمین دول دولت یمین یسار — بود گردش از فضل پروردگار

خجسته مهر مه آسمان تونک — محمد علیخان نواب تونک

گر از صولت جنگش آید خبر — بسوزد از غم به شیر و شیر نر

زهی نام در بابی فیض کریم — محمد حبیب علی العظیم

معمای نامش بود جان خدا — به محبوب یزدان و شیر خدا

از این اسم چون اسم اعظم شنید — چو زهره زجان نقطه بالا پرید

به معنی دیگر لدا غیب هست — چو گنج نهانم در آید بدست

چو چشم در قلب دهم شب نهان — ولی شد چشمه جاودان

چو شد ولی است بگل آشکار — چو بلبل شگفته چمن صد هزار

چو هفتم ترکیبش فرخنده اسم — عیان گنج کردم نهان در طلسم

ز لطفش چو گلشن دل دوستان — گل عشرت گل بوستان

ز تشنگی شود باغها خارخار — شود جهان چمن فضل بهار را

بدست همایونش از ابتدا — ز راغ نشانم هست فر هما

بخلق و مروت بجود و کرم — ندیده کسی اینچنین ذی حشم
بنور عبادت درخشش آفتاب — بفر سعادت همایون کتاب
بران ام واب آفرین صد هزار — که ماند از نشان چنین یادگار
چو او از سعادت فروزد چراغ — شود در جنان روح شان باغ باغ
در اقلیم دولت شه زرنشان — بعلم و ادب داخل عارفان
بفرخ نژادان مبارک خلف — همایون چو خورشید بیت الشرف
سزد گر شود در رهی روشن بدن — شود قبر شان رشک گلشن بدن
خدایا مرادش برآر از کرم — سر علم در دل دانشش علم
وجودش بسند چو جمشید کن — بادج جلالش چو خورشید کن
خدیو خدا دوستا شاد باش — ز زهر و ز درد و اندوه آزاد باش
جهان را بزیر نگین آورے — نسبت فلک را بزیر آوری
نیاید غمی بر دلت از جهان — نیاید بتو راه درد نهان
بحق کرم طاعت بدار الجلیل — بجان شادمان و بتن تندرست
دعائیکه داری به پیش خدا — مبادا ز حسن اجابت جدا
چنان کن بمن بخشش جانفزا — که آید ز من شکر لازم جزا
روم شاد و خندان بسوی وطن — چو بلبل که پرد بسوی چمن
شوم تر زبان چشم پرنم شوم — بشکر تو شادان و خرم شوم
وطن رفته رفته ز دلها غبار — شوم در دعای تو مشغول کار
زمین جان فشاندن بسی تمام — ز تزیدان قبولت ز حسن نظام
بدل گوش کن ناله های فقیر — که فرخ امیری و ابن امیر
جهان صبرم آید بدرد الیم — چو دائم کریمی و ابن کریم

جهان تشنه سازد بسوز و گداز
چو جمشید کز بحر بیسه تشنه نواز

دلم را ابنا شد چگونه تعب
جهانیست سیراب و من تشنه لب

همین وقت گنج مرادم بده
دل خسته بستان و دادم بده

خلاصم ده از غربت جانگزا
همه سار ما نذر خدا زین بلا

کنون از خلوص دل صدق جو
دعا میکنم تو هم آمین بگو

جهان داورا دادو دین پرورا
خداوند نعمت کرم گسترا

همه دور گردون بکام تو باد
خدیو خسته دوست نام تو باد

دهی کار دنیا و دین را نظام
بحق رسول علیه السلام

بیا باد دنیا ترا عیش باد
بسر تاج دین رسول خدا

بخاتم نگین سلیمان ترا
بدل عشق محبوب یزدان ترا

علی را ز شکرت بدل جوش باد
می جام احمد بجان نوش باد

ازانجا که نظر همت شاهانه بر همه بندگان در دولت پرداخته و در انعام و اکرام طریق تساوی بظهور می آرند چون همه خدام در دولت بارها و مرتبها انعام یافته اند و برای حصول مرام خویش شتافته بجز من عاصی که از بی هنری خویشتن بجای نرسیدم و چه رنجی و غمی که برجان و دل نکشیدم لهذا خواستند که این بی هنر نیز محروم نماند و از حسن ... مان در دروازه ناامیدی نراند حکم فرمودند و فرمان نمودند که لذا اعمال مرویه شریفه جناب رسول مقبول صلی الله تعالی علیه وآله وسلم تالیف کرده و از کتب اعمال فراهم آورده حاضر کنند بنا براین ننگ عباد الله الصمد علی احمد از چند کتب اعمال اعمال مرویه شریفه فراهم آورده رساله ترتیب دادم و چون مرتب گشت هشت قسم منقسم گردانیده باسم سامی مسمی بمشرق دولت بیدار

در باب ساقی شربت دیدار نهاده بود نام تاریخش نیز در رین و نام
نهان است و سال تالیفش از زیباناه عیان غزل تهنیت

بر تو ای منعم سردار مبارک باشد | نسخهٔ تو بیار مبارک باشد
مدعا یاب شوی بر تو چنان زین اسرار | مشرق دولت بیدار مبارک باشد
از رخ ساقی دارین بافزونی دینا | قدح شربت دیدار مبارک باشد
اندرین بزم تو از دسته گلهای بهشت | چون دعای دل ابرار مبارک باشد
از می دید رخ ساقی بزم عرفان | بر تو این ساغر سرشار مبارک باشد
دستیابی بمرادی که دل است نیم راه | آن چنان این عمل کار مبارک باشد
هر چه خواهی همه یابی تو الهی انسان | تا به کار نزار مبارک باشد
هست از بام فلک بانگ سروش رحمت | کاین گل رحمت غفار مبارک باشد
از علی بر تو ز فضل و کرم احمد بار | نامهٔ احمد مختار مبارک باشد

بدانکه این رساله مشتمل است بر یک مقدمه و یک فائده و هفت فصل

مقدمه در بیان بودن خواب نیکو از چهل و شش
جزو نبوت و بیان آنکه مراد از مبشرات رویا صادقه
است و بیان تحقیق معنی حدیث من رآنی فی المنام فقد
رآنی فان الشیطان لا یتمثل بی. و بیان متعلقات آن

مثل آنکه کسی ببیند که آنحضرت رسول علیه الصلوٰة والسلام
او را امر میکنند برای خلاف حکم شریعت وغیر ذلک

- فائدهٔ اولی - در بیان حلیهٔ صورت مبارک آنحضرت
صلی الله تعالی علیه و آله وسلم - فائدهٔ ثانیه در بیان تعبیر
دیدن پیغمبران علیهم السلام را در خواب - قسم اول -

در آیات قرآنی و سورهای فرقانی که کلید در این خزانهٔ دولت است
و مفتاح گنجینهٔ رحمت قسم دوم در اعمال و روایت شریف موجب رؤیت
سید ابرار و فرمودن اصحاب اخیار که اکثر بتجربه آمده قسم سوم
در اوراد درود شریف که بکثرت آن بدین منزل مقصود توان شتافت
قسم چهارم در ادعیات و عملیات که از اکابرین و اعاظم
متقدمین منقول است و باعث زیارت پر بشارت رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم قسم پنجم در کشف تعبیر روح نبی صلی الله تعالی علیه و آله وسلم
و دیگر ترکیب بجهت دیدار رسول کریم علیه التحیة والتسلیم
قسم ششم رباعیات بزرگان دین که بجز اندک التماس
دوام دیدار سید الابرار صلی الله تعالی علیه و آله وسلم حاصل گردد

و چشم را بنور روی اقدس پر ورده **قسم هفتم** در ادویه که با استعمال آن از مرض فرقت نجات توان دید که شربت دیدار فائض الانوار از تب فرقت توان رهید **مقدمه** در بیان

بودن خواب یکجزو از چهل و شش جزو نبوت و بیان آنکه مراد از مبشرات رؤیا صالحه اند و بیان تحقیق معنی حدیث من رآنی فی المنام فقد رآنی فان الشیطان لا یتمثل بی و بیان متعلقات شان مثل آنکه کسی ببیند که آنحضرت رسول علیه الصلوة والسلام اورا امر میکند برای خلاف حکم شریعت وغیر ذلک

در اسرار خفی از سید عبد الجلیل غیاثی القادری قدس سره آورده که بتحقیق خوابهای صادقه یکجزو است از چهل و شش جزو نبوت و همدران از شیخ مذکور نقل کرده که فرموده علیه السلام من لم یؤمن بالرؤیا الصادقة فانه لم یؤمن بالله ولا برسوله کذا فی ذخیرة غرة الی ... بالسعد فی تفسیر قوله تعالی البشری و همدران است که پرسیده شد از نبی صلی الله تعالی علیه وسلم از البشری فرمود آن

رویای صالحه اند که می بیند آنرا مرد مسلم یا فرمود که بدیده میشود
آنرا فرمود لا نبوت بعد المبشرات قیل وما المبشرات
قال الرویا الصالحة یعنی نیست نبوت باقیمانده است
از نبوت بعد مبشرات فرمود خوابهای صالح و فرمود
الرویا الصالحة جزو من ستة واربعین جزءا من النبوة توضیحش
آنکه چون سید عالم صلی الله تعالی علیه وآله وسلم بعد از چهل سال
بدعوت مبعوث شدند و تمامی عمر مبارک ایشان شصت
و سه سال بود پس بست و سه سال از عمر خجسته مال در نبوت گذرانیده
ازانجمله در ابتدای بعثت شش ماه بجای وحی خوابهای صالحه
میدیدند و بعد ازان بست و دو نیم سال دیگر جبرئیل علیه السلام
می آمد و نصوص علیه قرآنیه نازل میشد پس بنابراین قاعده صورت
بندد که خواب صالح یکجزو است از چهل و شش جزو نبوت
زیرا که شش ماه یکجزو می شود از چهل و شش جزو بست و سه سال
و قال علیه الصلوة والسلام من رآنی فی المنام فقد رآنی
لان الشیطان لا یتمثل بی الی بصورتی وکذا ذکر القسطلانی
فی شرح البخاری فی فصل من رائی حبیب الله صلی الله علیه
وآله وسلم اقول ذهبت بعض العلماء رحمهم الله الی ان من رائی
النبی صلی الله علیه وآله وسلم فی المنام فهو صحابی باید دانست
که درون دل روزنی است کشاده بملکوت آسمان چنانکه
از بیرون دل پنج دروازه کشاده است بعالم محسوسات
و مثل دل چون آئینه دیگر که صورت جمله موجودات در روی آن است

وچنانکه صورتها از یک آئینه در دیگر افتند چون در مقابله آن
بداری همچنین صورتها از لوح محفوظ در دل پیدا آید چون دل
صافی شود و از محسوسات دور گردد با وی مناسبت
گیرد و تا به محسوسات مشغول باشد از مناسبت بعالم
ملکوت محجوب ماند اگر کسی ریاضت کند و دل از دست
غضب و شهوات و اخلاق بد بیرون کند و حواس را
معطل گرداند و دل را با عالم ملکوت مناسبت دهد روزن
دل گشاده شود و آنچه دیگران در خواب بینند وی در بیداری بیند
و ارواح فرشتگان در صورتهای نیکو پدید آید و پیغامبران
علیهم الصلوة والسلام را ببیند و از ایشان فائده و مددها یابد و ملک
و ملکوت آسمان و زمین بوی نمایند و کسی را که این راه گشاده
شد کارهای عظیم بیند که در حد وصف نیاید و علوم انبیا
و اولیا علیهم السلام از اینجا راه بود نه از راه حواس ؎
گو حواس خمس را بر کشاید راه دل پس بهر صورت که بینی سر بمعنی حاصل آ
ایضا حضرت شیخ ما فرمودند که در قلب صنوبری روزنی است
که بآن روزن کشف عوالم غیب و شهادت و مرات جبروت و
ملکوت و لاهوت گردد ؎ لشکر حضرت نگنجد در زمین و آسمان هم
پس در این فکرم که اندر سینه چون جا کرده پس باید دانست
که برای حصول این دولت عظمی و نعمت کبری اعنی رویت
رسول اکرم صلی الله تعالی علیه و آله و سلم چند شرایط است
که بی آن بدین مراد نتوان رسید و این گوهر شبچراغ در رشته

مشغول گشت اول باید که دل مصفی و نفس مزکی بدست آرد
و بر جاده مستقیم سنت نبی مضبوط گذارد از گناه و بدعات
بپرهیزد و آبروی تقوی و طهارت نه ریزد و بر سنت نبوی
علیه السلام استقامت گزیند و بیدار باشش لطافت و
طهارت صریح نشیند بخور بسوزاند و عطر بمالد و در حصول
تمنا بزاری تمام در حضور پاک العلام برآید و توجه دل و ترتیب
سامان مهیا گرداند و فرش پشم اگر سپید اران لقصور گستراند و
صدق اعتقاد و درستی اتحاد بجسم و روح خویش بکند و بیخ تعینات
ترتیب از زمین سینه بکند غرض که دل را الصفای ظاهر
و باطن آئینه رحمة العالمین نماید تا سلطان رسل و هادی
سبل محبوب رب العالمین مطلوب عارفین و عاشقین جلوه
رحمت و تجلی عنایت فرماید و بدان ای عزیز ارشد
کم الله تعالی فی الدارین که اگر بخاطرت خطور کند که چگونه تواند
که چندین کس در یک وقت رسول علیه الصلوة والسلام را در خواب
در اماکن مختلفه ببیند و معلوم است که یک جسم در یک زمان
و در دو مکان نباشد پس بشنو حدیث که از عبد الله بن مسعود
رضی الله تعالی عنه مروی است و در رساله ناقل است از
پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه و آله وسلم که گفت فرموده پیغمبر خدا
صلی الله و سلام علیه من رآنی فی المنام فقد رآنی فان الشیطان
لا یتمثل بی یعنی کسیکه دید مرا در خواب پس تحقیق دید مرا
پس بدرستیکه شیطان متمثل نمیشود بمن و بصورت من نمی تواند

خود راد همچنین از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت
فرمود حضرت پیغمبر خدا صلوة الله وسلامه علیه من رآنی
فی المنام فقد رآنی فان الشیطان لا یتصور بی او قال لا یتشبه
بی یعنی کسیکه دید مرا در خواب پس بتحقیق دید مرا پس تحقیق
که شیطان متصور نمیشود بصورت من یا گفت تشبه نمیگردد بمن
همچنین از ابی مالک اشجعی که از پدر خود نقل میکند که گفت
فرمود پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم کسیکه دید مرا در خواب
پس به تحقیق دید مرا همچنین از ابن عباس رضی الله تعالی
عنهما که گفت ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کان یقول
ان الشیطان لا یستطیع ان یتشبه بی فمن رآنی فی النوم
فقد رآنی یعنی بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه واله وسلم
بود که میگفت بدرستیکه شیطان استطاعت ندارد اینکه
متشبه و مانند شود بمن پس کسیکه دید مرا در خواب پس تحقیق
مرا دید و همچنین از ابو قتاده رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود
رسول خدا صلی الله تعالی علیه واله وسلم من رآنی فی النوم
فقد رای الحق یعنی کسیکه دید مرا در خواب پس تحقیق دید
حق را یعنی خواب او راست و ثابت است و همچنین از انس
رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول خدا صلی الله تعالی
علیه وآله وسلم من رآنی فی المنام فقد رآنی فان الشیطان
لا یتخیل بی قال و رؤیا المؤمن جزء من ستة و اربعین جزء
من النبوة یعنی کسیکه دید مرا در خواب پس تحقیق دید مرا پس

بدرستیکه شیطان خیال نمائی نمیتواند بمن و گفت خواب مومن جزو
ایست از چهل و شش پاره از نبوت فقط چه خواهد بود و حقیقت خواب
آنکه خواب دیدن عبارتست از حاصل شدن صورت آن چیز
در خیال و آن حاصل شدن غیر حضور آنچیز ست و دلیل بر این
که باشد که کسی در خواب بیند که او در هوا می پرد یا سر خود بریده پیش
خود نهاده بیند حالانکه هیچ اثری از آن در وجود خارجی یافته
نمی آید و همچنین هرگاه قطرهٔ باران فرو می آید بصورت خط
مستقیم متخیل می گردد و از وجود خارجی آنرا بهره نباشد پس
معلوم شد که روا بود که صورت چیزی در خیال پیدا شود اگر چه آن
چیز حاضر نباشد و چون حقیقت خواب دیدن معلوم شد گوئیم
روا بود که یکس صورت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وآله وسلم در
مشرق تخیل کند و دیگری در مغرب و خاصیت پیغمبر در خواب
آنست که نفس را شوق و نیازمندی ارادتی رحمانی بود نه
شیطانی پس این خواب صدق بود و خواب کذب از آن الا ما
فی سفینة فائده خواجه عبدالهادی رحمة الله تعالی علیه
در شرح شمائل ترمذی آورده که در روایت مسلم و بخاری است
که فرموده من رانی فی المنام فسیرانی فی الیقظة او لکانما
رانی فی الیقظة لا یتمثل الشیطان بی یعنی کسیکه دید مرا در نوم
پس قریب است که خواهد دید مرا در بیداری یا فرموده پس گویا
که دیده مرا در بیداری متمثل نمیشود شیطان بمن و ابن بطال گفته
که مراد از فسیرانی فی الیقظة تصدیق و صحت آن رویا ست

در بیداری در این دار نه آنکه فردا آخرت باشد که تمام مخلوق در آنجا او
را خواهند دید پس مراد بین اهل عصر رسول الله علیه السلام اند پس میگویند
که وحی کرده بود حق تعالی بسوی رسول خود صلوة الله وسلامه علیه و آله
باینکه آنکه می بیند نبی را از اهل روزگار وی و هجرت نکرده است بسوی
او خواهد داد او را الله تعالی توفیق هجرة بسوی او و از آن دیدن او را
در بیداری نصیب خواهد شد فقط و در مواهب گفته که معنی آنست
که اگر میبیند مراد در بیداری هر آئینه مطابق او است که در خواب دید
پس رویت رسول علیه الصلوة والسلام در بیداری حق و حقیقة
است و در خواب حق و تمثیل و مراد آن را در آخرت رویة خاصه
باشد بقرب و شفاعت و علو درجه و بعض گفته معنی آنست که
زود است که می بیند مراد او را آئینه که رسول علیه الصلوة والسلام
داشت اگر ممکن بود چنانچه نقلی است از ابن عباس رضی الله عنهما که او
دید رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله وسلم را در خواب پس آمد به بعض
امهات مومنان شاید که میمونه بود خاله وی رضی الله تعالی عنها
پس بر آورد آئینه رسول علیه الصلوة والسلام پس دید صورت نبی را
علیه الصلوة والسلام در آن و ندید صورت خود را و گفت عیاض
که معنی آنست که هر که دید نبی علیه الصلوة والسلام مرا در خواب
پس دید حق آن را یعنی اگر دید صورت او که در حین حیات داشت
پس رویا حق است و آنکه دید او را بغیر آن پس رویا تاویلی است
نه حقیقی نووی گفته که این ضعیف است صحیح آنست که آن
حضرت علیه الصلوة والسلام را به خواب دید او تحقیق دیده

برصورت سرور فشا او دیده باشد یا نه شیخ الاسلام حافظ گفته که ما بین
هر دو قول منافاتی نیست بلکه در هر دو حالت دیده است در اول
حاجت تاویل نیست و در ثانی حاجت تاویل است لهذا گفته اند
که هر که او را علیه الصلوٰة برصورت شیخ بیند پس او را نهایت صلاح
و هر که او را جوان بیند پس وی در نهایت جنگ است و هر که او را
تبسم بیند پس او متمسک است بسنت او مازری گفته صحیح است
که آنکه می بیند آدمی در خواب و اعتقاد میکند که او رسول خدا
صلی الله تعالی علیه وآله وسلم پس بدرستیکه او نبی را دیده است
علیه الصلوٰة والسلام بهر صورتیکه باشد و همین است معقول در رؤیته
او در هر حال حق است باطل و اضغاث احلام نیست امام
غزالی گفته آنچه در خواب می بیند بیننده آن حقیقت شخص او
علیه الصلوٰة والسلام که مودع است بر روضه مدینه مطهره نیست
بلکه می بیند مثال او را و این مثال روح مبارک است که متعالی
از صورت و شکل محل نبوة است فقط ند قناوی صوفیه اهل
که عدم تمثیل شیطان به نبی ما صلی الله علیه وآله وسلم مختص نیست
بلکه متمثل نمیشود به جمیع انبیاء و ملائکه و شمس و قمر و نجوم و کعبه الله
تعالی عالم در مدخل ابن حاج گفته که باید که پرهیز بد از آنچه
که واقع میشود مردمان را درین زمانه اینکه بیند کسی پیغمبر خدا
صلی الله علیه وآله وسلم در خواب خود پس آن حضرت صلی الله
علیه وآله وسلم آن بیننده را امر فرماید چیزی یا نهی کند از کاری
پس این کس خواب نگر از خواب خود مستی آگاه شود لیکن الخ

کار را اقدام ورزد یا باز ماند و بگذارد وپسش بتصرف آن حجاب
لهاکه پیشین کنند آنرا بر کتاب الٰهی جل شانه یا سنت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بر قواعد سلف رضی الله
تعالی عنهم فرموده ایزد تعالی جل شانه در کتاب باعظمت
خویش فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول
یعنی اگر منازعت کنید شما در چیزی پس پیش آرید
آنرا بسوی خداوند تعالی و بسوی رسول الله صلی الله علیه
وآله وسلم و معنی قوله تعالی فردوه الی الله است الی
کتاب الله است یعنی بسوی کتاب الله تعالی و معنی
قوله تعالی والرسول ای الی الرسول یعنی خود بسوی رسول
خدا و بعد از حیات آن سید کائنات علیه الصلوة والسلام
بسوی سنت آنحضرت صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
پس از وفات آن خلاصه موجودات علیه التحیات
والتسلیمات آنچنانکه فرموده اند علما رحمة الله علیهم
و هرچند در خواب دیدن رسول الله صلی الله تعالی علیه
وآله وسلم راست است شکی در آن نبود بقوله صلی الله
علیه وآله وسلم من رآنی فی المنام فقد رآنی تا آخر یعنی
هرکه دید مرا در خواب پس بدرستیکه خود مرا دید زیرا که شیطان
متمثل و صورت پذیر نمیشود بصورت من باختلاف روایات
یعنی در روایتی است رآنی الحق و همین معانی روایات
دیگر لیکن مکلف نشده است ایزد تعالی بندگان خود را

بچیزی از آنچه که واقع شود آنانرا در خوابهای خود شان فرزند
رسول خدا صلی الله علیه وسلم که بردا شته شده قلم از نوشته
کسی یعنی مرفوع القلم و معذور اند ثلثه کس و شمرده شد در این
سه کس خوابنده نیز تا زمانیکه بیدار شود زیرا که هرگاه خوابنده
بود از اهل تکلیف نیست پس باید که عمل نکند بچیزی که در خواب
بیند این است وجه یعنی [illegible] و وجه دوم این است که علم و روایت
گرفته نشود مگر از بیدار حاضر العقل و خوابنده چنین نیست و وجه
سوم این است که عمل کردن بخواب مخالفت است بقول صاحب شرع
صلی الله علیه وسلم زیرا که فرموده بود آنحضرت ترکت فیکم
الثقلین لن تضلوا ما تمسکتم بهما کتاب الله وسنتی یعنی که
گذاشتم در میان شما دو گرانبار چیز را هیچگاه گمراه نخواهید شد
تا وقتیکه چنگ زنید در آن هر دو یعنی استوار گیرید آن هر دو
را یکی کتاب الله دوم سنت خود هم پس قرار داد آنحضرت
صلی الله علیه وسلم نجات از ضلالت را در تمسک و چنگ
زدن باین دو گرانبار چیز و سوم چیز نیست برای این هر دو
و کسیکه اعتماد کند بانچه که بیند شخص در خواب می افزاید برای
این دو سوم سوم پس بنا بر علی هذا هر کس که بنگرد آنحضرت
علیه الصلوة والسلام را در خواب خود شخص پس آنحضرت
علیه الصلوة والسلام باین خوابنده بچیزی امر فرماید یا نهی
کند از چیزی پس متعین است بروی عرض کردن این گفته
خود بر کتاب خدا و سنت رسول الله زیرا که آنحضرت صلی

الله تعالی علیه و آله وسلم حسنرین نیست که است خیر و اکمل
شد بپیروی کردن همین درعه دسهرآئینه فرمودن آن حضرت
صلی الله تعالی علیه و آله وسلم آگاه باشید باید برسانید حاضر
مر غایب را یعنی انچه از ان حضرت صلی الله تعالی علیه و آله وسلم
گوش کند و شنود به دیگران که آنجا حاضر نباشند برسانند تا آخر حدیث
و روایت کرد ابو داؤد در سنن خود که فرمود آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم شما بشنوید و شنوده شود از شما و شنوده شود از
کسی که بشنود از شما فقط و از همین قبیل است قول رسول
الله صلی الله علیه و آله وسلم نماز خوانید شما انچنانکه دیدید شما مرا
که نماز میخوانم و نیز قوله علیه الصلوة والسلام بگیرید از من مناسک خود
را یعنی ارکان که خدا تعالی بدان امر فرموده و غیر این احادیث دیگر
آنچه در سه و یافته پس هرگاه پیش کند آنرا یعنی در خواب
... شریعت آنحضرت علیه الصلوة والسلام پس
اگر موافق و سازگار بود بآن داند که همانا رویا او راست
و همانا آینده کلام یعنی فرموده آنحضرت علیه الصلوة والسلام
نیز حق است و بود آن رویا از بهر مانوس کردن مر آن بیننده را
یعنی بعلم باطن که قرب حق تعالی است و اگر مخالف بود
با شریعت پس داند که این رویا حق و راست است و هرآئینه
آن کلام که او را یعنی خواب نگرنده را در آن خواب واقع شد کلامی
است که شیطان و نفس اماره در ذهن اش انداخته اند زیرا که این
هر دو وسوسه انداز نداده اند در حال بیداری پس چگونه در حالت خواب و

یعنی هرگاه در حال بودن که بیداری باشد این همه وسوسه انداز
می شوند در حالت غفلت که خواب بود چه سان وسوسه
انداز نشوند از بهر همین معنی فرموده اند علمای ما رحمهم الله
تعالی بنابر آن که گوش کردیم من از سید خودم ابو محمد
رحمه الله تعالی علیه که چند بار می فرمود بنقل کردن از علمای
رحمه الله تعالی علیهم که هر آئینه رسول خدا صلی الله علیه
وسلم هرگاه دیده شود در خواب پس امر کند بچیزی
یا نهی کند از چیزی پس واجب است در آن که عرض کند
آن نگرنده برابر کتاب الهی جل شانه و سنت پیغمبرش
صلی الله علیه و آله وسلم پس اگر موافق بود بداند که هر آئینه
این رؤیا هم حق است و کلام هم راست است و رؤیا
از بهر مخصوص کردن این خواب نگرنده است و بشارت
است او را و اگر آن کلام مخالف بود بکتاب الله و سنت
رسول الله پس داند که خواب راست است و هر آئینه
شیطان رسانیده است سوی سماعت خواب نگرنده
غیر آنچه که فرموده باشد آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
زیر آنکه اگر می بود آن خواب از آنچه که تعبید کرده شود
بآن یعنی اگر از عبادات بودی هر آئینه آنحضرت صلی الله
علیه وسلم هم آشکار فرمودی آنرا در زمان حیات
شریف خودش یا اشاره کردی سوی آن اگرچه
یکبار آنچنانکه کرده است در غیر آن و لقد کره ا...

شیخ امام ابو زکریا یحیی النواوی رحمه الله علیه در اوائل کتاب
تهذیب الاسماء و اللغات در بیان کلام بر خصائص آنحضرت
علیه الصلوة والسلام یعنی اموریکه مختص‌اند بذات حضرت خواجه
کائنات علیه التحیات والتسلیمات گفت که از خصائص اوست
که هر آئینه کسیکه دید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب پس بتحقیق
هر آئینه آنحضرت را دیده است پس هر آئینه شیطان صورت نمیگیرد
بصورت آن علیه السلام لیکن عمل نکنند بآنچه که شنوده باشد آن خواب
بیننده از آن در خواب از آنچه که تعلق دارد باحکام خلاف آنچه که
مستقر بود در شریعت بسبب ضبط نکردن خواب بیننده آنرا اشاره بهم
شک در رویا زیرا که خبر مقبول نمی‌شود مگر از ضابط مکلف
باحکام شرعیه و نائم بر خلاف آنست یعنی در زمان خواب اینکه یاد دارد آنرا
و نه مکلف است باحکام پس بنا بر علی هذا اگر کسی ببیند
آنحضرت علیه الصلوة والسلام را در خواب خود و خطاب کند آن
حضرت علیه الصلوة والسلام او را و متکلم شود باو و برسد در ذهن این
خواب بیننده بلفظی یا الفاظی و فوائدی که واقع شده‌اند در زمان
این خواب بیننده پیش از دو مخالف باشند آن الفاظ بشریعت
آن علیه الصلوة والسلام پس جائز نیست آن خواب بیننده را و نه
غیر او را عمل بآن خواب یعنی از دیدنیات آن نگریسته
در خواب او اعتقاد نکند که آنچه در ذهن او رسید در خواب
و مخالف بود با شریعت مطهره که صحیح است یا آنکه
منسوب باشد بنبی علیه السلام از نسبت این امر و مانند آنها

واجب و متعین است اثر آنکه هرآینه عصمت در دیدن خواب صورت کریمه آنحضرت علیه السلام سوای زیادت و نقصان متصور نیست یعنی عصمت صورت کریمه آن سرور علیه الصلوة والسلام اول و سابق است در زیادت نقصان مراد وش اینکه اگر خواب بیننده حافظ حلیه مبارک و ضابط هیئات شریفه آنحضرت علیه الصلوة والسلام شود و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بیند عصمتش نگاه دارد زیراکه ممکن است که صورتی در خواب بیند و گمان برد که این صورت او صورت آنسرور علیه الصلوة والسلام است و حال آنکه نباشد زیراکه هرگاه این نگرنده حلیه شریف و صورت مطهر خواجه عالم صلی الله علیه وآله وسلم یاد نداشته باشد چسان وثوق او تواند شد برین که این دیده شده او هرآینه صورت شریفه آنحضرت است علیه الصلوة والسلام قطع نظر از زیاده و نقصان که دران صورت مشاهده او شود پس اول کلام در اصل صورت است سپس در زیادت و نقصان چنانکه بعد ازین آشکارا شود خصوصا نقل کرد قرافی رحمة الله تعالی در کتاب خود مسمی بذخیره گفت که علما گفته اند که صحیح نیست در خواب دیدن پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم را بالقطع و بالیقین مگر دو کس را یکی صحابی که آنسرور صلی الله تعالی علیه وآله وسلم را دیده باشد دوم همین حافظ صفته یعنی ضابطه حلیه شریفه آنحضرت

علیه الصلوة والسلام بتلفظی که حاصل آید او را از شنیدن
آنچه که حاصل شود بینندهٔ ذکر شده آن علیه الصلوة والسلام
را یعنی حفظ و تذکر او صورت مبارکه کیان و شوق و ستواری
بود که گویا در زمان حیات آن سرور کائنات علیه التحیات
والتسلیمات را بچشم سر دیده و نگریسته است
تا ملتبس نشود بر وی مثال آنحضرت علیه الصلوة والسلام
و نبودن آن سرور صلی الله علیه وآله وسلم از ... سیاه و سفید
یا ... یا جوان و غیر این از صفات بیننده که ظاهر شود
در ... آنچنان که ظاهر شود در آئینه احوال نگرندگان و این احوال
صفت یعنی صورت و حلیه می باشد از نگرندگان نه از
صفت آئینه یعنی هرگاه واقع شود رؤیای صورت
کریمه آن حضرت علیه الصلوة والسلام آنکه ... ضامن
شده است او علیه السلام در آن ... عدم ...
تلبیس شیطان را بر خلاف صورتی
که آن پاک سرور صلی الله تعالی علیه وآله
وسلم را بود پس راجح خواهد
بود آن ایمنت و ... حال خواب بیننده
و آن جناب سول مقبول کریم
صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
... می باشد از آن ... امثال ...
آن ... حقیقت ضیا لو دانشش

دانستن تو لشنیدن کلامی که متضمن عصمت بود بنده را
اگر گویند که بید که هر آئینه درخواب دیدن صورت کریمه آن
حضرت علیه الصلوٰة والسلام هر آئینه متضمن عصمت است
از بهر نگرنده پس قیاس کرده شود بهر آن عصمت سماع
کلام نیز یعنی انچه انکه شیطان ممنوعست از تمثل بصورت
مبارک آنحضرت علیه الصلوٰة والسلام همچنین تواند شد
که ممنوع بود از ایراد کلام او علیه السلام جواب از قول قائل
اینست که هر آئینه دانسته شد از قواعد مقرره در شرع بعض
که هر آئینه شیطان جاری میشود در بنی آدم مانند جریان خون
یعنی آنچنانکه خون در رگ و پی مردم را روان میشود
همچنین شیطان هم آمد و شد و سریانی میدارد و وسوسه
می اندازد در جمیع احوال در بیداری و خواب پس بعض
وارد شده درباره عصمت نگرنده هرگاه بنگرد صورت
آن علیه السلام در خواب خود در شرع و باقی ماند آنچه اعلی
و شیحاوز از مین بعض است بر اصل خود که امین نشود نگرنده در آن
از تلبیس شیطان در کتاب مسمی با کمال مصنفه قاضی عیاض
است قوله من رآنی فی المنام فقد رآنی فان الشیطان
لا یتمثل بی و فی روایة فانه لاینبغی للشیطان ان یتمثل فی
صورتی و فی الحدیث الاخر من رآنی فقد رای الحق یعنی
قول آنحضرت علیه الصلوٰة والسلام که هر که دید مرا در خواب
هر آئینه دید مرا پس هر آئینه شیطان متمثل نمیشود بمن

وده در روایتی دیگر هست که در خود ممکن نیست شیطان را متمثل شدن در صورت
من و در حدیث دیگر هست هر که دید مرا پس مرا دیده او دید حق الغ گفت
امام رحمه الله که اختلاف کردند محققان در تاویل
این حدیث پس رفت قاضی ابو بکر بن الطیب
رحمة الله بسوی اینکه مراد بقول آنحضرت صلی الله
تعالی علیه وآله وسلم من رانی فی المنام فقد رانی اندرانی
الحق این است که مرا آنچه دید راست و درست و
نیز آنکه رویاء او اضغاث الاحلام یعنی ژولیده و پریشان
شیطان برساخته نمی باشد و نه از تشبیهات
شیطان است و قاضی مذکور موید و معاضد کرده است
گفته خود را بقوله صلی الله علیه وآله وسلم در بعض طرق من
رانی فقد رای الحق که مراد بود بان الحق که اراده کرده شد
بحدیث اول از خواب و قول آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فان الشیطان لا یتمثل بی اشاره است بسوی اینکه مراد است
که مرا دید خواب او از اضغاث الاحلام نمی باشد جز این نیست
که حق و راست می باشد و حال آنکه گاهی می بیند بیننده آنحضرت
علیه الصلوة والسلام را بر غیر صفت یعنی خلاف حلیه آنحضرت صلی الله علیه
وسلم که نقل کرده شده است بسوی او مثلا ببیند بیننده آنحضرت را پیری سفید ریش
یا بر خلاف لون مبارک آنسرور صلی الله علیه وسلم یا ببیند آنحضرت را دو بیننده گان در یک
زمان یکی از این دو در مشرق و دویمین در مغرب و دیگر در هر
یکی از این دو خود مسا با آنحضرت صلی الله علیه وسلم در مکان خود قوله

ودیگران گفته اند که حدیث محمولست بر ظاهر خود و مراد
آنست که هر که دید آنحضرت علیه الصلوة والسلام را در
خواب پس هر آئینه یافت آنحضرت صلی الله علیه
وسلم را و مانعی نیست که منع کند ازین و نه عقل محال می
داند آنرا تا که مضطر شوند بر گردانیدن کلام از ظاهر آن علت
پیدا آوردن باینکه بنگرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر صفت
معروفهٔ او در دو مکان مختلف معاً دلیلی پس این علت کرده
است در صفات آنحضرت صلی الله علیه وسلم و تخیل
کرده است آنرا بر غیر آنچه که آن صورت بر آن بوده است یعنی
چنین خلاف حلیهٔ مبارکه دیدن از غلط کردگی قوت مدرکهٔ این
نگرنده است و گاهی گمان کرده میشود بعض خیالات مرئیات
بسبب بودن آنچه که تخیل شود مرتبط بآنچه که دیده می شود
در عادت پس درین حال ذات آنحضرت صلی الله علیه وسلم
مرئی و نگریسته میباشد و صفات یعنی حلیه و صورت مبارکه متخیل
غیر مرئی یعنی در اصل نگریسته نیست صرف قوت متخیله از خود تراشیده
مرئی و مشاهد فرا نموده است از بهر آنکه در ادراک تحدیق الابصار
شرط نیست یعنی محیط شدن قوت بصر و مدرک متخیل شرط نبوده
است و قرب مسافات نیز شرط نیست مدفون فی الارض بودن
مرئی یا ظاهر علی الارض بودن آن یعنی در ادراک بوده
برابر اند خواه متخیل و مدرک در زیر زمین پنهان باشد
یا بر روی آن آشکارا و هویدا بجز این نیست که شرط علت

موجود بودن آنچیز دلیلی قایم نشده است بر فنا پذیر آمدن
جسم مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم بلکه وارد
شده در بعض اخبار آنچه که دلالت می کند بر بقای
جسمانی آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس میباشد اختلاف
صفات تخیلیه باعتبار آنهائیکه راه نماینده اند بسوی
نمائش صور متخیله و آنها استعداد و صفات نگرنده است کرمانی
بکر کرده است در باب رویا النبی صلی الله علیه وسلم که
وارد شده است که هر آئینه آنحضرت علیه الصلوة والسلام
هرگاه دیده شود پیری ریش سفید پس آن سال صلح است
و هرگاه دیده شود جوان پس آن سال حرب است مترجم گوید که
مراد بود اینکه مشاهده بصورت شباب مشاهده صورت مبارک
زمان حرب و جهاد در رویت بصورت شیخوخت مشاهده صورت
بود در زمان پیشین نبودن حرب و جهاد یعنی سن سلم صلح
رقه کذالک جواب آنان از آنحضرت صلی الله علیه وسلم بانکه
ارد دیده شود آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر فرماید بر زبان دهنده
بفعل آنکه قبل آن حلال بود پس آئینه این از صفات تخیلیه است
نه مرئیه یعنی نگرنده خواب را در متخیله متصور شده و قوت متخیله خیال
کرده خود را مرئی و مشهود برگزیده است و در حقیقت مرئی نیست
وجواب ثانی آنان منع وقوع مثل این است یعنی تسلیم نمیکنیم که چنین
واقع شود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بفعل مالا یحل امر فرمایند
دیده و وجهی نیست نزدیک من برای منع کردن آنان

امان این را یعنی عدم تسلیم و وقوع چنین خیال مر ولی را با وجود
قائل بودن آنان به تخییل صفات مراد این که خود گفتن که گاهی قوت
متخیله صفات را از خود می تراشد و آن صفات تخیله را مرئیه
و مشهود می نماید و باری تسلیم نکردن را هیچ نسبت نزد سن بوهات
و قبول و قاضی عیاض رحمه الله تعالی گفت که معنی قوله علیه السلام
فقد رانی فان الشیطان لا یتمثل بی و قوله علیه السلام فقد رأی الحق
محتمل است باین که هرگاه بنگرند آنحضرت علیه الصلوٰة والسلام را
بر صفتی که در حیات شریف خود بود نه بر صفت مضاده و مخالف
بحال آنحضرت علیه السلام پس اگر دیده شود آن سرور علیه السلام
بر غیر این پس این رویا رویا تاویل و تعبیر است نه رویا حقیقیه
پس بدرستی که بعض رویا خارج می شوند بر وجه خود و بعض محتاج
می باشند سوی تاویل و تعبیر پس گفت همین قاضی عیاض
رحمه الله که علماء رحمهم الله تعالی اختلاف نکرده اند در جواز دیده
شدن او تعالی در خواب و اگر دیده شود او تعالی
بر صفتی که لائق نبود بجلال او تعالی از صفات جسمانیه
هر آئینه متحقق شود که هر آئینه آنچه دیده شده است غیر
ذات او تعالی است زیرا که بر او تعالی تجسیم یعنی جسمانی بودن روا نبود
و نه اختلاف حالات بخلاف رویای نبی صلی الله تعالی
علیه وآله وسلم در خواب پس بود رویای او تعالی مجمع سائر
انواع رویا از قبیل تمثیل و تخییل گفت قاضی ابو بکر
رحمه الله تعالی که در خواب دیدن او تعالی دلالت هم

و خطرات قلبی ست یا مثالی که لایق نیستند باو تعالی
در حقیقت و متعالی و منزه ست او تعالی ازان و آن
دلالات ست برای نگرنده بر اموری که از قبیل کان
یکون باشند یعنی باختلاف حالات و صفات مانند دیگر
مرئیات و امام رحمه الله تعالی گفت که قول آن سرور صلی
الله علیه وسلم من رانی فی المنام فسیرانی فی الیقظة او فکانما
رانی فی الیقظة یعنی هرکس که ببیند مرا در خواب پس نزدیک
ست که خواهد دید مرا در بیداری یا گویا دید مرا در بیداری
پس اگر محفوظ الروایة بلفظ فکانما رانی فی الیقظة
است پس تاویل آن ماخوذ ست از ما تقدم
یعنی قوله اذا رؤه علی الصفة التی کان علیها
لا علی صفة متضادة لحاله مرادش آنکه رایت
دیده و اگر محفوظ الروایة بلفظ فسیرانی فی
الیقظة ست محتمل ست که اراده فرموده
باشد اهل عصر خود را از آنان که هنوز
هجرت نفرموده بودند سوی آنحضرت
علیه الصلوة والسلام پس هر آئینه هر که
از آنان دید آنحضرت علیه السلام را در خواب
پس نزدیک ست که خواهد دید آن علیه السلام را
در بیداری مرادش آنکه آن خواب بیننده
بعد این خواب خود مشرف خواهد شد بشرف

مبارکه وایزد تعالی دیدن خواب را لشان
دیدن در بیداری کند یعنی چنین خواب بران صحابی
مقدمه بود باد راک شرف صحبت و وحی فرما ید ایزد
تعالی بآن برگزیده خود صلی الله تعالی علیه وآله وسلم و
گفت قاضی رحمه الله تعالی که معنی است که ببینند تصدیق
آن رویا را در حالت بیداری و صحت آن و انکار کرده اند
بعضی از آنان این که معنی قوله علیه السلام فسیرانی فی
الیقظة ای فی الآخرة باشد یعنی هرکه مرا اینجا یعنی در
دنیا بخواب خواهد دید او در عالم آخرت مرا بحالت
بیداری خواهد دید از بهر انکه در عالم آخرت آنحضرت
علیه السلام را جمیع امت آن حضرت خواهند دید
خواه در منام دیده باشند یا ندیده باشند گفت
قاضی رحمه الله تعالی که بعید نیست نزدیک من اینکه
محتمل بود باسر همین یعنی بهر دیدن در آخرت و باشد
دیدن او آنسرور علیه السلام را در خواب بر صفتی که شناخته
آنسرور علیه السلام بآن صفت و موصوف شده بران
موجب شده بران موجب بر کرامت این خواب نگرنده
در آخرت و دیدنش برویت خاصه در قرب بآن سرور علیه السلام
و شفاعت سابقه درباره او و مثل هذا از خصوصیت رویت یعنی
چنین خواب نگرنده آن حضرت صلی الله وآله وسلم را
در آخرت متربانه خواهد دید و این حلم

استحقاق شفاعت بروش کمال عنایت عام خواهد بود
لاتتراءی نارا هما یعنی باید که نه بینند هر دو آتش آن هر دو
کسان یکدیگر را ای منزل مومن و کافر قریب یکدیگر
نباید بود که هر یکی آتش دیگری را به بیند از بهر آنکه آن
داعی الی الله است و این داعی بسوی شیطان که جمع
نخواهند شد آن هر دو در آخرت و دور خواهد بود هر یکی از آن دو
دیگری و بعید نیست که عتاب و عقاب کند ایزد تعالی بعض گناهگار
را در قیامت بباز داشتن و محروم کردن ایشان از دید محمد صلی الله علیه و آله وسلم
نبی خود و شفیع خود مسترحم گوید که دیدن مومن آن
حضرت علیه الصلوة والسلام را موجب شفاعت
و مستجلب رحمت می تواند شد پس ایزد تعالی
بعض مذنبین را ازین رحمت باز دارد از کتاب
ذخیره مصنفه قرانی رحمه الله تعالی آورده اند
گفت کرمانی که رویا هشت قسم می باشد
هفت از آن تعبیر کرده نشوند یکی از آن تعبیر
کرده می شود فقط پس آن هفت آن است
که بیده می شود از اخلاط اربعه غالبه بینند یعنی صفرا
سودا بلغم خون کسرا ای را استیلا کنند یعنی غالب
شده خلط و مومی رنگ سرخ و شیرینیها و انواع
می نگرد و ستی و در خواب بمقتضای رنگ خون
و طبیعت آن و اگر غالب شود صفرا بیند حرارت

و رنگهای زرد دیده شود یعنی باقتضای رنگ صفرا
و خاصیت آن و اگر بلغم غالب شود آبها و رنگهای
سفید و ژاله و برودت ببیند یعنی باقتضای سان
آب چیزهای بارده و اگر غالب شود خلط سودا
رنگهای سیاه ببیند و چیزهای خوف آرنده
و طعامهای ترش مزه و دانسته می شود این
بدلایل طبیه که دلالت می کنند بر غلبه این
خلط بر این خواب نگرنده قسم پنجم آنچه
از حدیث النفس است و دانسته میشود این بانکشاف
در رفتار کردن آن حدیث در نفس او در زمان
بیداری قسم ششم این است که از شیطان
بود و شناخته می شود باینکه امر کند شیطان
این خواب نگرنده را بامری منکر یعنی کار
زشت و عمل قبیح خلاف شریعت یا مخالف
مروت یا امری نیک که آخر منجر شود بسوی
منکر یعنی بظاهر خوشنما باشد اما در
باطن زشتی آور بود و چنانکه امر کند شیطان این خواب
نگرنده را بهیچ نفلی ادا کردن که از آن عیال
و پدر و مادر او ضایع شوند قسم هفتم گوید که هیچ نفلی ادا
سازد اگرچه چنین کست انکه نماید اما هرگاه در غیبت او اهل عیال او
بسبب اشتغال او بعادت تعبد ضایع شوند بجا نا امری بود منکر ناپسندیده شریعت و مخالف مروت

هفتم آنکه دران احتلام میشود اما خوابی که تعبیر کرده میشود آنست که نقل میکند آنرا ملک الرؤیا از لوح محفوظ یعنی فرشته که بر رؤیا موکل از سوی خداوند تعالی بر رسوم لوح محفوظ که گوئی امور دران مرتسم اند پیش از وقوع این خواب نگرنده را آگاه نمایند پس بر آئینه ایزد تعالی جل شانه ماموریست مایدان فرشته را نقل کند بهر کسی کارهای دنیائی او و آخرت او از لوح محفوظ انتهی آنچه کرمانی گفت رحمه الله تعالی قوله ذکر کرد امام ابو محمد عبد الله بن مسلم معروف بابن قتیبه در تالیف خود که دران جواب داد از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که دعوی کرده شده اند بران احادیث تناقض و اختلاف را هرگاه که تکلم کرد بر اقسام رؤیا پس گفت که جز این نیست که رؤیای صحیحه آن می باشد که آرد آنرا فرشته از نسخه ام الکتاب یعنی لوح محفوظ یک وقت پس از وقت دیگر سپس گفت که حدیث کرد مرا سهل بن محمد گفت حدیث کرد بمن اصمعی از ابی المقدام یا قره بن خالد گفت حاضر میشدم نزدیک ابن سیرین که سوال کرده میشد از رؤیا پس نگاه میداشتم که او از هر چهل یک خواب را تعبیر میکرد و این رؤیای صحیحه گردش میکند تا زمانی که تعبیرش کند عالم بالقیاس که حافظ بود اصول را یعنی قواعد و اصول تعبیر و موفق بود بصواب پس هرگاه تعبیر کند آن عالم واقع شود آنچنانکه او گفته باشد

قوله فصل و هرگاه بود رویا به تفصیلی که ذکرش مقدم شد
و هر آئینه معتبر بود ازان صرف یک قسم پس چگونه ممکن بود
سکون و اطمینان بسوی آنچه بنگرد آنرا انگرنده در خواب خود
با وجود چنین احتمالات و چگونه ممکن بود اقدام بر عمل کردن
بآنچه که بیند آنرا انگرنده در خواب خود قبل ازان که
عرض کند آنرا بر کتاب و سنت که ضمانت و تکفل به
کرده شده است عصمت در اتباع آن هر دو این یعنی اقدام
بالعمل بدون عرض بر کتاب و سنت ازان قبیل است که
متعقل یعنی مقبول العقل نیست گفت سید من ابو الحسن
شاذلی رحمه الله که هر آئینه باری تعالی ضامن شد بهر تو عصمت را
در جانب کتاب و سنت و ضامن نشد عصمت را در جانب
کشف و الهام و این ضامن عصمت نشدن در جانب کشف و الهام
در حالت یقظیه و بیداری است که محل تکلیف است
زیرا که کشف دران روشن تر می باشد از خواب پس
چیست اندیشه تو بکسی که غیر حاضر العقل بود و هر آئینه
مرفوع شده باشد از خطاب در حالت خواب کردن
و بودند اسلاف رضی الله تعالی عنهم در حالت بیداری
که بسا چیز نا میدند و بسویش رجوع نمی کردند مگر بعد
عرض کردن این نگریسته بر کتاب و سنت همچو پریدن در هوا
و رفتار کردن بر آب و جز آن و هر آئینه گفت پیشوائی این گروه
جنید رحمه الله هر گاه بنگرید شما مردی را که رفتار میکند

پس واجب آمد رجوع کردن درین بسوی آنحضرت علیه الصلوة والسلام
در حیات آنحضرت علیه السلام و سوی سنت آن علیه السلام
پس از انتقال فرمودنش سوی پروردگار خودش پس اگر گوید
گوینده که هر آئینه وارد شد در حدیث سمره بن جندب
رضی الله تعالی عنه که هر آئینه نبی صلی الله علیه وسلم هرگاه
نماز خواندی سوی ما آوردی روی مبارک خود پس فرمودی
که کسی دیده است امشب خوابی پس اگر دیده می بود
خوابی عرض کردی آنرا پس فرمودی آن علیه السلام ماشاء الله
ان یقول پس پرسید روزی از ما فرمود که آیا کسی از شما
دیده است خوابی گفتیم نی پس خود فرمود که لیکن من
دیدم امشب که دو مرد بر من آمدند تا آخر حدیث
اخراج کرد این حدیث را بخاری رحمه الله تعالی
پس جواب این است که این هم تائید میکند ما تقدم
ذکره را زیرا که رویا گاهی میباشد وحی از جانب
خداوند تعالی یا خود در حق نگرنده یا در حق غیر او تا غیر اینها
از آنچه که مقدم شد ذکر آن پس آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
از آنان می پرسید تا آگاه شود بان پرسیدن بر آنچه که
دیده باشند آنرا پس داند آنرا که از جانب فرشته موکل
علی الرویاست یا از غیر او و آنچه که مختص است بآنحضرت
علیه السلام و آنچه که مختص است بخواب نگرنده و آنچه که
از بهر غیر اوست و از تفاصیل آن پس رجوع میکردند آنان بسوی

بر روی آب دمی پرد در هوا پس روشن رسید بشنو پس هر آئینه
شیطان هم می پرد از مشرق تا مغرب رفتار سکنند بر آب
لیکن نظر کنید سوی اتباع او بکتاب و سنت پس هر آئینه
شیطان قدرت ندارد بران گاهی وجادوان پس اگر گوید گوینده
که هر آئینه مشروع شد اذان بسبب خواب که دیدند آنرا بعضی
از صحابه در عهد سرور عالم صلی الله علیه وآله وسلم پس جواب این است
که هر آئینه این تائید می کند مر آن را که پیشتر ازین بیان کرده اند
از عرض کردن رویا بر شریعت مطهره پس اگر موافق بود
جاری کرده شود و اگر مخالف بود متروک شود یعنی بکار
نگیرند بکارش دانند دلیل این که اذان یعنی در خواب
نگرندگان اذان را گذشته بچنین کلمات می گوید عمل نکردند
بانچه که دیدند تا وقتی که عرض کردند آنرا بر صاحب شریعت
صلی الله علیه وسلام پس مشروع شد اذان بسبب شنا
دیدن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قال الله تعالی و ما ینطق
عن الهوی ان هو الا وحی یوحی یعنی نمیگوید رسول الله از خواهش خود
نیست آن مگر وحی که وحی کرده می شود یعنی سبب نیست و
وحی دو قسم بود یک وحی بواسطه فرشته و وحی دیگر الهام
زیرا که آنچه که خواب نگرنده می نگرد احتمال دارد که در حق
او بود و محتمل است که در حق غیر او بود و احتمال دارد
که از جهت ماضی بود و احتمال میدارد که جهت مستقبل بود
و جز آن همچنان که حکایت کردند آنرا اصحاب علم تعبیر در کتابها

آنحضرت علیه الصلوة والسلام نه بسوی آنچه که خود میدیدند
آنرا پس همین سان حکم است بعد انتقال آن حضرت
علیه الصلوة والسلام پس رجوع است دران بسوی شریعت
آن علیه الصلوة والسلام نه بسوی خواب نگرنده بروجهی
که مقدم شد ذکر آن پس هرگاه عرض کرده شود در وی یا
بر کتاب الهی جل شانه پس اگر موافق باشد پس آن حق
و بشارت است از بهر خواب بیننده یا بهر کس
که نگریسته باشد خواب نگرنده از بهر او بقول آنحضرت
علیه الصلوة والسلام که باقی نمانده بعد من از نبوت مگر
مبشرات که بیننده آنرا مردی صالح یا دیده شود از بهر او یعنی
در حق وی و همین سان متعین است عرض کردن بر کتاب و سنت
آنچه که جاری شود بر دست بعض سالکان تابعان آنحضرت
علیه الصلوة والسلام از خرق عادات همچو کثیر شدن چیز
قلیل و مثل پریدن در هوا و رفتار کردن بر آب و صفائی باطن
و دیدن نور و شنیدن خطاب و هواتف و غیره
از احوال رفیعه آنان پس هرگاه عرض کرده شود
این بر کتاب و سنت پس اگر موافق بود آن بشارت
و تأنیس خواهد بود از بهر کسی که واقع شود از بهر او یا در حق
غیر او و همه این ازان قبیل اند که سکون و قناعت
کرده نمیشود بهر چیزی ازان پس اگر سکون کند کسی خوف
کرده میشود بران و هر آینه گفته اند که کرامت است

تا وقتی که حدیث و گفتار نکند بآن بغیر ضرورت [illegible] می رسد یعنی
شود پس سوی آن با تاز نکند بآن یعنی بالمرة بی ضرورت اظهار کنند آن را
از قبیل ناز و کبر است مترجم گوید که اگر کسی کرامت خود بدون
ضرورت برای فاش کند یا پایه برتری و رفعت شان خود
داند و بغرور در افتد چنین کرامت یعنی نوع نزد عادی کرامت نیست
زیرا که غرض چون سمعه و ریا و کبر نفس این منضم شود و مستعین است
بروی با این کرامت استکبار کردن و از آنچه که گذشت تعریف داده شد
بروی از علامات قبول بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم قیدوا
النعم بالشکر یعنی مقید کنید نعمتها را بشکر یعنی وقوع کرامت را
سرمایه نیایش و سپاس ایزدی کنید نه بضاعت
زهو و کبر قوله و مستعین است بروی ترسیدن از این که مبادا
این کرامت از قبیل استدراج بود یا از شیطان رجیم
و گفت سری سقطی رحمة الله تعالی علیه که اگر کسی در
بوستانی در آید و در آن اشجار بسیار باشند و بر هر شجر
طائری باشد و او را بزبان فصیح السلام علیک یا ولی الله گوید پس اگر کسی
بترسد از این که این مکر بوده باشد پس آن کس را نکو باشد
یعنی ماکر کرده شده باشد و بغرور در انداخته شده مترجم گوید
شاید بگمان رفعت پایه خود شخص از مسلک قرب
تنزلی بدو روی افتد و بضاعت کرامت در طاعت او برانگیخته
در آید و گفت ابوبکر بن العربی در کتاب خود مسمی بمراقی الزلف
استاد ابوعلی دقاق در قول رسول الله صلی الله علیه [illegible]

جائیکه گفته شد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و عیسی علیه
السلام بر روی آب میرفت پس نه بود آنحضرت علیه الصلوة
والسلام اگر [illegible] یقین بر آئینه شی آغاز کردی
پس گفته شد [illegible] استاد ابو علی دقاق گوید چنین نیست که او
نبی علیه الصلوة والسلام خود را اشاره کرد باین قول
نفس مبارک خویش در شب اسری زیرا که در لطائف
اسرار [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود [illegible] دیدم براق را که با من
رفت [illegible] آنحضرت علیه الصلوة والسلام
در هوا سوی ملأ اعلی جل شانه [illegible] همین اشاره کرد
جنید رحمه الله تعالی [illegible] گفت [illegible]
مردان بسبب یقین بر روی آب [illegible]
[illegible] قوله مشی فی الهوا مراد از رفتن آن سرور
علیه الصلوة والسلام در هوا سوی ملأ اعلی یا تنزیه و تقدیس
است از جهت و مکان یعنی آنجا نه سوی بود و نه مکان قوله
[illegible] می گفت که [illegible]
این زمان [illegible] است [illegible] رفتن آن
[illegible] آنچه که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]

دو شمن داشتن بدعات را و ترک کردن توجه و التفات شوی
کسیکه مرتکب شود بدعات را یا خوشنود شود بآن بدعات
زیرا که این نیست زبان آن و نیست در این زمان اسبابی
که اعانت کنند بر آن مگر بفضل خداوند تعالی و از جهت
آن که بیشتر مردم درین زمان بسبب عدم الیقین
و ضعف ایمان بسکون و پسند نمی کنند بآنچه که سنت
داشته شده است بر آنان و عطا شده آنان را از اتباع
و ملازم چیز بودن در سنت کردن بسوی خیر
تا این که میشد کرامت یا خواب در خفتن و هر یکی
از ان نیکا است محتمل چیز ها او ست استطاعت
کتاب و سنت احتمال نمی دارد مگر یک وجه را و
آن توفیق است زیرا که آن خلقی است که داده
شده است بر آن کس از جانب ایزد تعالی سبحانه نمی
بینند از آن مگر اهل صدق و ارباب تصدیق انتهی
و همین موید است انچه شیخ دهلوی در مدارج ائمه که
دیدن آنحضرت رسول خدا صلی الله علیه وسلم در خواب
بر هر چه که باشد درست و راست است یا رب بیننده ای
حضرت صلی الله علیه و آله وسلم را دیده است بهر چیز که دیده لیکن
بصورت خاص اتم و اکمل است بلکه حضرت حق تعالی در آئینه است مرید
را آئینه خیال صافتر و منور سلی در مفتی تر رویت از وسعت
تعکاملتی انتهی با قلادة گفته لیس از حضرت علیه السلام

که امر پیغمبر باید بقتل حرام گفته شد که عمل نکرده شود بر آن
چرا که این از صفات متخیل است نه مرئیه و در روضه گفته
هر گاه عمل کرده شود بمسموع از آنحضرت صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
در منام متعلق باحکام بجهت عدم ضبط رائی نه بجهت شک در
رویه شریف پس تحقیق خبر قبول کرده نمیشود و نگرید ضابطه
تکلف و خوابنده مخالف این است ابن حجر گفته که تعیین
کرده شود کلام او صلی الله تعالی علیه وآله وسلم در خواب بر سنت
پس آنچه موافق باشد حق است واگر بر خلاف
آن باشد دانسته شود که در ان خلل پیدا شده است
در مساعت رائی است شیخ عبد الحق از شیخ خود و از شیخ خود
حسام الدین متقی نقل کرده که میگفت آمد از دیار مصر یک
استفتا که سوال کرده بود در ان از شخصیکه دید آنحضرت
صلی الله تعالی علیه وآله وسلم را در منام و در حالیکه پیغمبر باید بخوردن
شراب پس نوشت هر کس که پرسید باو از تاویلات
و روایت تا آنکه رسید به شیخ محمد عراق و بود شیخ موصوف
متبع سنت پس نوشت در جواب آنکه هر آئینه بیننده غلط
کرده است حس آنکس هر آئینه آنحضرت صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
فرموده است مر آنکس را که مخور خمر را پس غلط کرده حس
آنکس و در قبح آنکس را در مساعت غلط که بر پیغمبر باید
حضرت صلوة الله وسلامه علیه که مخور خمر
را پس این غلطی حس اوست و بس فقط

فائده اولی در بیان حلیه صورت مبارک آنحضرت صلی الله تعالی علیه
وآله وسلم که لابدی است ازان رائی فی المنام را وآن این است
که بود قد همایون انحضرت صلی الله علیه وسلم میانه بود نه دراز و نه کوتاه و نه بسیار
فربه و نه بسیار لاغر وگوشت بدن مبارک بسته وچست بود نه سست
وباهر بلند قدیکه رفتی ویا نشستی از روی معجزه ازو بلندتر نمودی وسر مبارک
بزرگ بود امانه بسیار وموی دلجویش سیاه بود خم وپیچ دران بسیار
نبود مثل موی حبشیان ونه بسیار نرم فروهشته بود بلکه میانه این صفات
گاهی بنصف گوش وگاهی بر دوش وگاهی مابین این هر دو میرسید
وجبهه منور کشاده وفراخ بود وهر دو جبین منور روشن وهموار وصاف
ابروان مبارک باریک کشیده همچو کمان بوده وباهم پیوسته نبوده و
میان دو ابرو رگی بود که وقت غضب ظاهر شدی وچشمان
مبارکش فراخ وکشاده بود وسیاهی آن بسیار سیاه وسفیدی
آن سخت سفید ودر میان آن رگهای سرخ مینمود ومژگان مبارک
دراز وبسیار بوده ورخساره زیبا هموار ومایل بدرازی بود وبینی
شریف اندکی بلند وبرابر بود ومر آن نوری بود گردش
برآمده که چون کسی تامل نکردی می پنداشت که اشم است
ودهن مبارک کشاده وبغایت ملیح بود ولبهای
مبارک باریک وظاهر دهان الطف وبر لب زیرین
مبارک خالی بود ودندان اطهر فشان سفید وبراق
بودند وتیز وباریک ومیان دندانها کشاده ووقت
تکلم گویا نوری ازان بر میآمد وروی مبارک اندکی

گردو چون ماه شب چهاردهم میبا رخشید و رنگ روی
وی صلی الله تعالی علیه وآله وسلم سخت سفید نبود و نه سخت
گندم گون بلکه سفید واندکی سرخی آمیز بود و رنگ بدن
مبارک هم سفید و نورانی بود و ریش مبارک انبوه
و بار ازی یک مشت و بر و تنها احسن بود و در موهای صدغین
چند موی سفید ظاهر شده بود و مجموعهٔ موی سفید در سر
و ریش قریب به بست بودند و گوشهای مبارک در تمام خوبی طاق
بودند و گردن مبارک در بلندی متوسط و نهایت صفا بود
و میانه دو شانه از یکدیگر دوری بود و سینه بی کینه پهن و شکم نرم
و با سینه باهم یکسان وهموار بود و در میان شکم مبارک شکن بود
و بود شکم مبارک باریک غیر برآمده و تهیگاه غیر فرو نشسته و میانه دو
شانه مبارک مهر نبوت بود مایل بجانب یسار روشن و تابان
مختلف میشد در قدر و لون بحسب اختلاف احوال
و از سینه تا ناف خط باریک از مو کشیده و باقی شکم و سینه
بی مو و بازو و دوش و جانب بالای سینه مویدار و سرهای
استخوان های مفاصل اعضای مبارک بزرگ و سطبر
بازو و بند دست دراز و متوسط و کف دست کشاده
و نرم تر از حریر و هر دو ران پر زینت و زین سطبر اما باعتدال
و سفید رنگ بودند و ساق پایی اندکی باریک
و سفید رنگ بودند و ساق پاسی مبارک
اندکی باریک و سفید رنگ و انگشتان

دست مبارک پر گوشت و دراز و سبابه پا از دیگر انگشتان
پا دراز و پاشنه کم گوشت وکف دست و پای پر گوشت
و زیر پای اندکی برداشته از زمین و پشت پای مبارک هموار
و نرم و استخوان کعبین بلند به بلندی مناسب حاصل
سخن آنکه همه اعضای شریف و پیکر لطیف
او صلی الله تعالی علیه و آله وسلم در نهایت خوبی
زیبا و اعتدال بود و ویرا صلی الله تعالی علیه و آله وسلم احدی
در حسن و جمال شریک و سهیم نبود ۔ الله یعلم شانه +
و هو العلیم بیانه + فارسی ۔ هرچه اسباب جمالست رخ خوب ترا
همه بر وجه کمالست کما لایخفی + وصالی ۔ می نیارم زدن بوصف دم
وصف حسنت نه حد امکان ہست + فائدہ ثانیہ در بیان تعبیر
دیدن پیمبران علیهم الصلوۃ والسلام را در خواب
چون انبیاء علیهم السلام را بشاش و راضی ببیند
دلیل بر خیر و صلاح صاحب رویا باشد و بالعکس
بالعکس بود باید که توبه کند تا از تا از ان شدت
فرج یابد و اگر ببیند پیغمبری را علیه السلام
بکشت نقض عهد کند که فیما نقضهم میثاقهم
وکفرهم بآیات الله وقتلهم الانبیاء بغیر حق
ترجمه پس بشکستن ایشان پیمان خود را
و بجهت کفر ایشان بتوریت یا قرآن و به
سبب کشتن ایشان پیغمبران را ناحق کردیم

بایشان آنچه کردیم از لعن و مسخ و انواع عقوبت
و مجمل این احکام آن است که هر کدام را از
انبیاے علیهم السلام که بیند اگر منبسط
باشد از مواهب او نصیبے یابد و اگر منقبض بود از عتاب
او اثری بوے رسد و قصص اکثر ایشان شهرت
دارد و اگر دید که پیغمبری شد از مشاهیر پیغمبران
تابع او شود و بقدر وسع خود دران کوشد اما با مردم
در جدال افتد بعد از متابعت عاجل بمراتب
اجل رسد و لقد جاءک من نبإ المرسلین ترجمه
و هر آئینه آمد بتو از خبر فرستادگان که امم ایشان
چه آزار با بایشان رسانیده اند و ایشان صبر کرده
آخر غالب شدند و اگر شریف النفسے
بیند که در عهد پیغمبران ست صلاح
صوری و فلاح معنوی یابد و اگر مستحق ولایت باشد
بحسب حال خود بمرتبه رسد و اگر دیده که یکے
از انبیاے علیهم السلام کلمه با وے
گفت بحسب خیر و شر آن نفع یابد
و ضرری بوے عاید شود و چه انبیاے
علیهم السلام را حکم خواب و بیداری
یکے باشد و اما حکم مفصل آنست

نظم
کسے گر حضرت آدم بہ بیند — گل از باغ ولایت شاد چیند

نظم کسی کز حضرت آدم ببیند	گل او باغ ولایت شاد چیند
بشاهی شاد گردد طبع سلطان	قضا گردد بقاضی فرمان
بمصحف آمده حکم شریفه	که آدم بر زمین باشد خلیفه
وازینجا گفته اند [illegible]	هر که آدم بخواب در بیند
دد ولایت بکام بنشیند	وگویند که عالم برتبه علم بود که وعلّم

آدَمَ الاَسْمَاءَ کُلَّهَا ترجمه بیاموخت حق سبحانه تعالے آدم را که خلیفه
عبارت از وبود نامهای مخلوقات همه آن از علویات وسفلیات وحاصل
آنکه هرکس را بر وفق حال خود وطبق فسحت ومجال ر سیته
رونماید واگر دید که آدم علیه السلام اورا چیزی داد بقدر
آن منفعتے یابد واگر اورا ملول بیند از مقام خود متزلزل
شود ونعمت او زوال یابد بعد ازان بوسیله
لطیفه غیبے بفرج رسد که فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ
فَتَابَ عَلَيْهِ ترجمه پس فرو گرفت آدم از پروردگار خویش
سخنے چند که آن بقول اشهر این ست رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا
وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخَاسِرِيْنَ چون
آدم این مناجات کرد پس خدای تعالے قبول کرد وبپذیرفت
توبه او از تفسیر حسینی وگفته اند هر که آدم علیه السلام ببیند
دشمنی باو عذر اندیشه وشاید که باو سوگندی دروغ خورد وبعد ازان نجات
یابد چنانچه در قصه آدم علی نبینا وعلیه السلام در اولین مذکور ست وکیفیت آن میان
خاص وعام مشهور واگر حوا نچه حوا را بیند بهر وبهره ی نعمتی متمتع شود
وفرزندان متعدد باشند. اگر غمگین باشد شادی یابد

چه اول کسیکه آدم علیه السلام در خواب دید حوا را بود
علیها السلام و چون بیدار شد همان وضع پیش او
نشسته بود وَ خلق منها زوجها ترجمه وساخت از همان
ای از آدم جفت او و داد ان بشارت عظیم یافت
حضرت شیث علیه السلام ــه و آنکه شیث بیند اندر خواب
عمر و فرزندان یابد و اسباب و هر که ادریس علیه السلام را
بیند در علم وسع تمام یابد و خاتمت او بخیر باشد و اگر
نوح علیه السلام را بیند عمرش دراز باشد اما از اشرار
ضلالت بسیار کشد و آخر الامر خدا بر ایشان اجر بخشد
و اورا از زنان همسری فرزندان خلف و ناخلف
آیند و در جمیع احوال کافه در شکر گذاری بر وے
همت نهد بقوله تعالے مَن حملنا مع نوح انه کان عبدا
شکورا ترجمه همانان را که بار کردیم با نوح
او بود بنده شکر گذار و اگر هود علیه السلام را
بیند جهان بر وے تسلط نماید و عاقبت فتاح
حقیقی در عافیت بر وے بگشاید چنانچه در قصه نجات
او عزاست و نجینا هم من عذاب غلیظ ترجمه
و نجات دادیم ایشان را از عذاب غلیظ و از اینجا گفته اند
ــه بود. اگر بخواب در بیند بر همه دشمنان
ظفر بیند و اگر صالح علیه السلام را بیند در تعرض
سفها افتاد. آخر الامر از اشتر تا بید

آسمانی گکل ظفر چیند واگر لوط علیه السلام
را در خواب بمعاینه مشاهده آرد حج بیت الله
بگذارد واگر ابراهیم علیه السلام را در خواب بیند
از ظالمی در محنت افتد بعد از ان توفیق حج یابد
واورا امیری لایق کرامت شود وگویند
ریاستی یابد وصاحب قانونی شود واتبعوا
ملة ابراهیم ترجمه اکنون تابع شوید دین ابراهیم
را او از شر دشمنان ایمن گردد وگویند
ولایتی یابد واگر نه از اهل آن باشد توانگر شود
واورا در پیری فرزندان مبارک قدم آیند
وبقدم ایشان نعمت بروی فراخ شود
واگر اسمعیل علیه السلام را در خواب بیند فصاحت
وریاست یابد ومشاهده که بنیاد مسجدی کند
وگویند درجات از جهت پدر استیلای یابد وسفری کند
ومردم از و منافع یابند وممکن که از نسل او ملوک
آیند وابواب خیرات بروی مفتوح شود واگر اسحق را بیند هول
عظیم یابد چنانچه بشرف هلاک رسد وبعد از ان خلاص
یابد ومبشر ومستظهر شود وتواند بود که او را دو پسر
آید یکی مطیع ودیگری عاصی واگر یعقوب علیه السلام را بیند
به نعمتهای دو جهانی محفوظ شود وباولاد
استظهار یابد وبواسطه ایشان محزون شود

وبعد از ان سرور گردد و بهره طاعت و عبادت
بکمال خیریت و سعادت یابد و ممکن که بدل لب
بصحبت مبتلا شود و باز بروشنایی رسد و اگر فرزندی غائب
داشته باشد اورا براد باز بیند و اگر یوسف
علیه السلام را در خواب بیند خویشان با وی غدر
کنند و بعد از ان ظفر یابد و سیئات ایشان
را با حسان مقابله کند قال لا تثریب علیکم الیوم
یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین ترجمه هیچ سرزنش
نیست بر شما امروز هرگز گناه شما بروی نیاورم
بیامرزد خدای تعالی شمارا که اعتراف کردید بگناه
و اوبخشنده ترین بخشندگانست و توفیق صدقه رفیق
او شود که وتصدق علینا ان الله یجزی
المتصدقین ترجمه تصدق کن بر ما بقبول بضاعت
ما یا بزیادت بهای متاع ما بدرستی که خدا پاداش
دهد نکوئی انان را که از تفضل تصدق نمایند
حاصل آنکه در مقدمه ملال یابد که خاتمت
آن بکمال باشد چنانکه گفته اند

دیدن یوسف بود رنج و خطر لیکن آخر باشدش فتح و ظفر

و در حکایت آمده ابن سیرین رحمه الله گفت
که در شبی دیدم که کسی کحل
عیب و جو اسلف صاحب جمال آنجا بود ندی

چون مهابت کهول در من اثر کرد نزدیک جوان
بنشستم و از اسم و نسب ایشان پرسیدم
گفت من یوسفم و ایشان پدران من اند
ابراهیم و اسحق و یعقوب گفتم از علمیکه
خدای تعالی بتو ارزانی فرموده مرا تعلیمی
فرماد هان بگشاد و گفت نظر کن تا چه
می بینی گفت زبان ترا می بینم باز دهان بگشاد
و گفت نگاه کن که تا چه می بینی گفتم دل ترا می
بینم فرمود که تعبیر کن و از هیچ مشکل خائف
مباش چون بیدار شدم بر خواب که بر من
عرض کردند خود را چنان یافتم که تعبیر آن
در دست من ست و حجام بمانی گفت یوسف را
بخواب دیدم گفتم انچه حق تعالی ترا تعلیم فرموده
نصیبی بمن هم ارزانی فرمای فرمود که دهان بگشای
گشادم آب دهان خود در دهانم انداخت و چون
از خواب بیدار شدم سر آمد معبران عصر خود
بودم ابراهیم کرمانی در خواب دید که یوسف
علیه السلام با او سخن گفت و از علم او بهره
خواست گفت برخیز و برو و پیراهن
خود ورد و ستی یوسف نبد چون بیدار شد
در فهم عبارت چنان صاحب عبارت بود که مشهور عالم شد

اگر یونس علیه السلام را بیند در طلب امری دشوار سعی
بسیار کند و ازان در مضیقی مخوف افتد. و بعد ازان خلاص
یابد و سفر نفیس الا در معامله او با قومی حذاتر بسیار
باشد. و اگر شعیب علیه السلام را بیند بمعامله اهل خیانت گرفتار
شود و شاید که در کیال و میزان بود و در معرض تکلیف آید
و بعد ازان بر ایشان ظفر یابد و او را دختران مبارک آیند
و اگر او را از ان بیند ممکن که نابینا شود و اگر موسی و هارون
را بیند جباری بواسطه او هلاک شود و گویند رویت
موسی علیه السلام و رویت ابراهیم علیه السلام و رویت
محمد صلی الله تعالی علیه و آله وسلم یکی باشد و اگر هارون
علیه السلام را بیند امام قوم شود و حاجتش روا گردد و گویند
دیدن موسی دلالت بر نصرت ارباب حق و کسر اصحاب باطل
کند. و اگر در موضع ظالمی استیلا یافته باشد هلاک شود
و اگر یسع علیه السلام را بیند کار بسته او گشاده شود
و اگر ایوب را بیند مبتلا بابتلا یابد و بفوات مال و فوت
اهل و عیال ممتحن شود و بعد ازان صحیح مزاج شود
و مثل آنچه فوت شده باشد باز بوی رسد و وَهَبْنَا لَهُ
اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا ترجمه و بخشیدیم او را یعنی
بوی عطا کردیم کسان او را پیشتر زندان
او را زنده کردیم و مانند ایشان با ایشان تا اولاد
او دو برابر آن شدند که بودند بر اسپی سخت ...

گرفتاری باشد از ما از تفسیر حسینی چنانچه گفته اند شعر

هرکه ایوب بیند اندر خواب   امتحانات یابد از هر باب

وآخر کار او نکو گردد   چرخ گردان بکام او گردد

وانکه داود بیند اندر خواب   سلطنت یابد و ثنا و ثواب

وکیفیت ما کان از مرتبهٔ عالی و درجهٔ متعالی خالی نماند گویند
در خطاسے افتد و از ان ندامت کشد و او را معارضه
ظالم قوی حال پیش آید و از و نجات یابد و گفته اند هرکه داود
علیه السلام را بیند حاکمی عادل یا حکیمی عدل در میان مردم
باشد یا عادلی بدل ظالمی گردد بقوله تعالی فاحکم
بین الناس بالحق ترجمه پس حکم کن میان مردمان بحق
وبقوله عز وجل واکبر وقتل داود جالوت ترجمه وکشت داود
بن ایشا علیه السلام جالوت را بسنگ فلاخن که بر خود زد و
خود را در سرش شکست و مغز او پریشان شد و لشکر او
تار و مار گشت از تفسیر حسینی واگر صاحب رویا مستحق قضا تواند
بود قاضی شود واگر سلیمان علیه السلام را در خواب
بیند هم ازین طور منصبی یابد و از علم ظاهر
و باطن بتخصیص فقه محظوظ گردد بقوله تعالی
ففهمناها سلیمان ترجمه پس تعلیم دادیم
حکومت مر سلیمان را از تفسیر حسینی
دیگر او را بر سریری گرد بیند والی آن موضع
وفات یابد و گویند که او را اسفر اتفاقی افتد

و دوست و دشمن مطیع او شوند و بر اوات رسد
و اگر زکریا علیه السلام را بیند او را در سن کهولت
پسری آید بقوله تعالی وَوَهَبْنَا لَهُ یَحْیٰی ترجمه
و بخشیدیم مر او را یحیی پسرے که زنده شد بدو عالم
و دین از تفسیر حسینی چنانچه نظم گفته اند

در کهولت بود پسر دیدن		زکریا را بخواب در دیدن

و اگر توفیق بود بشرف خاکبوسے برسد بیت
بر میان بند چو دیگر بندگان آنجا کمر ✤ در کنار آرد چو دیگر
چاکران آنجا مراد ✤ و گر یحیی علیه السلام را بیند
در تقوے وحید و دهر و فرید عصر شود لقوله
تعالی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ترجمه نیافریدیم
او را پیش از و همنامے یعنی پیش از یحیی هیچکس نام
فرزند یحیی نکرد از تفسیر حسینی و از ینجهت گفته اند

آیت از هد و غایت تقوے		هست در خواب دیدن یحیی
کار مرده بر و شود زنده		و ربعیسی رسید بیننده

و گویند مبارک دم و میمون قدم باشد و از علم طب نصیب
تمام یابد و اگر در ان سعی کند نیک حاذق شود و شکیها
بر دست او آسان گردد وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي
الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ ترجمه و به میکنم نابینا سے
نا در زاد از علت علاج او و ا کس سازم شخصے را
که بعلت برص مبتلا باشد و زنده میکردم مردگان را

وگفته اند او را و بان سال هیچ مکروه نرسد و اگر مریم را بیند
بعد از تحمل علائی بمرتبه جلال منتهی شود و اگر درین خواب حامله
بیند او را پسری بزرگوار مسیح آثار آید بلی شاید که تهمتی
بروی نهند و برات ساخته رود و ظاهر شود و اگر بیند
که مریم را سجده کرد از پادشاه عزت و حرمت بیند
در حکایت آمده است که یکی از نصاری عیسی علیه السلام را
در خواب دید در طوریکه وصیت میکرد و نصیحت میفرمود
که از ضلالت بگریزید و اضلال دیگران مکنید و با سقف
گفت و تعبیر کرد که صاحب اینخواب از غم خلاص
شود و علی حسب استحقاق بشوکتی اختصاص
یابد و اگر صالح به بیند یمن و برکت تمام بجان و مال او سرایت
کند و هیچ معضل متعرض او نتواند شد و اگر دانیال علیه
الصلوة والسلام را ببیند بر علوم قادر شود و خاصه
در علم تعبیر ماهر گردد و یا از جباری اذیتی یابد و
و بعد ازان برو مستولی شود و انتقام کند و
گفته اند هر که او را ببیند مرتبهٔ امارت یا منصب
وزارت یابد و از ثمر علوم فواید بسیار بوی
آید و در حکایت آمده که ابو عبید الله باهلی
بخواب دید که جسد دانیال علیه الصلوة
والسلام بر دوش داشتی و او را بر سر منبر
دیوار برنهاد و سر زنده گردانیدی

وبادی هم سخن شدی نفر بودی که ترا بشارت باد که
از جملهٔ ورثهٔ انبیاء علیهم السلام خوابے
شد ویکے از ائمهٔ اهل تعبیر با شیے
وچنان شد وشخصی در معبری پیراهن درویشی
پوشید و شب دانیال علیه السلام را در خواب
دید که انگشتی پر عسل در دهانش کرد چون بیدار
شد از علم تعبیر حظ وافر برداشت چنانچه در آن
عهد اعبر بود و اگر حضرت خضر علیه السلام را در خواب ببیند در آن
موضع گرانے واقع شود وبعد از ان ارزانی شائع
گردد و کار دشوار بر وے آسان گردد و
اگر عزیر علیه السلام را در خواب ببیند
در ان موضع همچنان گرانے شود وبعد
از ان ارزانے شائع گردد وامن وجمعیت
شمول یابد و اگر حضرت الیاس علیه
السلام را در خواب ببیند بحسب دراست
وکیاست امامت وریاست یابد و اگر ارمیا علیه السلام
را در خواب بیند آنموضع را از آتش خطر بود باید که
پر حذر باشد و اگر مصطفی صلی الله علیه و
سلم را در خواب بیند بهمان حسن صورت وکمال خلقت
که در سیرت نامهٔ مبارکش مذکور است ومیان علما ومحدثین مشهور
از تمام شدت ها فرج یابد واز مجموع بلا ها محفوظ

ماند و از دوزخ آمن شود بقوله علیه الصلوة والسلام من رانی فلا یدخل النار ترجمه هر کس که دید مرا داخل نخواهد شد در آتش و عوام آنموضع از سیامن این خواب محظوظ شوند که وما ارسلناک الا رحمة للعالمین ترجمه ونفرستادیم ما ترا ای محمد صلی الله علیه وسلم مگر بخشایشی مر عالمیان را از تفسیر حسینی و اگر بر خلاف این بیند دلالت بر ضعف آ م کند و بر آنکه بدعت را در آنموضع غلبه باشد خصوص که او را بجایهٔ نامناسب دیده باشد و اگر او را چنان بیند که در نقاهت بود چنانکه بیمار در خیر باشد دلیل بر توبهٔ اهل آن موضع شود و محققان گویند دیدن او صالح را بشارت باشد و طالح را نذارت که انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا ترجمه بدرستی ما فرستادیم ترا گواه بر تصدیق و تکذیب امت و مژده دهنده برحمت و بیم کننده از عقوبت ما و این اصح اقوال و اوضح وجوه ست و توان بود و تتبع او دلیل اهتدا باشد و اتبعوه لعلکم تهتدون ترجمه پیروی کنید شما او را شاید که هدایت یابید و اگر دید که در حالتی که پیغمبر با خود سوار بود سواره بر در حجرهٔ مبارکش بود و اگر پیاده او را دید پیاده رود و اگر دید که پیغمبر در خرابه

بر سبیل تبعیت

بانگ نماز میگفت آن موضع آبادان شود که اذن فی
الناس بالحج الایه ترجمه وندا در ده ای ابراهیم علیه السلام درمیان
مردمان و بخوان ایشان را بحج خانه خدای تعالی از تفسیر حسینی
چه مکه خراب بود و بقعه وحرم مبارکش مردم دران جمع شدند و
عمارت کردند واگر دید پیغمبر او را چیزی میداد بقدر آن چیزی بوی رسد
که عبدالله بن الاعلی شیبانی که یکی از افاضل شعرا بود در خواب
دید که پیغمبر او را قلمی دادی و فرمودی که بدان کتابت کن که امام خلق
شوی چون بیدار شد اتفاقاً به تعلیم علم مشغول شد و اقدام
ائمه تعبیر و اعلم علمای تفسیر گشت و یکی از اهل ثقه
چنان دید که پیغمبر او را عصای داد چون بیدار شد بر همیران
عهد خود غالب آمد واگر دید رو بروی او چیزی میخوردگا
باید که زکاة دهد واگر دید که فرزند پیغمبران است دلالت بر
تقوی او کند کل تقی آلی ترجمه یعنی هر پرهیزگار آل
من است واگر دید که عضوی از اعضای پیغمبران بود
بود مبتدع باشد و گوید آثار مبارک او همین اثر باشد
والعهد علی الراوی بنابرین باید که بتوبه مشغول شود
واگر دید که از عنایت محبت حضرت پیغمبر سیبی
میخورد مرد غازی شهید شود واگر دید که با خشکار را
خشنودی میدهد خون اهل بیت او نعوذ بالله خوضی
کنند واگر بیند که پیغمبر وفات
یافته بود یکی از سادات یا دیگری

از بشایر اکابر اسلام وفات یابد واگر دید که با پیغمبری
در جنگ بود بواسطهٔ بدعت مصیبتی عظیم دران خسو صنع را
واقع شود چنانچه واقع او بدان تازه گردد واگر
دید که در تشییع جنازهٔ پیغمبر بود تا او را دفن کردند
در بدعت باز ماند واگر دید که روضهٔ مقدسهٔ او را زیارت
میکرد چیزی تمام بوی رسد و در حکایت آمده
که علی ابن عیسی گفت چون از وزارت مقتدر ممنوع
شدم در خواب دیدم که بر دراز گوشی سوار بودم
و پیغمبر علیه السلام را دیدم رعایت ادب داشته
فرود آمدم فرمود که ارجع الی مکانک و چون بیدار شدم
دیگر باره وزیر شدم و منقول است از امیر المومنین
حسین رضی الله تعالی عنه که از خواب بیدار شد
وقتی میفرمود وام کلثوم صاحب فاروق رضی
الله عنهما از موجب آن پرسید فرمود
که جد خود را در خواب دیدم که میفرمود
التبرعون السیر لنا یا نسرع بکم
الی الجنة ترجمه ای شتابی میکنید در
رفتن وحال آنکه مرگ با شتابی میکنند تسما
بسوی جنت گفتم ای پدر ما بعد از دیدن حاجت
بمراجعت دنیا نیست فرمود ابدلک من الرجوع
الی الدنیا وهی ساعة لم یکذب فیها ترجمه خود راست

برائے تو از رجوع بطرف دنیا وان ساعتی است
کہ نیست درو کے دروغ گاہے و بعد از انکہ نماز پیشین
او ادا فرمود شہید شد و این دلیل می شود کہ اصح
رویاے رویاے قیلولہ است و ثابت است کہ ابو
حنیفہ در سن طفولیت در قبر پیغمبر رفتی و استخوان مبارک
او را جمع کردے و بیرون آوردے با ابن
سیرین گفت او تعبیر گفت کہ علم پیغمبر صلی
اللہ علیہ وسلم رائج کنی و احیای سنت او کنی
چنین شد کہ فقہا اتفاق کردند کہ کل الناس فی الفقہ عیال
ابی حنیفہ رضی اللہ عنہ یعنی ہمہ مردم در علم دین عیال ابی
حنیفہ اند ام الفضل با پیغمبر گفت چنان دیدم کہ پارہ گوشت
از اندام مبارک تو بریدہ شدی و در کنار من افتادی فرمود
خیرا رائیت انت تلد فاطمۃ انشا اللہ غلاما فیوضع فی حجرک
ترجمہ نیک خواب دیدہ تو خواہد زائید انشا اللہ فرزندی پس
نہادہ خواہد شد در کنار تو و حسین رضی اللہ عنہ بوجود آمد و در
کنار او پرورش یافت و زنی بخواب دید کہ پارہ گوشت
از اندام مبارک در خانہ وی بودے آنحضرت صلی اللہ علیہ
وسلم عرض داشت فرمود کہ فاطمہ را پسری
آید و تو مرضعۂ او شوی حسین آوردو آن زن او را شیرداد
و شخصے کہ در صحت اعتقاد او ترددے
بنود بخواب دید کہ پای بر روی مبارک پیغمبر خدا نہاد از ان بیدار شد

قلق و اضطرارے داشت عظیم و قصہ
با ابن سیرین باز راند و از وے سوال
فرمود کہ شب با موزہ خفتہ بودے گفت
بلی گفت کہ بیرون کن چون بیرون
کرد در زیر پاے او در سرے مسکوک
بود بدین لفظ کہ محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابیات

وانکہ بیند صحابہ را بخواب
رشد او را فزاید از اصحاب
گر بخواب آیدش مثل صدیق
صدق و بینش بود علی التحقیق
در عمر را بہ بیند اندر خواب
حکم او عدل باشد از ہمہ باب
وانکہ بیند بخواب در عثمان
انس گیرد بطاعت و قرآن
ور بخواب اندرون علی بیند
با سخا علم و بردلی بیند
دیگران از مہاجر و انصار
ہست تعبیر خواب شان کردار
وانکہ بیند یکی ز آل نبے
اثری یابد از کمال سبے
خاصہ دو سبط نام بردارش
کہ دو نور آیند ز انوارش
زین عباد را اگر بیند
با عبادت بگوشہ بنشیند
ور ببیند محمد باقر
بر ہمہ دشمنان شود ظاہر
وانکہ بیند بخواب در جعفر
بہمہ دانشی شود رہبر
موسی کاظم از رہ تاویل
بر کمال توکلیست دلیل
وانکہ بیند مثل علی رضا
راضی آید با قتضای قضا
از نقی [illegible] [illegible]
کہ نقی [illegible] شد دلیل بر تقوی

حسن عسکری بیان کرده است ‌‌ لیک مهدی نشان لطف خداست
وانکه بیند یکی ز چار امام ‌‌ آگهی یابد از حلال و حرام
مذهبش مذهب گزین باشد ‌‌ در خور مدح و آفرین باشد
وز مشایخ هر آنکه می بیند ‌‌ سیرت او بطوع بگزیند
حکما گر بوند اسلامی ‌‌ هست دیدارشان نکونامی

وهر چه از طوائف کامله استماع نماید بعینه یا مثل آن
مشاهده فرماید چه در حکایت است که نابینائی
یکی از اولیا را در خواب دید فرمود که میخواهی که ترا
دعای تعلیم کنم که اگر بخوانی بینا شوی گفت
بلی فرمود که بگو یا اسمع السامعین یا ابصر
الناظرین و یا خیر الراحمین و یا ارحم الراحمین
اشفنی وارحم الی عیالی ترجمه ای شنوا
ترین شنوندگان ای بینا ترین بینندگان
ای بهترین روزی دهندگان ای
مهربان ترین مهربانان شفا بخش
مرا و رحم کن بسوی عیال
من فقط چون از بیدار شد بدان مواظبت
نمود و بقدرت باری تعالی بینا
شد و مثال این حکایت بسیار طول
طویل است اما این مختصر زیاده ازین تحمل
نکند از تعبیرنامه نوشته شد فقط از کامل التعبیر است

ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ مراتب پیغمبران
علیہم السلام بر سہ گونہ است اول اولوالعزم دوم
مرسل اند سوم انبیا و پیغمبران اولی العزم شش اند اول آدم
دوم نوح سوم ابراہیم چہارم موسی پنجم عیسی ششم محمد
الرسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و مرسل آنہا اند کہ جبرئیل
علیہ السلام بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیزدہ
اند و انبیا آن پیمبران اند کہ جبرئیل بایشان بیامدہ ہر کہ
اولی العزم را بخواب بیند دلیل کہ عز و جلالت یابد و اگر
مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد و اگر اہل آن موضع
در غم و اندوہ و سختی و ملامت باشند ایشان را بشارت
بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بیند کہ پیمبرا
از جای نقل میکروند و بر اہل آن موضع دعای بد می کردند
دلیل کہ خدا اے تعالے بلائے عظیم بر آن موضع فرستد
مگر توبہ کنند و بخدا اے تعالی باز گردند کرمانی رحمۃ
اللہ علیہ گوید ہر بندۂ مومن کہ پیغامبرے را در جائے
خود تازہ روے و شادمان بیند دلیل عز و جاہ
و نصرت باشد و اگر از چیزے خشمگین بود دلیل بدحالی
و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزے
شنود دلیل کہ از علم آن پیغامبران بہرہ یابد
و شادمان شود و اگر بیند کہ پیغمبرے را بکشت
دلیل است بدین کہ خیانت کردہ باشد

بقوله تعالی فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم بآیات الله وقتلهم الانبیاء بغیر
حق جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید که اگر آدم علیه السلام
را در خواب بیند بزرگی و ولایت یابد بقوله تعالی وعصی
آدم ربه فغوی ثم اجتبیه ربه فتاب علیه وهدی و خلاف کرد
آدم علیه السلام امر پروردگار را در خوردن درخت پس
بی بهره ماند از مطلوب خود که عمر جاودانی بود پس برگزید
وی را خدای او وقبول کرد توبه او را و ره نمود او را به
ثبات توبه و اگر در خواب دید که آدم علیه السلام با وی سخن
گفت دلیل که علم آموزد وعلم آدم الاسماء کلها و اگر بیند
که آدم علیه السلام دست او بگرفت بزرگی و مملکت یابد
و اگر بخواب بیند که آدم را اطاعت نبرد دلیل که عاصی
و بدبخت شود حوا علیها السلام را اگر بخواب بیند
دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی
و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد نوح
علیه الصلوة والسلام را اگر در خواب بیند
عمرش دراز گردد و لیکن از دشمن
رنج و سختی بیند و عاقبت بمراد رسد
ادریس علیه الصلوة والسلام را اگر
در خواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت
محمود گردد هود علیه السلام را اگر بخواب بیند دشمنان بر وی
افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد لوط علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش بصلاح باز آید

و مراد دل یابد اگر صالح علیه السلام را در خواب بیند
از جائی بجائے تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود
ابراهیم علیه السلام را اگر بیند حج اسلام بگذارد و بعضی
از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز
گویند که بدخوئی کند با مادر و پدر اسمعیل علیه السلام را اگر در
خواب بیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالی و بشرناه باسحق
نبیا من الصالحین ترجمه و بشارت دادیم او را باسحاق که پیمبر باشد
از نیکوکاران یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بیند از قبل فرزندان
غم و اندوه خورد و عاقبت فرح یابد یوسف علیه السلام
را اگر بخواب بیند خویشان بروے بهتان نهند و عاقبت بزرگی یابد
شعیب علیه السلام را اگر بیند خصم بروی غلبه کند و بعد ازان بروی
ظفر یابد موسی علیه السلام را اگر در خواب بیند مبتلا گردد
باهل و عیال و بعد ازان حالش نیکو شود و بر دشمن
ظفر یابد بقوله عز و جل و وهبنا له من رحمتنا اخاه هارون
نبیا ترجمه و بخشیدیم مر او را از رحمت خود برادرش هارون
پیمبر و بعض معبران گویند که موسی علیه السلام بخواب دیدن دلیل
است که بادشاه در آند یا هلاک شود داؤد علیه السلام را اگر
در خواب بیند حق تعالی بزرگی و بادشاهی و نعمت و مال
و جاهش زیاده کند زکریا علیه السلام را اگر در
خواب بیند حق تعالے او را توفیق دهد در طاعت یحیی
علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد در خیر

خضر علیه السلام را اگر در خواب بیند سفری دراز کند یا ایمنی
در رزق و عمر دراز یونس علیه السلام را اگر در خواب بیند حق
تعالی از غمها نجاتش دهد و بفرج رساند و از
تاریکی بروشنائی باز آرد ایوب علیه السلام را
اگر در خواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات
یابد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را بخواب بیند نظم

کسی گر نبی را ببیند بخواب — فرح یابد از جملگی رنج و تاب
اگر وام دارد گزارد خدا — همه حاجت او بر آرد خدا
دگر هست در بند زندان اسیر — رهاند ز فضلش خدای قدیر
اگر ترسناکست مامون شود — ز دردش جدا جور گردون شود
دگر قحط و تنگی است در روزگار — فراخی و ارزانی آید بکار
چنین بعض گویند کارباب دل — بگردند درویش شوریده حال
چنین بو هریره نموده بیان — چنین کرده سرها ز اعیان
که گفته محمد علیه السلام — که بیند مرا هر که اندر منام
همانا که آنکس مرا حق بدید — که شیطان بشکلم نیاید پدید
مرا هر که بیند بخواب نهان — نه بروی رسد درد و رنج جهان
عجب نیست تاویل پیدا من — بود فرخی اندران انجمن
کسی گر بناسازی و اضطراب — ببیند نبی را ترش رو بخواب
شود سستی دین ازو آشکار — فتد شور بدعت در آن مرز و بار
شبی گر ببیند کسی در منام — که جائی اذان داد خیر الانام
اگر در خرابی بود آشکار — شود جمله آباد و عشرت نشان

کسی را بخوابی گر آید نظر | که چیزی همی خورد خیر البشر
بباید ورا اینکه صدقه دهد | زکوة تنگه باید دهد وا رهد
ور آنجا ببیند نبی را بخواب | که نبود در آنجا ز رنج اضطراب
بار باب آنجای نعمت فراخ | بگردد چو اثمار در سبز شاخ
خصوصا گه او را بمسجد کسی | ببیند فزاید سعادت بسی
گر از میوه‌ای ترش یا که خشک | که خلقش ببیرد در آنرا اشتاب
عطا کرد بیننده خواب را | ز جان برد هر چیز بیتاب را
بدین پارسائیش کامل شود | از آن زینت و جاه حاصل شود
چو بیند رسول دل افروز را | بخواب شب آن نیر روز را
بدینسان که بیمار و غمناک هست | همانا که دینش ضعیف است و پست
چنین گفت کرمانی درین مقام | که باد ابر رحمت حق مدام
بخواب ار کسی ذات خیر البشر | ببیند بشهری که جائی دگر
در آن موضع و اندر آن شهر و کاخ | شود تا ز نعمت بردم فراخ
رفاهیت در آن موضع آید پدید | بدشمن دهد فتح رب مجید
دگر بیندش هست اندام کم | ز اندام آن بادشاه امم
بمردم آنجا دلیلست چیست | که باشند در دین اسلام سست
که نقصان اندام خیر البشر | در اسلام نقصان بود سر بسر
چنین ابن سیرین بگوید سخن | که رحمت برد باد از ذوالمنن
چو ناقص نبی را ببیند بخواب | ببیننده نقصان دهد هیچ و تاب
که بیند محبوب حق را بخواب | عبادت سرشتان عرفان مآب
بنیکان رساند بشارت چو عید | از آن چیزها نیک خواهد رسید

نماید به بدر راه ترس آشکار
که گردد ز قهر خدا رستگار

بود ذات محبوب رب قدیر
بکفار و مومن نذیر و بشیر

کسی خشمگینش به بیند اگر
بود خواب بد بهر رویانگر

فقیه جهان عابد حق پرست
که عبد الله ابن عباس هست

بدینگونه گوید که بیند اگر
برویا جنازه ز خیر البشر

در آن شهر باشد آسیبی و درد و رنج
شود پر فغان این سرای سپنج

و اگر دید اندر پس پشتش
همی رفت با کربت فرقتش

دلیل است از بدعت و هم هوا
بود مرغ نفسش وی هوا

زیارت شود پش کسی گر بخواب
ز مال و ولایت شود کامیاب

و اگر دیدش افسوس بر لب رود
همانا که بیننده کافر شود

همان جعفر صادق ذو الاکرام
همایون منش آن امام همام

بگفتا که از دید پیغمبران
بخواب است ده گنج شاهی نهان

یکم رحمت است و دویم نعمت است
بزرگی سویم چارمی عزت است

بود پنجمین دولت دلنواز
ششم شد تلذذ عیش و عشرت طراز

سعادت بود هفتمین بیگمان
به هشتم چو جمعیت آمد عیان

نهم جان فزا قوت و دسترس
دهم خیر سرور جهانست و بس

بآن سرورم شهر بیدار معز
که بیند درو روی بحسن خواب نغز

بگفت ابن سیرین رحمت مآب
که صدیق را هر که بیند بخواب

ز رشادیست پیدا علامت بود
کرم ناز و دیهم کرامت بود

چنین گفت کرمانی پاکزاد
که ز دیدنش بفزود بس خوشتن باد و شاد

که صدیق سلطان تحقیق را
که با داغ صدیق فنای خدا

بخواب اندرون هرکه بیند چنین | که زنده است در شهر آن شاه دین
دلالت کند اینچنین آشکار | در آن شهرها از مردم آن دیار
شود صدقه بسیار و بذل و زکوت | فزاید نکو حسن صوم و صلوت
ولی چون ببیند صدیق را | کشاده رخ و طبع عشرت فزا
ترش رو بخوابش ببیند چو کس | شود خواب را عکس تعبیر و بس
عمر را چو بیند کسی در منام | که رضوان حق باد بر وی مدام
بانصاف و عدلش شود زنده خلق | شود تشنگان را ازو تازه حلق
بشهری ببیندش از شادمان | شود عدل و انصاف پیدا از آن
چو عثمان عفان و سجاده را | که بر وی ز حق باد رضوان گرا
ببیند بخواب ار کسی اهل دین | شود از جمالش سعادت قرین
دلالت کند آنکه زهد یا نگر | بزهد و بتقوی شود ره سپر
بشهرش ببیند اگر در طرب | بخوانند قرآن و علم و ادب
علی را ببیند چو خندان و شاد | که مسعود از وی رضامند باد
شجاعت کرامت شود حاصلش | شود نور عرفان فروغ دلش
بود چون بهاران خوش و در چمن | بود شمع سان سر در انجمن
بشهری اگر بیندش جلوه گر | بانصاف آن شهر گردد سمر
ولی گاه که خلق را در میان | خصومت شود جلوه گر بی گمان
بگفت ابن سیرین فرخنده کام | ببارد برو رحمت حق مدام
کسی را اگر از سخت و [illegible] | صحابه در آیینه اندر نظر
بدین در زمانه یگانه شود | باسلام عنصر و زمانه شود
شود صادق القول و اهل دیانت | شود ورد و دیانت امین گزین

که آمد حدیث رسول کریم | که فرمود با لطف و خلق عظیم
که یاران من انجم روشن اند | شود در اقتدا هر کسی شان راه بند
بباید به بیند دران ره مستقیم | رسد پیش یار و دبی درد و بیم
چو حسنین را بینی اندر منام | فرح یابی و خیر و راحت تمام
دلی خرم از سعادت شود | اگر انجام کارش شهادت بود
همان جعفر گرم سیر فلک | که طیار آمد بخیل ملک
بخوابش کسی گر ببیند بهات | شود گرم حج و غزا بیگمان
انس ابن مالک آید بخواب | بافعال سنت شود کامیاب
چو سلمان فارس بخواب آیدت | ز حق علم دین و کتاب آیدت
چو عبدالله ابن عباس هست | دگر ابن مسعود دیدار هست
چو آیند ایشان بخواب قرین | شوی مجتهد در امورات دین
بلال حبش را چو بینی بخواب | بمعروفی خود شوی کامیاب
ثواب همه اهل بانگ اذان | بیابی ز درگاه حق بیگمان
روی بر ره سنت و اجتماع | شود در ترقی دین ارتفاع

فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در خواب دلیل خیر و منفعت دنیا و آخرت است و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد در خواب ببیند دلیل که بر کارهای خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما وارثان مصطفی اند صلی الله علیه و آله و سلم و رهنمایان مسلمانان و اگر بیند که در شهری یا در محلتی گروه علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشند

بر جاهلان بگفتار و کردار و امر و نهی منکر فائده
دیگر گفته اند در دیدن شکل انبیاء علیهم السلام
در خواب هر که پیغمبر را در خواب ببیند از
همه غمها ایمن گردد و بمقصود خود برسد انشاء الله
تعالی و نیز گفته اند هر که دیدار پیغمبران در خواب
بیند زاهد گردد

نظم از تعبیر نامه

پیمبر را اگر بینی بناگاه — میان خواب خوش ای یار دلخواه
ز هر رنج و الم آزاد باشی — بجوران ارم دلشاد باشی
شوی زاهد یقین دان ای خردمند — ز مکروهات عالم بگسلی بند
دگر تعبیر دان از علم معلوم — جناب مصطفی را گرد مرقوم
چو بیند مصطفی را در نکو حال — جمالش در لباس نیک تمثال
خلاص از رنج یابد زود رنجور — شود هم تنگدستی از گدا دور
بود نعمت فراخ آنسرزمین را — بدان تعبیر تو خواب چنین را
وگر دل تنگ و رنجور است در خواب — جناب مصطفی با رنج و با تاب
یقین دان کاندران شهر و ولایت — شود دین محمد بی حمایت
معبر این چنین تعبیر گوید — که بر راه شریعت کس نپوید
ولی فی الجمله دیدار محمد — دلیل رحمت و هم راحت آمد
وگر بینی دل و جان پیمبر — علی و فاطمه شبیر و شبر
بود تعبیر آن نزدیک دانا — مثال خواب پیغمبر همانا
بزرگان و دگر اصحاب در خواب — دلیل اند آن ز خیر و برکت اسباب
بخواب از انبیاء و اولیا را — ببینی هست تعبیر آشکارا

اگر در حالت سکو نمایند — لب گل و با جمال نیک آیند

ترا باشد دلیل نیک فی الحال — شرف یابی و جاه و عز و اقبال

وگر بینی که ایشان خشمناک اند — وگر در حالت بد در هلاک اند

خلاف اولش تعبیر سید ان — بنوع دیگر این تقریر سیدان

هر نحی کان بنی و آن ولی بود — بحال زندگی او را رسد رنود

ولی آخر شود حالش نکوتر — بجنگ از دشمنان گردد مظفر

صوفیان صافی کیش صفا کوش را مژده تازه و مشتاقان همه تن
شوق و اشتیاق را بشارت بی اندازه باد که نسیم عنبر شمیم
سحری چون صرصر از مهب رحمت الهی بهبوب مرغوب رسیده
تا پرده از عارض رشک آفتاب دوست برکشید و باد صبای
فضل نامتناهی باهتزاز در آمده تا کاف غنچه از روی گل بر داشته
چشم و جان عندلیبان مشتاقان و بلبلان سراپا
اشتیاق را ممنون منت نمایان و نواسنج شکر بی پایان فرماید
یعنی رساله مشرق دولت بیدار در باب ساقی شربت دیدار
من کل الوجوه مرتب گشته و بنام نامی آقاسی نامدار زیب
اگر سکندر آئینه خورشید رویان عالم را طرح آراستگی انداخته
ذات بابرکات بندگان حضور را مرأت عروس ممالک قدسیه
مهیا و موجود ساخته اگر در آئینه سکندری جمال رخسار خوبان روی
نماید درین مرأت پر جلا و صیقل پر صفا تجلی حسن محبوب
مرغوب مقلب القلوب و الابصار بر چشم اولی الانظار
بصد الطاف و عطا کشف غطا میفرماید اگر کسی در خانه شعر نعت

آن صورت این معنی آن مجاز این حقیقت ست جام جهان بین
بیجنسروی رابیش این ساغر محمدی چه مقدار و آن سائر تراب را
باین قدح مستجاب مستطاب معرفت چه فروغ انوار **نظم**

نسخهٔ اعمال تماشای دوست — کاین دو جهان قیمت یکحرف اوست
پیش ز آئینهٔ اسکندری ست — پیش سلیمان نگر انگشتری ست
جام جهان بین ز نقاشش یکی — شمس و قمر از ورقش اندکی
هر گل از گلشن حسن و قبول — نقش بود از پی حب رسول
هر عملی را که کنی زین کتاب — از رخ دلدار کشد نقاب
دلبر دلدار همایون رخی — دلکش و مهوش برخی فرخی
مهر دو شمس مهر از آن ذره — ماه ز جاه ز نقش قطره
بسم الله الرحمن الرحیم — ابروی عهد و رسول کریم
سورهٔ الحمد که گنج خداست — نعمت دیدار رخش انزاست
قامت و زلف و دهن پر شمیم — باعث تنزیل الف لام میم
خواسته هر دلی و هر فقیه — مصحف رحمت همه لاریب فیه
ای که وجود تو بود بحر انس — هست عروس عدن ملک قدس
حق چو ترا راه بخلوت گشاد — چشم ترا سرمهٔ مازاغ داد
پرده گشا جلوهٔ رحمت بیانه — اهل گنه را به نگاهی نواز
زانکه توئی فضل خدا بر جهان — بر همه عباد و همه عاصیان
داد به عباد چو سروی تو داد — اهل گنه را نگهی از چه نشاد رماد
ای مدنی نیّر و مکی قمر — رحمت معبود نجیبش بشر
بهر خدا جلوهٔ رخسار کن — دور زما این شب ادبار کن

روز و شبم از رخ خود برفروز ... چهره شود تا شب بختم چو روز

اینکه رقم برزده کلکم کتاب ... گر تو بود مشرق صد آفتاب

یاد بطغرای قبولت قرین ... تا که بود رشک بهشت برین

چشم گشا و دل من شاد کن ... بر سر این نسخهٔ من صاد کن

چشم تو گر صاد نماید برین ... مردم چشم ست بعرش برین

بحر عطای تو برآرد خروش ... یمن سعادت همه آید بجوش

بس که شود یمن و سعادت فزا ... نسخهٔ فرخنده شود چون هما

بعد ازان فرخ و فیروزمند ... باد بران نیر اوج بلند

کامده این نامه ازو نامور ... شکر عطایش بدهانم شکر

منعم فرخ ملک ملک جاه ... حامی دین مصدر لطف اله

خیل مسلمان ز درش کامیاب ... بر فلک عشق نبی آفتاب

خلق رسولش بدل و هم کرم ... نافهٔ مشک ست به بیت الحرم

واسطهٔ لطف خدا بر جهان ... نائب رحمت به علوم و بیان

حضرت نواب جهان بحر جود ... جود بدارد ز وجودش وجود

نام محمد بودش هم علی ... هر دو یکی گشت بنام ولی

خان که بما نام ورا زیور ست ... گوهر او را ز ازل جوهر ست

هست یمین دوله عالی جناب ... در همه ارباب کرم انتخاب

گر به نظر صولت جنگش کند ... شیر فلک طرح فرار افگند

بار خدایا بپی ذات نبی ... بهر کمالات و صفات نبی

تا که شد عز قبولش بده ... یمن سعادت بجلوسش بده

یمن فزا ساز فراوان بده ... خاتم انگشت سلیمان بده

در صفت او [illegible] سازد | [illegible] شاه [illegible] دولت طراز

مطلع انوار [illegible] کریم | [illegible] رحیم

[illegible] کشش | [illegible] کشش

ختم [illegible] با جلال [illegible] | [illegible] علیه و سلم آمد

[illegible]

[illegible] | [illegible]

هر فغان تا نشینش تیغ روشن آمده
عاشق رویت بود گشته دستان آفتاب

صبح صادق آمده مشتاق بالا گوی تو
فیض روی تو بهار بوستان آفتاب

گر نگردی اقتباس نور از رویت مدام
زود تر آخر شدی از دودمان آفتاب

از کمال خوبیت ای قبله و کعبه بجاست
گر کند طوف زمینت آسمان آفتاب

از وفور فیض عکس روی خوبت بوده اند
ذره های خاک کویت ناسخان آفتاب

بادشاها گر کمک شب تاب باشد وقت شب
گر کند روز سیاهم امتحان آفتاب

جز رخ تو ای جلالت شعله نور خدا
روز سازد گر شب [illegible] آفتاب

اندر بخت روشن نگردد همره چشم شبی
روز من تاریک باشد در زمان آفتاب

آتش آهم مکن در فرقت خود شعله زن
بر نخیزد دود تا از دودمان آفتاب

سبزه دیگر بر تو عارض بغیر قم افگنی
ذره بی بود نبود کار عیان آفتاب

دل به پهلوی علی ای احمد عالیجناب
با درخشش از رخ خوبت لبسان آفتاب

باد بر تو از علی هر وقت تسلیم و درود
تا زمان ماهتاب و تا زمان آفتاب

ودیگر

عاصیان یکی سید هستند دست دامان شما
ای نشان رحمة للعالمین شان شما

معجز عیسی ست فیض لعل خندان شما
آب حیوان قطره چاه زنخدان شما

از جمال لست روشن جمله این عالم که هست
نور ماه و مهر فیض روی تابان شما

عرش اعظم کرسی کم پایه از بزم حضور
یک نمونه باغ خلد از صحن ایوان شما

یوسف خالق حسدی بر خند می ماند از آن
چون زلیخا لطف حق دست و گریبان شما

این نهال خشک امید دلم سرسبز کن
ابر رحمت هستی و فیض ست باران شما

لب بجنبان برآید جان غلام یا رسول
موج نطق عیسوی زد آب حیوان شما

آتش علم را خلیل کرد نمرود فلک
میتوانست گلشنی لیکن بفرمان شما

چیست درمان جز نگاهی [illegible] ای همه دل جان و دو عالم جمله قربان شما
از کمال حسن و خوبی لن ترانی میزند در نظر ما سایه سرو خرامان شما
در نظر هم رانمی آرد بچشم شان خویش میزند آنکس که هر شب جام عرفان شما
بر علی ای احمد مرسل نگاه رحمتی کان سیه رو نیز هست از دردمندان شما

قسم اول در آیات قرآنی وسورهای فرقانی که مفتاح در گنج سعادت رویت رسول کریم علیه التحیة والتسلیم ست هرکس که خواند سوره کوثر را هزار بار و خفت بعد خواندن آن باوضو خواهد دید رسول الله صلی الله تعالی علیه واله وسلم را از مایة الفوائد ونیز از مجربات است ایضا اگر شوق لقای رسول علیه التحیة والتسلیم دارد باید که اول دو رکعت نماز نفل بخواند بعد از فاتحه آیت الکرسی سه بار و اِنَّآ اَعْطَیْنٰکَ الْکَوْثَر یازده بار بخواند وبعد از سلام اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِکَتَهٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا هفتاد بار بخواند بعده الصلوة والسلام علیک یا سیدی یا رسول الله اول و آخر درود دوازده بار بخواند- از کتاب مجموعهٔ وظائف نوشته شد دیگر بسم الله الرحمن الرحیم خواند و بجای الحمد نام محمد گوید و تمام الحمد شریف بخواند بدین طریق محمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین محمد رسول الله یعنی بجای آمین هم محمد رسول الله

صلی الله علیه وسلم گویا یه هزار مرتبه بخواند تاکید کند که زیاده نشود بعد چهل و یک روز
انشاء الله تعالی محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
را آشکارا بیند اما نشسته بخواند از مصالح الطالبین نوشته شد
دیگر از همین کتاب مستطاب اگر کسی خواهد حضرت رسالت مآب
صلی الله تعالی علیه وآله وسلم را در خواب بیند باید که در شب
اول جمعه ماه رمضان المبارک غسل کند و جامه پاک بپوشد
وبعد از نماز خفتن دوازده رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد
از سوره فاتحه سوره مزمل یکبار بخواند پس ازان هزار بار درود شریف
بخواند وبخواب رود در خواب بیند آنچه که مطلوب اوست
دیگر از همین کتاب هر که سوره کوثر در شب جمعه هزار بار بخواند و
بوضو در خواب رود بشرطیکه طعام حلال خورده باشد نبی علیه السلام
را در خواب بیند دیگر هر که خواند در نصف شب جمعه سوره القریش
هزار مرتبه پس بخفت باوضو خواهد دید رسول صلی الله علیه وآله وسلم
را در خواب خویش و حاصل خواهد شد کل مقصود او
از مجموعه دعای مغنی و دعای سیفی نوشته شد
دیگر شیخ احمد بن ابی بکر بن محمد رداد صوفی محدث
در کتاب خود از شیخ مجد الدین فیروزآبادی
باسانید یکه او راست روایت میکند و می آرد
کراقلیشی گفته است که روزی شبلی بر ابوبکر مجاهد
آمد ابوبکر بجهت اکرام او برپای ایستاد و با وی
معانقه کرد و میان هر دو چشم او بوسه

(حاشیه: ... در خواب ... بیند ... جمعه ... شب ...)

بوسه بداد من گفتم یا سیدی این را شبلی میکنی و
حال آنکه تو هر که و بعد او است میگوید که وی
مجنون است گفت من نکردم مگر آنچه از پیغمبر صلی الله
علیه و آله وسلم دیدم یعنی در خواب می بینم که شبلی پیش او
صلی الله علیه و آله وسلم با آمدن او بایستاد و او را در کنار گرفت
و میان هر دو چشم او بوسه داد پس به گفتم که یا رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم این را شبلی میکنی فرمود نعم وی بعد
از هر نماز این آیت میخواند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ
عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ الآية فَإِنْ
تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و عقب آن این صلوة بر من میفرستد اللهم
صلی علی محمد و علی آل محمد ملاء السموات و الارض و ملاء العرش
العظیم - از کتاب وسیلة النجات دیگر هر که خواهد حضرت
رسالت مآب صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بیند سوره
انا انزلناه بست و یکبار بخواند - از کتاب اسرار رضی
دیگر از ابن عباس رضی الله عنه آورده که هر که خواند قل
هو الله احد در شبی هزار بار خواهد دید رسول خدا صلی الله
علیه و آله وسلم را در خواب خوش بستر - از اسرار رضی - ایضاً از
حضرت عباس رضی الله عنه منقول است هر که خواهد جمال
جهان آرائی صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بیند پنجاه
و پنج آیت قرآن شریف بخواند آغاز از سوره فاتحه

کند و اتمام بر سوره مزمل نماید یعنی اول سوره فاتحه
که هفت آیت است بخواند بعد ازان بیست و هشت آیت
دیگر از قرآن شریف هر چه خواهد بخواند بعد ازان سوره
مزمل را که بیست آیة است که جمله پنجاه و پنج آیة شدند در
شب جمعه پنجبار بخواند و با وضو خسپد بمهد ران شب
سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب ببیند - از اسرار خفی
ایضاً اگر صد نوبت آیة الکرسی را در شب جمعه بخواند
و اول و آخر درود شریف منضم گرداند بجمال باکمال سید
عالم صلی الله علیه و آله وسلم مشرف شود - از اسرار خفی
ایضاً هر که سوره سبح اسم ربک الاعلی را در پنجشنبه و بر دو آدینه
به روز شنبه پنجاه کرت بخواند حضرت رسالتماب
صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب ببیند - از اسرار خفی
ایضاً در شب شنبه غسل کند و هفتاد بار سوره البلد لا اقسم
بهذا البلد تا آخر بخواند بجمال جهان آرائی محمدی صلی الله علیه
و آله وسلم در خواب سرفراز و مشرف گردد - از نسخه مذکور
ایضاً هر که سوره اذا جاء نصر الله را در شب ده بار بخواند
مدام شیرین شود و حضرت رسالتماب صلی الله علیه و آله وسلم را
در خواب ببیند - از اسرار خفی ایضاً هر گاه اراده کنی این که
ببینی نبی صلی الله علیه و آله وسلم را بخوان در روی بسوی آسمان
بسیار و درود گویان در خواب برو بیشک بشرف رویت
محمدی صلی الله علیه و آله وسلم مشرف گردد بعضی کابر نظر نیامده

در هر شب در درود کرده اند و مدام خوانده بخواب
میرفتند و بعد از قرات سخن نه نمودند و عمل بعض مشایخ است
که سورة الکوثر را نزدیک طلوع آفتاب هر روز ده نوبت
برائی دیدن جمال محمدی میخوانند و بدولت دید آنحضرت
صلی الله تعالی علیه و آله وسلم مشرف شده اند و لهذا
از حضرت شیخ شیخ ما قدس سره منقول است که اگر کسی
خواهد هر شب جناب تعالی صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب
بیند باید که ترک لقمهٔ حرام کرده و لحم و سیر و پیاز ترک نماید
و صدق مقال و صدق حلال لازم گیرد و سورة الکوثر را
آخر هزار بار میخوانده باشد البته در آن شب بخواب
بیند - از سر خفی - عمل الحمد بدین طریق بخواند اول یازده بار
درود بخواند و بعد از آن بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
رب العلمین بعد خواندن وصل دو بار تیسیر وصل تکرار کند
یعنی الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک
نستعین را بعد قرائت سه بار تکرار کند اهدنا الصراط
المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم
ولا الضالین آمین اللهم صل علی محمد و علی آل محمد
وبارک وسلم یکبار بی وصل تکرار کند دو بار این عمل
نماید البته بجمال محمدی صلی الله علیه و آله وسلم سرفرازی
یابد - از سر خفی - ایضاً اگر خواهد که جمال با کمال حضرت محمدی صلی الله
تعالی علیه و آله وسلم را در خواب بیند باید که یک هفته از وجه

حلال بمقدار صدقه دهد و هر شب غسل کند و جامه پاک بپوشد
و روزه دارد و افطار از قوت حلال کند و هر روز بعد فریضه
این ده سوره بخواند و ثواب این بروح پرفتوح سید عالم صلی الله علیه
و آله وسلم برساند سوره طه سوره یسین سوره دخان
سوره فتح سوره والنجم سوره صف سوره جمعه سوره ملک
سوره مزمل و لم یکن الذین کفروا و هر شب دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت بعد فاتحه سوره والضحی
سه بار و سوره الم نشرح هفت بار بخواند بعده در خانه
خالی یا در مسجد صد بار این صلوة بگوید اللهم صل
علی محمد بعدد من صلی علیه وصل علی محمد بعدد من لم یصل علیه وصل علی
محمد کما امرتنا بالصلوة علیه وصل علی محمد کما ینبغی الصلوة
علیه وصل علی محمد کما تحب و ترضی ان یصلی علیه همچنان
بر مصلی نشسته باشد که جمال با کمال آن حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم در واقعه بیند و هر چه عرض باشد
عرض دارد و بخطاب مستطاب مشرف شود و باشارت
بشارت آمیز مشرف گردد و نعمت ابدی و دولت سرمد
رسد باید که بتقوی و صلاح سعی نماید - از اسرار ختمی - دیگر
هر که سوره اذا جاء نصر الله تا آخر هر شب ده بار یا بی عدد
خواند بخواب رود بیشک سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم را
در خواب بیند - از سر ختمی - دیگر هر که در شب جمعه این آیه را
یکهزار و یک نوبت بخواند امید است که سید عالم صلی الله علیه

و آله وسلم را بهر دان عقب بخواب جد بسم الله الرحمن الرحیم

وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُوْلِکَ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ

وَعَلٰی اٰلِهٖ وَبَارِکْ وَسَلِّمْ ۔ از اسرار خفی ۔

قسم دیگر اعمال رویت شریف که بموجب

ارشاد فیض بنیاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم
وارد از فرمودهٔ صحابه رضی الله عنهم که با اکثر طالب
وارد الهام شده اند وارد ادرود شریف که بصدر
همین معنی بیتش وصورت دلکش است از مرقعات
شاه کلیم الله صاحب از ثوبان مولی النبی صلی الله علیه
وآله وسلم منقول است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
هر که این کلمات وقت خفتن گوید مرا در خواب بیند اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَیْتِ
الْحَرَامِ وَالرُّکْنِ وَالْمَقَامِ اَقْرِءْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ مِنِّی السَّلَامَ دیگر در شب جمعه
بخواند دو رکعت و در هر دو رکعت آیة الکرسی یکبار و سورهٔ اخلاص
یازده بار بخواند و بعد از سلام با حضور قلب هزار بار
بخواند صلی الله علی النبی الامی آنحضرت صلی الله علیه وآله
وآله وسلم را در خواب بیند و مغفور شود و عذاب
قبر مرفوع گردد و سختی روز قیامت تخفیف رسد و سکرات
موت آسان شود و دعای او مستجاب شود و جنت یابد
از اسرار خفی ۔ دیگر میگویند که بهیاب صحابی بود شهید نام
نیافته بود و مشتاق آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم

بود و چاره آن نداشت اذا این دعا یاد نمودند تا مطلب فایز گردید - اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْتَ الْمَطَرَ مِنَ السَّمَاءِ لِيُحْيِيَ بِهَا الْاَرْضَ وَيَسْقِيَ بِهَا الْعِبَادَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْتَدَّ شَكْوٰى اِلٰى مُحَمَّدٍ وَطَالَ حُزْنِيْ اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْنِيْ وَمُنَّ عَلَيَّ بِنَظَرِ وَجْهِهٖ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ترجمه در فارسی

یا الله نازل میکنی باران را از آسمان تا که زنده شود بآن زمین و سیراب میگردانی بدان بندگان خود را از خلق خویش یا الله بتحقیق شدت کرد شوق من طرف محمد صلی الله علیه وآله وسلم وطول شد غم و اندوه من یا الله پس رحم کن بر من و احسان کن بر من از نظر کردن بر روئی او صلی الله علیه وآله وسلم - فقط وتفصیل این اجمال آنکه در معارج النبوت از انس بن مالک رضی الله تعالی عنه می آرد که در زمان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم مردی بود از علما یهود و احبار ایشان جلیت نام و پسری داشت مسمّٰی به ابهاب مراین فرزند را حسن صورت و کمال سیرت جمع بود و هم بخلق پسران خویش تفوق داشت روزی در خانه پدر خویش در آمد و درجی دید از زر سرخ مهری از مشک بر وی نهاده تا کسی بدانچه در وی است مطلع نگردد پسر غضبناک از آن جا بیرون آمد چون پدر او را خشمگین دید کیفیت احوال سوال کرد و گفت ای پدر

درجی دیدم مقفل و مدتیست که با وجود دعوی محبت
وکمال شفقت بنسبت با من مرا آنچه در دوست واقف
نکردی و از من پوشیده داشتی پدر گفت ای فرزند
بسوگند خدای که در ان درج نه جواهر است قیمتی که
آنرا از تو دریغ دارم ولیکن ورقی چند است دروی
نام اعرابی کذابی مثبت ساخته چون ترا مجالست
علما و تفهیم کلمات حکما میسر گردد بر مطالع آن تمکین
حال آید برین معنی آن هنگام واقف گردی سبب اختفار
آن از تو همین بوده است و روزی جلیب به شرب
خمر مشغول بود مهاب فرصت غنیمت دانست چراغی
در دست کرده در خانه پدر در آمد و مرا ازان درج پیدا آ
او چون سر آن درج بگشاد نوری ازان ساطع شد
که بر نور چراغ فایق تر آمد بعد ازان دید در وی ورقی
سفید در وی کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله نوشته
و بعد ازان اوصاف حضرت محمدی صلی الله علیه وسلم
در ذیل آن ثبت ساخته که این محمد کشاده روی و پیوسته
ابرو و کثیف اللحیه باشد خوشا حال آنکس که زمان اورا
دریابد و کلام او را استماع بنماید و حال آنکه
کلام وی قرآن است و دین او اسلام و بندگان را
بخدا می خواند و از ملامت کنندگان نه ترسد چون نظر
مهاب بران کتاب افتاد محبت محمدی صلی الله علیه وسلم

در صمیم او شکن گشت و آن ورق بر سر و دیده مالیده و بو
بروی سید او و میگفت وا محمداه ای کاش بدانم که در آسمان
یا فرشتگان یا مدد بکار یا بنیان ناله و زاری و اظهار سوگواری چندان
نمود که از هوش خود رفت بعد از فرصتی مادر در آمد و فرزند را
مدهوش دیده او را بر گرفته پیش پدر رسانید چون پدر پسر را
بدان حال دید و کیفیت مستی در وی متاثر گشته رو دست
در روی وی مالیدن گرفت و بوسه بر جبین وی میداد
و میگریست و بر غشیان فرزند اظهار تحسر و تحزن می نمود
تا بعد از آنکه فرزند بهوش آمد پدر را بر بالین خویش محزون
و غمگین دید زبان بنفرین وی بر گشاد و گفت هرگز روشنی چشم
نه بینی و در ریسمان خویش برحمت الهی جل و علا مشرف نگردی چه
باشد که مرا تعلیم کفر میکنی به محمد علیه السلام و از متابعت شریعت او
متنفر مینمائی چون پدر این سخن از پسر شنید غضب بر وی استیلا یافت
بازداو بضرب فرزند پرداخت و موی سر وی گرفته سرش بر زمین زد
و خاک بر جبین وی می افشاند چون ایذای و اضرار او بدرجه اعلی رسید
حی بن اخطب و کعب بن اشرف و ابولبابه از برای شفاعت نجات
فرزند جلیب در آمدند و چون مبالغه او در ایذای فرزند دیدند
او را بخرافت نسبت نمودند هر چند از آن کار منع
کردند او در تعذیب فرزند حریص تر می شد آنجماعت
از گناه فرزند سوال کردند گفت گناه او مستوجب
قتل او هست و تا او را انگشت دست از وی باز ننموده ام

بعد از آن گفت که وی به محمد ایمان آورده و دین آبا
و اجداد خویش را مهجور گردانید ایشان زبان نصیحت
فرزند بکشادند و گفتند ای فرزند همه دین و ملت
از ما تعلیم میگیرند و خلایق باسرهم اقتدا بما می نمایند
روا باشد که ترک متابعت ما نموده دینی مجهول
اختیار کنی و طریقه مرضیه ما را بگذاری ابن صهاب گفت
که من از طریقه معوجه و شریعت منسوخه انحراف
نموده دین قویم و طریقه مستقیم محمدی صلی الله علیه
و آله وسلم اختیار کرده ام و بجان حضرت ایمان آورده چندانکه
ایشان نصایح شیطانیه با او اقبال نمودند او در قبول آن
آن آبا می آورد تا مشایخ یهود برین معنی اتفاق نمودند
که چون نشود تمامی وی نیاز و نعم منقطع سازیم
و در مصایب و حوادث روزگار گرم و سرد جهان
ندیده است او حبس کرده به نصیحت اثری جار نمی پذیرد و تدبیر
این مهم چنان مینماید که او را از مراد و مقصود
تمام باز داری بفنون ریاضت و صنوف مجاهدات نفس
تا از محمد و دین او عبرا نموده و سر خود بر استقامت نهاد
آبا و اجداد
گفت که طریق
ریاضت و سبیل تعذیب وی بر چه منوال خواهد بود گفتند لباس فاخر
از بیرون کن و پلاسی در وی بپوشان و او را در خانه
محبوس گردان و در خانه را بگل

هر سه روز یک نان جوین داده و کوزهٔ آب
شور با هر روز نان باد که فهرست تا قدر تنعمات
و تکلیفات دانسته ضرورتاً بر عسر بان قیام نماید و آنچه
بکروه است بکلی از دست برد ارد جلیب برای آن
ناشایسته را صواب و مستحسن دانسته آن فقیر مظلوم را
در زاویه خانه مظلمی مقید گردانید تا آنچه آن یهود حسود
خوردن تعیین نموده بودند وظیفه او را مقرر ساخته آن
بیچاره که بآن نان و آب خوبی نداشت با وجود مجاعت از نخ رد
و آشامیدن آن عاجز آمده سنگ بست روزی پدر وی
او را گریان دیده از وی پرسید اگر از دین محمد
ملول گشته بدین قدیم خویش مائل گشته تنبیه کن گفت
ای پدر گمان مبر که این گریه من از نان
خشک و آب طعام است بلکه از اشتیاق دیدار محمد
است علیه الصلوة والسلام پدر باز نعم سوگند
گردانید که ترا باین گونه عذاب معذب میدارم
تا از دین محمد انحراف نموده بدین یهودی الضمیر ا
شو ... جواب گفت هیهات هیهات فکر در سنح
نسبت محمد فی قلبی فلا استطیع ان اخرجه بدرستی
مهر و محبت محمدی صلی الله علیه و آله وسلم بمرتبه در ضمیر من راسخ نگشته که
از ان تبرا توان نمود بیت محبت تو چنان رفته است
در رگ و پوست که روز مرگ هم از استخوان نخواهد رفت

القصه چون اشتداد ریاضت و مجاعتش بنهایت رسید حضرت مقدس
نبوی را رسول الله صلی الله علیه تعالی وآله وسلم شفیع ساخت
واز واهب العطایات جل ذکره سه چیز مسالت
نموده این دعای بر زبان راند اللهم بحقک علی محمد
وبحق محمد علیک طیب لی فی طعامی واعذب لی شرابی
واضئ لی فی ظلمتی ترجمه ای خدای سزای پرستش
بحق محمد که طعام مرا خوش وآب مرا شیرین وظلمت
مرا نورانی گردان حق سبحانه وتعالی مسالت اورا
مبذول داشته هرچه خواسته بود مقرون باجابت
گشته تا گویند که چندین سال برین وتیره بگذشت
تا آن حضرت از مکه بمدینه هجرت فرمود واین خبر
درمیان یهود منتشر گشت جلیب ببعضی از رعاة
وغلامان خود را طلبید وتعلیق بعتق آن نمود که
اگر آنچه شما را فرمائیم بتقدیم رسانید از [illegible]
من آزاد باشید تلقی تلقین بقول او نموده گفتند
هرچه فرمائی بالراس والعین بجان بدان قیام نمائیم
گفت که این اهیهاب که فرزند منست اما ما ازوی
بیزاریم میخواهیم که اورا با خود بصحرا بیرون برید وبکار
که ازان دشوارتر نیست باو فرمائید وبعد ازان غلی بر گردن
وی نهاده وزنجیر در پای وی داورا بغلامان سپرده
تا اورا شبانی فرمایند تمامت روز گوسفندان میچرانید

شب تا بروز پاسبانی میکرد و او را لکاری باری وشد ازین
تکلیف نمی نمودند نقلست که شبی بود مظلم
وابر تیره بر زبر یکدیگر متراکم باران متقاطر و واقع
متواتر نار اشتیاق جمال محمدی در کانون سینه آن فرزند
مشتعل گشته دارزوی دیدار آنحضرت در ضمیر منیر او مشتعل
آمد روی نیاز بجانب قدس الهی آورد عرض اشتیاق
بملاقات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم
کرد واین نیاز مند معروض داشت اللهم انت قد انزلت المطر
من السماء لتحی به الارض وتسقی به العباد من خلقک اللهم
انه قد اشتد شوقی الی محمد وطال حزنی اللهم فارحمنی ومن
علی من النظر علی وجهه صلی الله علیه وآله وسلم یعنی ای خداوند
تو میفرستی باران از آسمان تا زمین را بآن
زنده گردانی وبندگان خود را آب دهی ای بار خدا بدرستی
که شوق بدیدار محمد صلی الله علیه وآله وسلم
استداد یافت واندوه من دراز گشت پس ای خدا
با من رحم کن ومنت بر جان من نهاده وبدیده
من مشاهده دیدار آن حضرت مشرف
گردان آورده اند که چون این دعا بر زبان راند
آن غل از گردن وی بیفتاد وزنجیر از پای وی
بگسست وبا بشارت مشاهده جمال آن عزیز روی بصوب
مدینه منوره نهاد و هشتاد فرسنگ روان شد

گویند از آن مقام تا بمدینه هشتاد فرسنگ بود و حق تعالی زمین را
زیر پای وی در نوردید تا صباح که اعلام زرفشان و رایات
نور افشان خورشید جمشید درین سراپرده لاجوردی
فام بر بام چهار اشام اجرام برافراشت شهاب بر در
حجره عمار بن واثله انصاری رسید سر بزانوی تفکر نشسته
و می اندیشید که این کجا است و این سر منزل چه جای است
عمار چون از خانه بیرون آمد جوانی دید دل شکسته
و سر بزانوی محزون نشسته از وی استفسار احوال نموده
گفت ای پدر بیت سر غمیست که پیدا نمیتوانم کرد حکایتی مشکل
شنید نمیتوانم کرد + عمار گفت ای جوان ترا سوگند میدهم بدیدار
محمد که مرا از حال خود خبردار گردانی تا بان مقدار که توانم در تفریح خاطرت
بکوشم و آنچه آشکارا گردانی است از تو نپوشم چون جوان
نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشنید زار زار بگریست گفت
ای عم بتو دیدار محمد را بدین چشم دیده عمار گفت آری
گفت بحق محمد که نزدیک من آی چون عمار پیش آمد سر بر خاک
و روی بر دیده عمار مالیدن گرفت و بوسه بر چشم او میزد
و میگفت که جان من فدای دیده که بدیدار محمد مشرف گشته
و سر پائی که در راه محمد قدمی برگرفته بیت
جان فدای تو که هم جانی و هم جانانی + سر برای تو و گرنه من و ...
سر سری از سر کوی تو نخواهم برخاست + کار دشوار نگیرند ...
خانه را طاقت پروانه پریشانی نیست + نازکان را نبود طاقت عریانی

چون عمار از آن فرزند ارجمند از خلوص عقیدهٔ مشاهده کرد دست
شفقت از آستین رحمت برون آورده در گردن سرافرازش
در آورده و او را بنوازشهای مشفقانه بنواخت و گفت
ای فرزند اگرچه سنت صغیر است اما عقلت کبیر است
تمنای آن داری که بملاقات آنحضرت مشرف گردی
گفت ؎ چه خوش باشد که بعد از انتظاری + باُمیدی رسد
امیدواری - عمار دست آن یار بگرفت و او را بصحبت حضرت سید ابرار
صلی الله علیه وآله وسلم رسانید چون نظر حباب بر جمال باکمال
محمدی افتاد ندانست که بکدام زبان شکرگذاری نعمت وصال
گوید و بچه عبارت حمد حضرت ذوالجلال بتقدیم رساند ؎

خواهم آن لحظه که مشتاق بیاری برسد — آرزومند نگاری به نگاری برسد
قیمت گل نشناسد مگر آن مرغ اسیر — که خزان دیده بود و بس بهاری برسد
عزت وصل نداند مگر آن سوخته — که پس از دوری بسیار بیاری برسد

چون طالب بمطلوب رسید و عاشق جمال معشوق بدید فی الحال
جبرئیل امین از نزد حضرت رب العالمین جل وعلا در رسید
گفت یا محمد رب العزت یقرئک السلام و هو یقول احبب
حباباً قد یحبک و لم تر فی امتک مثله و هو کایوب
فی الانبیاء صلوة الله و سلامه علیه اجمعین ای محمد رب العزة
ترا سلام میرساند و میفرماید حباب را دوست دار
بدرستی که او ترا دوست میدارد و در میان امت خود چون
او عاشق دیگر نمی یابی که در طریق عشق و محبت تو ملامت د

غواست بسیار کشیده و در بلا و محنت بطریق ایوب
صبر ورزیده و اهل اشارت در کلمهٔ احب هیهات یا ست فانه
یحبک میگویند که دلیل است بران که محبت عاشق سبب
مر محبت معشوق را بلکه محبت محب علامت محبت محبوبست
که تا از ان جانب محبت تحقق نپذیرفته ازین جانب ظهور ننموده چنانچه
حضرت مولوی قدس سره در مثنوی فرموده است مثنوی

هیچ عاشق خود نباشد وصل جو — گر نه معشوقش بود جویای او
لیک عشق عاشقان تن زه کند — عشق معشوقان خوش و فربه کند
چون درین دل برق مهر دوست جست — اندران دل دوستی میدان که هست
در دل تو مهر حق چون شد دوتو — هست حق را بیگمانی مهر تو
هیچ بانگ کف زدن ناید بدر — از یکی دستی تو بی دستی دگر
تشنه می نالد که ای آب گوار — آب هم نالد که کو آن آبخوار
جذب آبست این عطش در جان ما — ما ازان او و او هم ازان ما
حکمت حق در قضا و در قدر — کرده ما را عاشقان یکدگر
عاشقی گر این سر و گر زان سرست — عاقبت ما را بدان شه رهبرست
ملت عاشق ز ملتها جداست — عشق اصطرلاب اسرار خداست
هرچه گویم عشق را شرح و بیان — چون بعشق آیم خجل باشم ازان
آفتاب آمد دلیل آفتاب — گر دلیلت بایدت ازوی رخ متاب

دیگر اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم اللهم صل
علی محمد ما عندک من العدد فی کل لحظة و لمحة
من الازل الی الابد و آله و سلم

بشب جمعه در مکان مصفی خوشبو مالیده بخور سوخته
و مکان و مصلا و جامه و پارچه معطر کرده برجوع
دل یا لطف صد بار بخوانند انشاء الله تعالی بزیارت سرور
کائنات علیه التحیة والتسلیمات مشرف شود لیکن
احتیاط جلالی و جمالی نماید درود جلالی است از کاشف الاسرار
جلالی چون گوشت و ماهی و بیضه و عسل و مشک و پوشیدن
صوف و پوشیدن کفش و موزه و شانه [illegible] و جماع
و جمالی چون روغن و شیر و جغرات و جبن و [illegible] انها
و سرکه و نمک [illegible] و خرما و عنبر و [illegible] و قبله و مکروهات
چون مساس کردن سیر و پیاز و گندنا و انگوزه و غیره
و محرمات احمدی چون آراستگی ریش و حلق سر و کشتن
جانور و جامه [illegible] و جفته پوشیدن اگر شرطی از این شروط
مفوت شود در اجابت تاخیر افتد فقط دیگر از شیخ الدهر
طریقه صلوة عید [illegible] آن از حضرت عمر و
علی رضی الله تعالی عنهما می آرند بجهت رویت پیغمبر
صلی الله تعالی علیه و آله وسلم در خواب صلوة
[illegible] چهار رکعت بگذارد [illegible] و احد الله روز
باشد بعد سلام [illegible] شب باشد در هر
رکعت [illegible] انا انزلناه [illegible] بخوانند سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

یازده بار و سه مرتبه و در رکوع بعد تسبیح هفتاد و ده

مرتبه و در قومه ۳۰ مرتبه و در سجده بعد از تسبیح پنج بار

کلمهٔ مذکور گوید و در جلسه چیزی نیست و در سجدهٔ

دوم همچنین بعد از تسبیح هفتاد و پنج مرتبه کلمهٔ مذکور گوید

همین طور چار رکعت ادا کند چون فارغ از نماز شود سخن

نگوید تا سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه ده مرتبه

بخواند بعده تسبیح مذکور بشی و سه بار بگوید و یکبار

گوید حسبی الله محمد صلی الله علیه و سلم عنا ما هو

اهله دیگر در قول بدیع میگوید مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود هر که خواهد مرا در خواب بیند پس این درود بعدد طاق

بگوید و در عدد طاق بهتر آنست که یکهزار و یکبار یا سیصد و سی

و یکبار یا یکصد و یک بار بخواند اللهم صل علی محمد کما

امرتنا ان نصلی علیه اللهم صل علی محمد کما هو اهله

اللهم صل علی محمد کما تحب و ترضی له اللهم

صل علی روح محمد فی الارواح اللهم

صل علی جسد محمد فی الاجساد اللهم صل

علی قبر محمد فی القبور پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

را در خواب بیند ایضاً گفت شیخ الدین سعید

محمد صفوان که ... ...

حضرت سید الرسل صلی الله و ...

علیه و آله و ازواجه و سلم ... ...

یعنی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّیَ عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا هُوَ اَهْلُهٗ وَاَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ
مُحَمَّدٍ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی لَهٗ هفتاد مرتبه بخواند ویا یکصد
مرتبه ویا هفتصد مرتبه در شب جمعه وگفته شده که در شب
دوشنبه بسعادت رویت شریف مستعد شود الضیاً
دیگر از کتاب وظایف خاصه باید که وقت خواندن لا
باادب وباخلاص متوجه شده خوانند اول این درود
شریف یکصد بار خوانند اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰی سَیِّدِنَا
مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّیَّاتِهٖ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ
وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِیْنَ اَفْضَلَ الصَّلٰوةِ وَالتَّسْلِیْمِ وبارک
وانعم علیهم وتصور کنند که یک تخت است
بمساحت چهار ذرعه ومربع است ویکذرعه
پا ر بالا بلند است وآن تخت از فضه است همکسان
که داخل درود اند بر ان تخت جلوس فرما اند
ولباس همه ها زرین است چون درود یکصد بار
ختم شود هر دو دست خود چسپانند وباهم کرده
یعنی کفهای وانگشت های هر دو دست
باهم مطابق سازند ونر انگشت ها را
بالا دارند ونر انگشت هر دست بر
دست دیگر باشد واین دعا را یکبار خوانند

بایعت رسول الله علی ان لا اشرک بالله شیئا و لا
اسرق ولا ازنی ولا اسئل ولا اقتل ولا افتری ببهتان افتریته
بین یدی ورجلی و لا اعصی فی معروف ومنکر
بایعت رسول الله علی خمس شهادة اشهد
ان لا اله الا الله وحده لاشریک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة
وایتاء الزکوة و صوم رمضان و حج البیت
ان استطاع الیه سبیلا و دست بیعت
شدن صرف درخواندن این دعا است
نه وقت خواندن این دعا باز درود مسطور
یک صد بار خوانند فقط وسلم در انجا بر مصلی
بر پهلوی راست بخسپد زیارت حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم میسر شود اجبارت از
مولوی احسان الله رحمة الله علیه التصنیف
از کتاب وظایف ـ از برای رویت
آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم در رویت
کعبة الله اگر کسی خواهم که بیابد باید
که اول دو رکعت نماز نفل بخواند بعد از
صلوة العشاء بعد دو رکعت بعد از فاتحه
آیة الکرسی سه بار و انا اعطینا کا لکوثر یازده
بار بعد از سلام هفتاد بار این آیت شریف بخواند

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ
عَلَى النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا بعده
اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِيْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ و اول آخر
درود ده ده دوگان بار بخواند دیگر اگر کسے خواہد کہ
جمال با کمال محمد مصطفےٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را
در خواب بیند از شب جمعہ تا شب دیگر غسل کند وجامہ
پاک بپوشد و معطر کند و ہر شب ہزار بار گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى رُوْحِ مُحَمَّدٍ فِى الْاَرْوَاحِ وَصَلِّ عَلٰى جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِى الْاَجْسَادِ وَ
وَصَلِّ عَلٰى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِى الْقُبُوْرِ وَصَلِّ عَلٰى تُرْبَتِ مُحَمَّدٍ فِى التُّرَابِ
وَصَلِّ عَلٰى جَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ وَعَلٰى اَصْحَابِهٖ اَجْمَعِيْنَ
دیگر اگر کسے خواہد کہ از دیدار فائض الانوار جناب سید الابرار
مشرف شود باید کہ حسب فرمان واجب الاذعان رسول اللہ
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم برین نمط عمل نماید انشاء اللہ تعالیٰ مراد
قلبی فائز خواہد شد باید کہ در شب جمعہ دو رکعت بخواند
در ہر رکعت بعد سورہ فاتحہ وآیۃ الکرسی سورہ اخلاص
بست وپنجبار بخواند پس ہرگاہ فارغ شود از نماز نشستہ
ماند بر ان طریق وبگوید سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ
الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوْحِ ہفتاد مرتبہ باز بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّيْ
سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهٖ ہفتاد بار
پس بگوید صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاَصْحَابِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ الف مرۃ

هزار بار پس هر که کرد اینچنین پس خواهد دید
آن دولت بیدار را در خواب از این جمعه تا شب
جمعه دیگر ان شاء الله تعالی از کتاب اوراد وغرایم
و تکسیر وغیره دیگر نماز نرگس چهار رکعت است امیر المومنین
عمر رضی الله عنه گفت که چون آرزو دیدار خیر البشر می شود
در حال این نماز را بجا می آرم حضرت رسالت پناه را بخواب
می بینم و امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه گفت که
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدم که یا رسول الله
چون از دیدار شریف شما محروم بمانم بچه چیز آسایم و دلاسای
با بچه چیز شود فرمود چون آرزوی من کنید این نماز را
در حال ادا کنید تا مرا بخواب بینید در هر رکعت بعد از فاتحه
انا انزلناه ده بار و کلمه تمجید تا اکبر یازده بار در رکوع تمام تمجید ده
بار و از تسمیع و تحمید در قومه تمجید سه بار و در هر سجده سبحان
ربی الاعلی و پنج بار تمجید تا اکبر و دیگر رکعات علی هذا القیاس
و بعد از سلام ده کرة سوره فاتحه و ده بار سوره انا انزلناه و سی
و سه بار کلمه تمجید تا اکبر بعده این درود گوید صلی الله علی محمد
نبی الامی خیرة الله محمد آدم عنا ما هو اهله برحمتک یا ارحم
الراحمین - از کتاب ترغیب الصلوة دیگر از همین کتاب
باسناد مهتر حضرت خضر و الیاس علیهما السلام بخدمت رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم که شخصی عرض کرد که پدر من پیر و نابینا
بسیار ضعیف است و دوست دارد که ترا ببیند لیکن قدرت آمدن ندارد

فرمود پدر خود را بگو که در هفته یعنی در هفته هفت روز این عمل را میکرده باشد که بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم تا هفته ورد این دارد مارا بخواب بیند - از سر خفی فی رؤیة النبی صلی الله علیه و آله و سلم روی عن النبی صلی الله علیه و سلم انه قال من اراد ان یرانی فی المنام فلینم علی طهارة مستقبل القبلة واضعاً راسه علی یده الیمنی قائلاً اللهم انی اسئلک بجلال وجهک الکریم ان تریني وجه نبیک محمد صلی الله علیه و سلم فی المنام رؤیة تقر بها عینی وتفرج بها کربتی یعنی روایت کرده شد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اینکه گفت که هر که اراده کرد این که مرا در خواب بیند پس خواید مستقبل قبله دران حال که سر خود بر دست راست نهاده باشد و این دعا را بخواند تا آنکه در خواب رود دیگر فرمود نبی صلی الله علیه و آله و سلم هر که خواهد که مرا در خواب بیند باید که وضو کند و غسل کند و مستقبل قبله خواب کند و سر خویش بر دست راست خویش بنهد و این دعا بخواند اللهم انی اسئلک بجلال وجهک الکریم ان تریني وجه نبیک محمد صلی الله علیه و سلم فی منامی هذا رؤیة تقر بها عینی وتفرج بها کربتی وتشرح بها صدری وتلقی بها شملی وتجمع بها بینی وبین نبیک صلی الله علیه و سلم یوم القیامة فی درجات العلی ولا تفرق بینی وبینه برحمتک یا ارحم الراحمین

قسم سویم در اوراد درود شریف که باستعمال آن رویت
آن ذات مقدس ولطیف می شود از مرقعات شاه کلیم الله
در شب جمعه بخواند دو رکعت در هر رکعت آیة الکرسی یکبار
وسوره اخلاص یازده بار بخواند وبعد از سلام باحضور قلب
هزار بار بخواند صَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ آنحضرت صلی الله
علیه واله وسلم را در خواب ببیند ومغفور شود وعذاب مرفوع گردد وسختی
روز قیامت تخفیف رسد وسکرات موت آسان گردد ودعا او مستجاب
شود وجنت یابد از مرقعات شاه کلیم الله اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
مَا عِنْدَکَ مِنَ الْعَدَدِ فِیْ کُلِّ لَحْظَةٍ وَلَمْحَةٍ مِنَ الْاَزَلِ اِلَی الْاَبَدِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
شب جمعه در مکان مصفا خوشبو مالیده [illegible] ومکان ومصلا وجامه ویا جبه
معطر کرده وبرجوع دل پانصد بار بخواند انشا رسد بدیدار سرور کائنات
علیه التحیة والتسلیمات مشرف شود لیکن احتیاط جمالی وجلالی بباید چراکه
درود شریف جلالی است فافهم - از فتوح الاوراد دیگر پیغمبر صاحب صلی الله علیه واله وسلم
فرموده هر که خواهد مرا در خواب ببیند پس این درود بعدد طاق
بگوید بعدد طاق بهتر است که یکهزار ویکبار یا سه وشصت
ویکبار یا یکصد ویکبار بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُصَلِّیَ عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا هُوَ اَهْلُهٗ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی لَهٗ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی رُوْحِ
مُحَمَّدٍ فِی الْاَرْوَاحِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَجْسَادِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُوْرِ پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را
در خواب ببیند - از فتوح الاوراد نوشته شد

از کتاب وظایف نوشته شد از برائی رویت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ورویت کعبة الله اگر کسی خواهد که این شرف حاصل نماید باید که اول دو رکعت نماز نفل بخواند بعد از صلوة العشاء وهرچه خواهد یابد باید که بهر دو رکعت بعد از فاتحه آیة الکرسی سه بار وانا اعطینا کالکوثر یازده بار بعد از سلام هفتاد بار این آیه شریف بخواند اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وملائکته یصلون علی النبی یاایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما بعده الصلوة والسلام علیک یا سیدی یارسول الله اول وآخر درود شریف ده بار بخواند انشاءالله تعالی مراد خود خواهد رسید - از کتاب وظایف وغیره — وعن ابن عباس رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم کان یقول من یصلی لیلة الجمعة رکعتین یقرأ فی کل رکعة فاتحه الکتاب مرة وقل هو الله احد خمس وعشرین مرة ثم یسلم ثم یقول الف مرة صلی الله علی محمد النبی الامی فانه ترانی فی منامی والا یتم الجمعة العاملة یرانی فی المنام ومن رانی غفر الله تعالی له الذنوب کلها واز ابن عباس رضی الله عنه منقول است که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هرکه خواند در شب جمعه دو رکعت نماز و خواند در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله احد تا آخر سبت وپنج بار

بعد سلام نماز بگوید ہزار مرتبہ صلی اللہ علی محمد ن
النبی الامی پس بتحقیق آں خواہد دید مرا در خواب و ہر کس
کہ دید مرا خواہد بخشید خدا ہمہ معصیتہای او را ابن شمس
النہار۔ از ہمین کتاب دیگر اگر کسے خواہد کہ جمال باکمال
سید عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را در خواب مشاہدہ فرماید
از شب جمعہ تا شب جمعہ دیگر غسل کند و جامہ پاک بپوشد
وعطر کند و ہر شب ہزار بار گوید اللہم صل علی روح محمد
فی الارواح وصل علی جسد محمد فی الاجساد وصل علی قبر
محمد فی القبور وصل علی تربت محمد فی التراب
وصل علی جمیع الانبیاء والمرسلین واصحابہ اجمعین۔ از کتاب
دیگر اللہم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی
ابراہیم وعلی آل ابراہیم انک حمید مجید اللہم بارک
علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراہیم و
علی آل ابراہیم انک حمید مجید روایت این صیغہ
در صحاح ستہ است و بسیار مقبول درود است لہذا در نماز
خواندہ می شود صحابہ رضی اللہ عنہم برسول مقبول صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم عرض داشتند کہ ما بکدام روش درود
فرستیم بر تو بسبب اہلبیت تو کہ اللہ تعالیٰ طرز تو سلام
ما را دادہ است فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
بگوئید اللہم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی ابراہیم
وعلی آل ابراہیم انک حمید مجید اللہم بارک علی محمد

و علی آل محمد کما بارکت علی ابراہیم و علی آل ابراہیم
انک حمید مجید - از حزب الاعظم دیگر اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
نِ النَّبِیِّ وَ اَزْوَاجِہٖ اُمَّہَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ ذُرِّیَّتِہٖ وَ اَہْلِ بَیْتِہٖ
کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاہِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ہر کہ ہفتاد بار این
درود را بوقت خواب بخواند او را رویت حاصل شود
انشاء اللہ تعالی اَللّٰھُمَّ بِحَقِّ اَنْوَارِکَ وَ بِحَقِّ مَعْدِنِ اَسْرَارِکَ
وَ لِسَانِ حُجَّتِکَ وَ عُرُوْسِ مَمْلَکَتِکَ وَ اِمَامِ حَضْرَتِکَ
وَ طِرَازِ مُلْکِکَ وَ خَزَائِنِ رَحْمَتِکَ وَ طَرِیْقِ شَرِیْعَتِکَ
الْمُتَلَذِّذِ بِتَوْحِیْدِکَ اِنْسَانِ عَیْنِ الْوُجُوْدِ وَ السَّبَبِ
فِیْ کُلِّ مَوْجُوْدٍ عَیْنِ اَعْیَانِ اَعْیَانِ خَلْقِکَ الْمُتَقَدِّمِ
مِنْ ضِیَائِکَ صَلٰوۃً تَدُوْمُ بِدَوَامِکَ وَ تَبْقٰی بِبَقَائِکَ
لَا مُنْتَہٰی لَہَا دُوْنَ عِلْمِکَ صَلٰوۃً تُرْضِیْکَ وَ تُرْضِیْہِ
وَ تَرْضٰی اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّ عَلٰی اٰلِ سَیِّدِنَا
مُحَمَّدٍ صَلٰوۃً تُنْجِیْنَا بِہَا مِنْ جَمِیْعِ الْاَہْوَالِ وَ تَقْضِیْ لَنَا بِہَا جَمِیْعَ
الْحَاجَاتِ وَ تُطَہِّرُنَا بِہَا مِنْ جَمِیْعِ السَّیِّئَاتِ وَ تَرْفَعُنَا
بِہَا عِنْدَکَ اَعْلَی الدَّرَجَاتِ وَ تُبَلِّغُنَا بِہَا اَقْصَی الْغَایَاتِ
مِنْ جَمِیْعِ الْخَیْرَاتِ فِی الْحَیَاتِ وَ بَعْدَ الْمَمَاتِ
این درود سنہ نسیم نقاب بر افگن از رخ دولت
بیدار است دیگر اللھم صل علی سیدنا محمد و آلہ وسلم
این صیغہ مختصر بہ جمیع ضروریات درود مشتمل است
موافق تحقیق محدثین کامل بطور ورد اگر صد بار یا

هفتاد بار بخواند همین صیغه بخواند دیگر این درود شریف را از شب چارشنبه شروع کند و شب جمعه تمام نماید در سه شب مطلب حاصل شود باستعمال خوشبو و لباس پاک و فرش هر شب یکهزار بار ربی کم و کاست و با وضو خواب کند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد بعدد البری والوری والثری دیگر عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم انه قال من صل لیلة الجمعة رکعتین یقرء فی کل رکعة فاتحة الکتاب مرة وآیة الکرسی والاخلاص خمس عشرین مرة فاذا فرغ من صلوة ... جالس ... یقول سبوح قدوس ربنا ... والروح سبعین مرة ثم یقول سبحان الله ربی ... العظیم وبحمده سبعین مرة ثم یقول اللهم صل علی محمد و علی آل و اصحاب محمد و بارک و سلم علیه الف مرة فمن فعل ذلک فی لیلة رانی انشاء الله تعالی فان لم یرانی فی ذلک اللیلة رانی فی لیلة القبلة الجمعة تحقیق فرمود نبی صلی الله علیه وآله وسلم هر کس که خواند در شب جمعه دو رکعت نماز و خواند در هر رکعت بعد فاتحه و آیة الکرسی سوره اخلاص بست و پنجبار پس هرگاه فارغ شود از نماز و آن در حالت نشستن بگوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِکَةِ وَالرُّوحِ هفتاد بار و بگوید

سبحان الله ربی سبحان الله العظیم وبحمده هفتاد
بار بازگوید اللهم صل علی محمد وعلی آل و اصحاب محمد
وبارک وسلم علیه هزار بار پس هر کس کرد چنین
در شب خواهد دید مرا تا در شب آینده جمعه - از همین
کتاب دیگر بجهت گشادگی کار و فراخی رزق و زیارت
سید الابرار صلی الله علیه وآله وسلم تاثیر کمال دارد
خواص این درود هزار اند بنا بر آن موسوم به
درود هزاره و درود معراج است لازم است
که مدام همه امور درود خود سازد بسم الله الرحمن
الرحیم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ صَاحِبِ التَّاجِ وَالْبُرَاقِ
وَالْمِعْرَاجِ وَالْعَلَمِ دَافِعِ الْبَلَاءِ وَالْوَبَاءِ وَالطَّاعُوْنِ
وَالْقَحْطِ وَالْمَرَضِ وَالْاَلَمِ اِسْمُهٗ مَكْتُوْبٌ مَرْفُوْعٌ مَشْفُوْعٌ مَنْقُوْشٌ
فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ اِسْمُهٗ مَكْتُوْبٌ مَنْقُوْشٌ وَمَشْفُوْعٌ
مَرْفُوْعٌ فِي اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ شَمْسِ الضُّحٰى بَدْرِ الدُّجٰى
نُوْرِ الْهُدٰى كَهْفِ الْوَرٰى مِصْبَاحِ الظُّلَمِ سَيِّدِ الْعَرَبِ
وَالْعَجَمِ جَمِيْلِ الشِّيَمِ شَفِيْعِ الْاُمَمِ صَاحِبِ الْجُوْدِ وَ
الْكَرَمِ اَللّٰهُ عَاصِمُهٗ وَجِبْرِيْلُ خَادِمُهٗ وَالْبُرَاقُ
مَرْكَبُهٗ وَالْمِعْرَاجُ سَفَرُهٗ وَسِدْرَةُ الْمُنْتَهٰى مَقَامُهٗ
وَقَابَ قَوْسَيْنِ مَطْلُوْبُهٗ وَالْمَطْلُوْبُ مَقْصُوْدُهٗ
وَالْمَقْصُوْدُ مَوْجُوْدُهٗ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ
شَفِيْعِ الْمُذْنِبِيْنَ رَاحَةِ الْعَاشِقِيْنَ مُرَادِ الْمُشْتَاقِيْنَ

سِرَاجُ السَّالِكِيْنَ مِصْبَاحُ الْمُقَرَّبِيْنَ شَمْسُ الْعَارِفِيْنَ
قِبْلَةُ الْمُخْلِصِيْنَ مُحِبُّ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِيْنِ مَحْبُوْبُ
رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَالْمَغْرِبَيْنِ صَاحِبُ قَابَ قَوْسَيْنِ
جَدُّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ مَوْلَى الثَّقَلَيْنِ نَبِيُّ الْحَرَمَيْنِ
وَسِيْلَتُنَا فِي الدَّارَيْنِ اَبُوْ الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ ابْنُ عَبْدِ اللّٰهِ
يَا اَيُّهَا الْمُشْتَاقُوْنَ بِنُوْرِ جَمَالِهِ صَلُّوْا عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمُوْا
تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا كَثِيْرًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ کہ
- از مظہر الدعوات نوشتہ شد دیگر عمل مخصوص
طریقۂ علیہ افضلیہ عباسیہ قدس اسرارہم محمد رسول اللہ
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دو صد بار احمد رسول اللہ صلی اللہ
علیہ وسلم دو صد بار مُحَمَّدٌ بَشَرٌ لَا كَالْبَشَرِ بَلْ هُوَ
كَيَاقُوْتٍ بَيْنَ الْحَجَرِ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم یکصد بار
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً اَنْتَ لَهَا اَهْلٌ
وَهُوَ لَهَا اَهْلٌ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ یکصد بار اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ
عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ قَدْرَ حُسْنِهِ وَجَمَالِهِ وَكَمَالِهِ
یکصد بار اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ
وَّآلِهِ بِعَدَدِ اَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى یکصد بار یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ یکصد بار یا رسول اللہ علیک
الصلوۃ والسلام یکصد بار مجموعہ آن یکہزار
ہمین قدر در روز وہمین قدر در شب خواندہ باشد
برکات این بعد ہدا وسبت ظاہر خواہد شد دیگر

ازان عمده ترین برکات اینست که بجمال جهان
آرای سرور عالم خلاصه بنی آدم صلی الله علیه و آله وسلم
مشرف میشود و اگر بهمین نیت این صیغه را بیک لک بار
رساند و قسمت کرده تا چهل روز عدد مذکور تمام
کند و هر شب دو رکعت نماز بکند و هر چه خواهد
بخواند چون سلام دهد صد بار بگوید یَا نُوْرَ النُّوْرِ یَا مُدَبِّرَ
الْاُمُوْرِ بَلِّغْ عَنِّیْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ وَّ اَزْوَاجِ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
السَّلَامَ بعد از ان مستقبل قبله جنوباً و شمالاً خواب
کند بفضل الله تعالی در یک چله باین سعادت کامیاب
شود و اگر چند انخواسته بسبب عدم رعایت شرایط
این عمل که عمده آنها اکل حلال و صدق مقال است
در این سعادت نکشاید در چله دوم فضل بفضل حقیقی
کار خود نماید و معشوق مدعا از در رحمت درآید و ابتدای
خواندن باید که در عروج ماه باشد و صیغهٔ درود شریف
واقدس بمقداریکه مقرر کرده باشد قبل از نماز
مذکور وقت شب بخواند بعد از ان دو رکعت
مذکوره گذارده دعائیکه مذکور شد خوانده جنوباً و
شمالاً خواب کند انشاء الله تعالی برادولی و مآرب
قلبی کامیاب خواهد شد - از کتاب بیاض سلسلهٔ
چشتیه و قادریه ایضاً درود اشرف و اقدس
مسمی بکبریت الاحمر و اعظم برای حصول این

دولت عظمی مفتاح ابواب لبستة است و مرهم
دلهای ریش وخسته درود مذکور من تصنیفات حضرت
شیخ عبد القادر جیلانی رضی الله عنه و افاض من
برکاته علی جمیع المسلمین و آن درود شریف اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوٰتِکَ
عَدَدًا وَأَنْمَیٰ بَرَکَاتِکَ سَرْمَدًا وَأَزْکَیٰ تَحِیَّاتِکَ فَضْلًا
وَمَدَدًا وَعَدَدًا مُؤَبَّدًا وَأَسْنَیٰ سَلَامِکَ أَبَدًا مُحَبَّدًا
عَلَیٰ أَشْرَفِ الْحَقَائِقِ الْإِنْسَانِیَّةِ وَالْجَانِّیَّةِ وَمَعْدِنِ
الدَّقَائِقِ الْإِیمَانِیَّةِ وَطُورِ التَّجَلِّیَاتِ الْإِحْسَانِیَّةِ وَمَهْبَطِ
الْأَسْرَارِ الرَّحْمَانِیَّةِ وَنَامُوسِ الْمَمْلَکَةِ الْقُدُّوسِیَّةِ وَإِمَامِ
الْحَضْرَةِ الرَّبَّانِیَّةِ وَوَاسِطَةِ عِقْدِ النَّبِیِّینَ وَمُقَدَّمَةِ
جَیْشِ الْمُرْسَلِینَ وَأَفْضَلِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِینَ حَامِلِ
لِوَاءِ الْعِزِّ الْأَعْلَیٰ وَمَالِکِ أَزِمَّةِ الشَّرَفِ الْأَسْنَیٰ
شَاهِدِ أَسْرَارِ الْأَزَلِ وَمُشَاهِدِ أَنْوَارِ السَّابِقِ الْأَوَّلِ
وَتَرْجُمَانِ لِسَانِ الْقِدَمِ وَمَنْبَعِ الْعِلْمِ وَالْعِلْمِ وَالْحِکَمِ
وَمَظْهَرِ سِرِّ الْجُودِ الْجُزْئِیِّ وَالْکُلِّیِّ وَإِنْسَانِ عَیْنِ الْوُجُودِ
الْعُلْوِیِّ وَالسُّفْلِیِّ رُوحِ جَسَدِ الْکَوْنَیْنِ وَعَیْنِ حَیَاتِ
الدَّارَیْنِ الْمُتَخَلِّقِ بِأَعْلَیٰ رُتَبِ الْعُبُودِیَّةِ وَالرُّبُوبِیَّةِ
الْمُتَحَقِّقِ بِأَسْرَارِ الْمَقَامَاتِ الْاِصْطِفَائِیَّةِ سَیِّدِ الْأَشْرَافِ
وَجَامِعِ الاوصاف الخلیل الاعظم والحبیب الاکرم
المخصوص باعلی المراتب والمقامات المؤید با وضح

البراهين والآلات المنصور بالرعب والمعجزات
الجوهر الشريف الأبدي والنور القديم المحمدي
سيدنا محمد المحمود في الإيجاد الموجود الفاتح لكل
شاهد ومشهود حضرة المشاهدة وشهود نور كل شيء
ومداه وسر كل سر وسناه الذي انشقت منه الأسرار
وانفلقت منه الأنوار السر الباطن والنور الظاهر
السيد الكامل الفاتح الخاتم الأول الآخر الباطن
الظاهر العاقب الحاشر الناهي الصابر الشاكر
القانت الذاكر الماحي الماجد العزيز القوي القادر
الحامد والمؤمن العابد المتوكل الزاهد القائم الساجد
الماجد التابع الشهيد الولي الحميد البرهان الحجة
المطاع المختار الخاضع الخاشع البر المستقر الحق المبين
طه يسين المزمل المدثر سيد المرسلين إمام المتقين
وخاتم النبيين وحبيب رب العالمين النبي المصطفى
والرسول المجتبى الحكيم العليم العزيز الحليم الرؤوف
الرحيم نورك القديم وصراطك المستقيم محمد عبدك
ورسولك وصفيك وحبيبك ووليك ونبيك
وأمينك ودليلك ونجيبك ونجيك وذخيرتك
إمام الخير وقائد الخير ورسول الرحمة النبي الأمي
العربي القرشي الهاشمي الأبطحي المكي المدني
التهامي والشاهد المشهود الولي المقرب العبد

المسعود الحبيب المشفع الحسيب الرفيع المليح البديع الواعظ
البشير النذير العطوف الحليم الجواد الكريم الطيب الرؤف
الرحيم المبارك المكين الصادق المصدوق المصدق الامين
الداعي اليك باذنك السراج المنير الذي ادرك الحقائق
بحجتها وفاق الخلائق برمتها وجعلته حبيبا وناجيته قريبا وادنيته
رقيبا وختمت به الرسالة والبشارة والدلالة والنذارة والنبوة
ونصرته بالرعب وظللته بالسحب ورددت له الشمس
وشققت له القمر وانطقت له الضب والظبي والذئب
والجذع والذراع والجمل والجبل والمدر والشجر وانبعت من اصابعه الماء الزلال
وانزلت من المزن بدعوته عام المحل والجدب وابل الغيث والمطر فاعشوشب منه القفر والصخر والوعر والسهل والرمل والحجر
واسريت به ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الى السموات
العلى الى سدرة المنتهى الى قاب قوسين او ادنى واريته الآية
الكبرى وانلته الغاية القصوى واكرمته بالمخاطبة والمراقبة
والمشافهة والمشاهدة والمعاينة بالبصر وخصصته بالوسيلة العظمى
والشفاعة الكبرى يوم الفزع الاكبر في المحشر وجمعت له جوامع
الكلم والجواهر الحكم وجعلت امته خير الامم وغفرت له
ما تقدم من ذنبه وما تأخر الذي بلغ الرسالة وادى الامانة
ونصح الامة وكشف الغمة وجلى الظلمة وجاهد في سبيل الله
وعبد ربه حتى اتاه اليقين اللهم ابعثه مقاما محمودا يغبطه
فيه الاولون والاخرون اللهم عظمه في الدنيا باعلاء

ذِكْرِهِ وَإِظْهَارِ دِينِهِ وَإِبْقَاءِ شَرِيعَتِهِ وَفِي الْآخِرَةِ بِقَبُولِ
شَفَاعَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَأَجْزِلْ أَجْرَهُ وَمَثُوبَتَهُ وَأَبِنْ فَضْلَهُ عَلَى الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ بِالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَتَقْدِمَتَهُ عَلَى كَافَّةِ الْمُقَرَّبِينَ بِالشُّهُودِ
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ الْعُلْيَا وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ
فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى كَمَا آتَيْتَ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
مِنْ أَكْرَمِ عِبَادِكَ عَلَيْكَ شَرَفًا وَمَنْزِلَةً وَمِنْ أَرْفَعِهِمْ
عِنْدَكَ دَرَجَةً وَأَعْظَمِهِمْ خَطَرًا وَأَمْكَنِهِمْ عِنْدَكَ شَفَاعَةً
اللَّهُمَّ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَأَبْلِغْهُ مَأْمُولَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ
أَتْبِعْهُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَاجْزِهِ عَنَّا خَيْرَ مَا
جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَاجْزِ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ خَيْرًا اللَّهُمَّ
صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا شَاهَدَتْهُ الْأَبْصَارُ وَ
سَمِعَتْهُ الْآذَانُ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ
وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ
كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُصَلَّى عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا
أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا يَنْبَغِي أَنْ يُصَلَّى
عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَدَدَ نَعْمَاءِ اللهِ تَعَالَى
وَإِفْضَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ
وَأَوْلَادِهِ وَأَحْفَادِهِ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
وَعِتْرَتِهِ وَعَشِيرَتِهِ وَأَصْهَارِهِ وَأَخْتَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ
وَأَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَخَزَنَةِ أَسْرَارِهِ وَمَعَادِنِ
أَنْوَارِهِ وَكُنُوزِ الْحَقَائِقِ وَهُدَاةِ الْخَلَائِقِ وَنُجُومِ الْاهْتِدَاءِ

لمن اقتدى وسلم تسليما كثيرا دائما ابدا وارض
عن كل الصحابة رضى سرمدا عدد خلقك وزنة
عرشك ورضاء نفسك ومداد كلماتك اللهم صل
على محمد وعلى آل محمد كلما ذكرك ذاكر وكلما
سهى عن ذكرك غافل صلوة تكون لك رضاء ولحقه
اداء ولنا صلاحا وآته الوسيلة والفضيلة والدرجة
العالية الرفيعة وابعثه المقام المحمود واللواء المعقود
والحوض المورود وصل يارب على جميع اخوانه من
الانبياء والمرسلين والاولياء والصالحين وملائكتك
المقربين صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين اللهم
صل وسلم على سيدنا محمدن السابق للخلق نوره
الرحمة للعالمين ظهوره عدد ما مضى من خلقك
ومابقى ومن سعد منهم ومن شقى صلوة تستغرق العد
وتحيط بالحد صلوة لا غاية لها ولا انتهاء ولا امد لها
ولا انقضاء صلوتك التى صليت عليه صلوة معروضة
عليه مقبولة لديك صلوة دائمة بدوامك باقية
ببقائك لا منتهى لها دون علمك صلوة ترضيك
وترضيه وترضى بها عنا وتستجيب بها دعاءنا وتحيى بها قلوبنا
وتزكى بها نفوسنا صلوة تملاء الارض والسماء صلوة
تحل بها العقد وتفرج بها الكرب وتجرى بها
لطفك فى امرى وامور المسلمين وبارك لنا

عَلَى الدَّوَامِ وَعَافِنَا وَاَيِّدْنَا وَاجْعَلْنَا اٰمِنِيْنَ وَيَسِّرْ لَنَا
اُمُوْرَنَا مَعَ الرَّاحَةِ لِقُلُوْبِنَا وَاَبْدَانِنَا وَالسَّلَامَةِ
وَالْعَافِيَةِ فِيْ دِيْنِنَا وَدُنْيَانَا وَاٰخِرَتِنَا وَتَوَفَّنَا عَلَى الْكِتَابِ
وَالسُّنَّةِ وَاجْمَعْنَا مَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مِنْ غَيْرِ عَذَابٍ وَّاَنْتَ
رَاضٍ عَنَّا وَلَا تُنْكِرْ بِنَا وَاخْتِمْ لَنَا مِنْكَ بِخَيْرٍ وَّعَافِيَةٍ
وَبِلَا مِحْنَةٍ اَجْمَعِيْنَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
بِرَحْمَتِكَ وَبِفَضْلِكَ وَبِلُطْفِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اٰمِيْنَ
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِكَاتِبِهٖ وَلِقَارِئِهٖ وَلِمُؤَلِّفِهٖ - از مجموعه اوراد
غوثیه دیگر از ہمین کتاب دو رکعت بعد نماز عشا بخواند
بعد از سورهٔ فاتحه در ہر رکعت آیة الکرسی پانزده بار
بخواند و بعد از سلام سه صد بار گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ حضرت رسالت پناہی صلی
الله تعالی علیه و آله وسلم را در خواب بیند ایضا از ہمین
کتاب اگر بعنبر این نماز ہمین درود شریف در شب جمعه
ہزار بار بخواند حضرت صلی الله علیه و اله وسلم را در خواب بیند
دیگر از ہمین کتاب کسیکه صلوة بر رسول الله صلی الله علیه واله وسلم
بسیار فرستد به بیند او را در خواب و بیداری کذا نقل
الشیخ الکامل الامام علی المتقی فی حکم الکبیر عن شیخ احمد بن موسی
الشرع الصوفی دیگر از ہمین نسخه سخاوی و محدثان دیگر رحمهم الله
آورده اند که محمد ابن سعد بن مطرف کا عدو معین از صلوة

پیش از وقت شام درد بود شبی آنحضرت علیه السلام را به
خواب می بیند که درون خانه او درآمد و خانه را با نور
جمال با کمال خویش روشن گردانیده میفرمایند بیار
این دهن خود که درود بسیار میخواند تا بوسه دهم بر وی میگوید
که من شرم داشتم که دهان خود پیش دهان آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بنهم رخسار گردانیدم و پیش دهان آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم داشتم پس بوسه داد بر رخسار من
چون بیدار شدم خانه تمام رایحه مشک درگرفته بود تا هشت
روز بوی مشک از رخسار من می آمد دیگر از همین کتاب
از خضر و الیاس است که مردی از شام بخدمت آن علیه السلام
رسید و معروض گردانید که یا رسول الله پدر من مردی پیر
و نابینا و بسیار ضعیف است دوست میدارد که ترا ببیند
ولیکن قدرت ندارد که حاضر آید فرمود پدر خود را بگو که هفت
یعنی در هفت شب بگوید صلی الله علی محمد مرا بخواب
بیند و او همچنان کرد که فرموده رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
بود پس دید آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم را دیگر از همین
کتاب یکی از اسباب ادراک شرف رویت سید انام
در شام علیه صلوة ملک العلام ملازمت صلوة نبویه است
بر صفت طهارت بصیغه اللهم صل علی محمد وآله وسلم
کما تحب و ترضی له دیگر و ملازمت این صلوة شب
محصل این سعادت است اللهم صل علی روح محمد

فِی الْاَرْوَاحِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی جَسَدِهٖ فِی الْاَجْسَادِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی قَبْرِهٖ
فِی الْقُبُوْرِ — از ہمین نسخه دیگر از ہمین کتاب — در مفاخر
الاسلام می آرد ہر کہ روز جمعه ہزار بار درود فرستد بصیغهٔ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
را در خواب بیند یا منزل خود در بہشت بیند و اگر نه بیند
مکرر کند آنرا تا پنج جمعه بیند از فضل الٰہی آنچه مسرت بخشد اورا
دیگر ہر کہ بگذارد در شب آدینه دو رکعت نماز و بخواند در
ہر رکعت بعد از فاتحه یازده بار آیة الکرسی و یازده
بار سورهٔ اخلاص و بعد از سلام صد بار درود فرستد بصیغهٔ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَ اٰلِهٖ وَسَلَّمَ به بیند در خواب
رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم را اگر نصیب او باشد
از سه جمعه نگذرد انشاء الله تعالی وَ قَدْ جَرَّبَهٗ بَعْضُ الْفُقَرَاءِ
ایضاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی رُوْحِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَرْوَاحِ وَ عَلٰی جَسَدِ مُحَمَّدٍ
فِی الْاَجْسَادِ وَ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُوْرِ سخاوی
از درر النظم نقل کرده است کہ ہر کہ درود اقدس بسیار
بخواند بشرف رویت حضرت سید انام علیه التحیة والسلام
در منام مشرف شود و بشرف ملاقات آن حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم برسد و از خواص این درود است کہ جسد
خواننده بر آتش دوزخ حرام گردد — از ہمین نسخه
دیگر از ہمین کتاب — اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِعَدَدِ مَنْ حَمِدَكَ
وَلَكَ الْحَمْدُ بِعَدَدِ مَنْ لَّمْ یَحْمَدْكَ وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا تُحِبُّ اَنْ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ اَنْ يُصَلّٰى عَلَيْهِ اسناد این حدیث از طبرانی است که از اکابر علمای محدثین است گفته است که این را در منام بحضرت سید انام علیه افضل الصلوة والسلام خوانده و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نزد سماع آن تبسم فرموده تا آنکه نواجذ شریف ظاهر شد از ثنایای شریف او نور ظهور نموده صلی الله علیه وآله وسلم دیگر بعض مشایخ وصیت کرده اند بقرأت قل هو الله احد وبکثرت صلوة بر رسول امجد صلوة الله علیه وآله وسلم ومیفرمودند که بقرأت قل هو الله احد شناختم خدای احد جل جلاله المعظم را وبکثرت صلوة صحبت داشتم به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ومیفرمودند که صلوة بر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کسیکه بسیار میفرستد می بیند او را در خواب وبیداری – از همین کتاب دیگر از همین کتاب – در خواندن این صلوة ثواب بسیار است ونیز این را در دو حاضری میگویند اَلصَّلٰوةُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الْوَرٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُوْرَ الْهُدٰى س ٩

یا حبیبی سیدی درمانده ام	مرکب اندر حرص وعصیان رانده ام
رحمة للعالمینی یا رسول	هم شفیع المذنبینی یا رسول
مشکلم بیش است ومن بیکسی	یا رسول الله تو ما را بسی
یا محمد لطف تو عام	بس بود ما را محمد نام تو

احمدا جز تو شفیعم نیست کس	یا رسول الله فریادم برس
الصلوٰة والسلام ای تا قیام	بر محمد وال و اصحابش مدام

از اینجا تا اختتام این قسم همه اعمال از همین کتاب نقل کرده شد

از کتاب سر خفی فی رویته النبی از سید جلال الدین المخاطب مخدوم جهانیان قدس سره العزیز هر کس که اراده کرد اینکه به بیند و مشرف شود برویت رسول الله صلی الله علیه واله وسلم در خواب پس باید که غسل کند از شبهای جمعه و چیزی تصدق کند فقرا را هرچه که آسان شود برا و پس بخواند دو رکعت در اولی بعد فاتحه سوره والضحی و در ثانیه بعد فاتحه الم نشرح پس هرگاه فارغ شود از نماز درودی که نوشته میشود بخواند چهل و یکمرتبه و این مجرب است نزد عامل او والله تعالی اعلم باسرار هم بسم الله الرحمن الرحیم صلوٰة الله و رحمته و برکاته و تحیته بعدد ما ظهر من العدم الی الوجود و بعدد ما بطن من الوجود الی العدم و بعدد ما فی کینونة عوالم علم القدیم علی محمد واله و اصحابه و اولاده و ازواجه و عشیرته الطیبین و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و الملائکة المقربین بعدد النفسات و اللمحات و اللحظات من الایام واللیالی و الساعات الی یوم الدین آمین آمین آمین

رب العالمین دیگر اگر خواهد که جمال مصطفویه درخواب
بیند پس بگذارد چهار رکعت در شب دوشنبه در
هر رکعتی بعد فاتحه آیتہ الکرسی سه بار و اخلاص
پانزده بار بعد از سلام یکهزار بار درود شریف گوید
و بر مصلی با وضو خواب کند به بیند درخواب آن دولت
بیدار یعنی سید الابرار احمد مختار صلی الله علیه وآله وسلم را
در چند شب بدین دوگانه مواظبت نماید دیگر من اسرار
الابرار۔ اگر خواهد که دیدار سید الابرار احمد مختار صلی الله
علیه وآله وسلم را درخواب بنید و حاجتیکه دارد بجواب خطاب
از ان رسالتمآب صلی الله علیه وآله وسلم مشرف شود در شب
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه چهار رکعت نماز گذارد و در هر
رکعتی بعد از فاتحه اذا الشمس کورت واذا السماء انفطرت
والشمس وضحها و والضحی والم نشرح و اخلاص یکبار
بخواند و ثواب نماز بروح پاک رسالت پناهی صلی الله
علیه وآله وسلم هدیه بدهد و بعد از فراغ بحضور و خضوع
این صلوة سه صد بار بگوید بنور جمال با کمال آنحضرت
مشرف شود و حاجت او بر آید و بمراد و مقصود
خویش برسد صلوة اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ
مُحَمَّدٍ صَلٰوۃً دَائِمَۃً کَثِیْرَۃً طَیِّبَۃً لَا یُحِیْطُ بِہَا اَحَدٌ اِلَّا اَنْتَ
وَلَا تُحْصِیْہَا اِلَّا عِلْمُکَ وَلَا تَجْعَلْہَا غَیْرُکَ وَصَلِّ عَلٰی جَمِیْعِ
الْاَنْبِیَاءِ وَالْمُرْسَلِیْنَ دیگر من سر الاسرار۔ هر که مشتاق دیدن

روی مصطفی وجمال جهان آرای محمد مجتبی صلی الله علیه وآله وسلم
باشد باید که بر کناره آب روان رود وانجا سه روز
بعد نماز چاشت سوره بقره وآل عمران وطه ویسین
بحضور دل بخواند وبعد خواندن سورها دو رکعت نماز
بروح پاک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم گذارد ودر
رکعت اول بعد الحمد سوره مزمل ودر رکعت دوم
بعد الحمد والفجر بخواند بعد از سلام هزار بار این
صلوة گوید وچشم پوشیده بحضور دل منتظر این دولت
غیر مترقبه باشد البته در واقع با روح محمد صلی الله
علیه وآله وسلم معاینه ومشاهده جمال باکمال حاصل شود
ومقصود نیز برآید صلوة اینست یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ حِیْنَ
لَا حَیَّ فِیْ دَیْمُوْمَةِ مُلْکِهٖ وَبَقَائِهٖ یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بَدِیْعُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ یَا اِلٰهِیْ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّبَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَرَحِمْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ
اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ دیگر از همین نسخه - هر که در شب
جمعه غسل کرده دو رکعت گذارد وبعد فاتحه اَللّٰهُ نُوْرُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُوْرِهٖ کَمِشْکٰوةٍ فِیْهَا مِصْبَاحٌ
فِیْ زُجَاجَةٍ اَلزُّجَاجَةُ کَاَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُّوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُّبٰرَکَةٍ زَیْتُوْنَةٍ لَّا شَرْقِیَّةٍ وَّلَا غَرْبِیَّةٍ یَّکَادُ زَیْتُهَا
یُضِیْٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ یَهْدِی اللّٰهُ لِنُوْرِهٖ مَنْ
یَّشَآءُ وَیَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللّٰهُ بِکُلِّ شَیْءٍ

علیہم بخواند و بعد سلام ہزار بار درود بخواند و بر زمین
بخوابد رویت محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نصیب گردد
دیگر از ہمین کتاب - اگر خواہد کہ سید عالم صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم را در خواب بیند باید کہ دو رکعت
نماز بخواند در شب شنبہ و بخواند در ہر رکعت
سورۃ البروج سہ بار بعد سلام صد بار درود و دو
صد بار این دعا بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم یا نُوْرَ
النُّوْرِ یا مُدَبِّرَ الْاُمُوْرِ بَلِّغْ عَنِّیْ مُحَمَّدٍ وَّ اَزْوَاجِ اٰلِ مُحَمَّدٍ
عَلَیْہِ السَّلَامُ تَحِیَّتَہٗ وَسَلَامًا و صد بار درود گفتہ سر
بجانب قطب یا جنوب و رو بقبلہ آوردہ درود
خوانان بخواب رود بیشک در خواب مہتاب جہانتاب
رخسار رسالتمآب صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را ببیند ہر کہ
شب جمعہ ہزار بار این درود بخواند بجمال سید عالم
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مشرف شود دیگر در شب
آدینہ بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بگذارد بہر رکعتی
فاتحہ وآیۃ الکرسی یکبار و اخلاص پانزدہ بار بخواند
بعد از سلام ہزار بار درود بر سید عالم فرستد و با وضو
در خواب رود بیشک آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را
در خواب بیند - از ہمین کتاب دیگر ہر کہ در شب
جمعہ ہزار بار این درود بخواند بجمال سید عالم
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سرفراز گردد درود معظم و مکرم

اینست صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدُ دیگر ہر کہ بعد از نماز وتر
ہزار و یک بار این درود بخواند و بخواب سید عالم
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را در خواب بیند اللھم بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ
وَاَرْوَاحَ اٰلِ مُحَمَّدٍ مِنِّی اَلْفَ صَلٰوۃٍ وَسَلَامٍ - از ہمین نسخہ
دیگر در وقت شب بعد نماز عشا سیصد و شصت
و سہ بار تا ہفت روز و شب باین درود عالی ملازمت نماید
البتہ از جمال جہان آرای حضرت رسالت صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم سرفراز شود درود موصوف اینست
اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّبَارِکْ وَسَلِّمْ کَمَا
صَلَّیْتَ وَسَلَّمْتَ وَبَارَکْتَ وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰی
اِبْرَاہِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاہِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ بِرَحْمَتِکَ
یَا اَکْرَمَ الرَّاحِمِیْنَ - از ہمین کتاب دیگر از ہمین کتاب
اگر خواہد کہ سرور انبیا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را در خواب
بیند باید کہ این درود را صد بار با وضو با حضور دل در شب
جمعہ ملازمت نماید بکرم اللہ تعالی ہم در ان شب
جمال آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در چشم
دل و دیدہ جانش تجلی رحمت فرماید درود عالیہ اینست
بسم اللہ الرحمن الرحیم اَللّٰھُمَّ صَلِّ اللّٰہُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاَہْلِ بَیْتِہٖ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ دیگر از سر خفی
- در شب جمعہ بعد عشا یکہزار و صد و یازدہ مرتبہ
بخواند بتجدید وضو بخواند صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدُ پس

بتحقیق خواہد دید خاتم النبوۃ را صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در بنا
دیگر ھر کہ این درود حضرت قادریہ را یکمرتبہ بخواند
ثواب پنجاہ ہزار درود بر نبی علیہ الصلوۃ والسلام یابد
ہر روز یکبار بخواند و شب جمعہ یازدہ بار لیکن تفصیل
این الصلوۃ القطب الربانی غوث الصمدانی والمحبوب
السبحانی سید الشیخ محی الدین ابی محمد سید عبد القادر
الحسنی والحسینی الجیلانی رضی اللہ عنہ واسمہا المسمی با
الکبریت الاعظم وکنز ہا فی الاول صلوتہ علی النبی
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وکل صلوۃ منہا بمایۃ الف صلوۃ وہی لعزۃ
لرؤیۃ النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بعد صلوۃ العشاء فی محل
طاھر مرۃ بعد قرات الاخلاص والمعوذتین ثلاثا ولا
یتکلم بعد فانہ یری النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فی منامہ انشاء
اللہ تعالی مجرب والحمد للہ رب العالمین وہی ہذہ بسم اللہ الرحمن الرحیم
اَللّٰھُمَّ اجْعَلْ اَفْضَلَ صَلَوٰتِکَ وَاَنْمٰی بَرَکَاتِکَ سَرْمَدًا اَزْکٰی تَحِیَّاتِکَ
فَضْلًا وَعَدَدًا وَاَسْنٰی سَلَامِکَ اَبَدًا وَمَحَبَّۃً عَلٰی اَشْرَفِ
الْخَلَائِقِ الْاِنْسَانِیَّۃِ وَمَجْمَعِ الدَّقَائِقِ الْاِیْمَانِیَّۃِ وَطُوْرِ التَّجَلِّیَاتِ
الْاِحْسَانِیَّۃِ وَمَھْبَطِ الْاَسْرَارِ الرَّحْمَانِیَّۃِ وَوَاسِطَۃِ عِقْدِ النَّبِیِّیْنَ
وَمُقَدَّمِ جَیْشِ الْمُرْسَلِیْنَ وَقَائِدِ رَکْبِ الْاَنْبِیَاءِ الْمُکَرَّمِیْنَ وَاَفْضَلِ
الْخَلَائِقِ اَجْمَعِیْنَ حَامِلِ لِوَاءِ الْعِزِّ الْاَعْلٰی وَمَالِکِ اَزِمَّۃِ
الْمَجْدِ الْاَسْنٰی شَاھِدِ اَسْرَارِ الْاَزَلِ وَمُشَاھِدِ اَنْوَارِ السَّوَابِقِ الْاُوَلِ
وَتُرْجُمَانِ لِسَانِ الْقِدَمِ وَمَنْبَعِ الْعِلْمِ وَالْحِلْمِ وَمَظْھَرِ

سِرِّ الوجودِ الخبري والكلّي والسَّاكنِ عَيْنِ الوُجودِ العُلوي
والسُّفلي رُوحِ جسدِ الكونينِ وعَيْنِ حيوةِ الدَّارَيْنِ المُتحقِّقِ بأسرارِ
المقاماتِ الإلٰهيّةِ الجليلِ الأعظمِ والحبيبِ الأكرمِ
نبيِّكَ العظيمِ ورسولِكَ الكريمِ الهادي إلى صراطٍ مستقيمٍ
سيِّدِنا ومولانا وحبيبِنا وشفيعِنا محمَّدٍ النبيِّ الأمّيِّ ورسولِ
العربيِّ صلَّى اللهُ عليهِ وآلِهِ وأصحابِهِ وأزواجِهِ وذرّيّتِهِ وأهلِ
بيتِهِ عددَ معلوماتِكَ ومِدادَ كلماتِكَ وكلّما ذكرَكَ
الغافلونَ وسلّم تسليماً كثيراً أبداً دائماً مباركاً كافّةً كما
تحبُّ أنتَ وترضى ورضيَ اللهُ عن أصحابِ رسولِ اللهِ
أجمعين - ازہمین نسخہ آوردہ اند اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ
وعلى آلِ محمَّدٍ كلّما ذكرَهُ الذّاكرونَ وكلّما سهى عنهُ
الغافلونَ اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ وعلى آلِ محمَّدٍ كما هو أهلُهُ
ومستحقُّهُ اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ وعلى آلِ محمَّدٍ كما أنتَ
أهلُهُ اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ وعلى آلِ محمَّدٍ أفضلَ صلواتِكَ
عددَ معلوماتِكَ اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ النبيِّ وعلى كلِّ
نبيٍّ وملَكٍ ووليٍّ عددَ كلماتِ ربِّنا التّامّاتِ المباركاتِ
اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ وعلى آلِ محمَّدٍ عبدِكَ ونبيِّكَ و
رسولِكَ النبيِّ الأمّيِّ وعلى أزواجِهِ وذرّيّاتِهِ عددَ
خلقِكَ ورضاءِ نفسِكَ وزنةِ عرشِكَ ومِدادِ
كلماتِكَ اللّٰهمَّ صلِّ على محمَّدٍ وعلى آلِ محمَّدٍ صلوةً
دائمةً بدوامِكَ اللّٰهمَّ يا ربَّ محمَّدٍ وآلِ محمَّدٍ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْزِ مُحَمَّدًا مَا هُوَ اَهْلُهُ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَزْوَاجِهِ اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَذُرِّيَّتِهِ
وَاَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ
کثرت استعمال هر یکی ازین صیغ باعث حصول نارت
قلبی است انشاء الله تعالی از کتاب حزب الاعظم
وغیره آورده اند که روزی سیدة النسا فاطمة
الزهرا رضی الله عنها بخداوند تعالی عهد کرده
که تا لک مرتبه صلوٰة نخوانم روی مطهره مثوب
سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم نه بینم دران اثنا
آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم بخانه فاطمه زهرا
رضی الله عنها تشریف ارزانی فرمودند حضرت
خاتون جنت رضی الله عنها سر فرو برد و چشم
نکشاد سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم بزبان درفشان
ارشاد فرمودند که ای فاطمه چرا چشم نکشائی
عرض نمود که یا رسول الله من بخدای تعالی عهد
کرده ام که تا لک مرتبه صلوٰة بر حضرت تو نفرستم
نظر بر روی مبارک تو نکنم آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم نیز سر در مراقبه فرو بردند که ناگاه
جبرئیل علیه السلام آمد و ظاهر نمود که یا رسول الله
خدای تعالی مرا بشما میفرستد با تحفه درود و دنیز
بفاطمة الزهرا بگوئید که این درود را یکمرتبه

بخواند وچشم بکشاید که ثواب یک لک درود وارد آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم بفاطمة الزهرا رضی الله تعالی عنها
فرمودند که این درود بخوان وچشم بکشا و مارا بین که لک
مرتبه درود خوانده باشی و این درود را درود فاطمه نام کنند
و آن اینست اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی آلِ سَیِّدِنَا
مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ اَنْوَارِکَ وَالْبَرِیِّ وَالْکُرْسِیِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَّآلِهٖ اَجْمَعِیْنَ هر که درود فاطمه را هفت بار بر هر
عضو خود بخواند وقف زند و یا رسول الله خند بسیدی
گویان در خواب رود بجمال محمدی صلی الله علیه و آله وسلم
مشرف شود و مقصود اصلی و فرعی او بحصول انجامد
از همین کتاب تعلیم خضر علیه السلام عبد العزیز دباغ
اقراه فی البراری یسال لرویة النبی والجمع معه سزا
فی کل یوم یعنی این درود شریفی است که تعلیم خضر است
عبد العزیز دباغ را برای رویت آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم در بیداری هر کرا بخت بیدار
یاری کند هفت هزار بار هر روز بخواند درود شریف اینست
اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ بَیْنِیْ وَبَیْنَ مُحَمَّدِ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ
یقظةً قبل الآخرة دیگر هر که درود معظم را هفتاد
بار بخواند البته آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در واقعه
به بیند درود اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّیَ عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا هُوَ اَهْلُهٗ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى لَهٗ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رُوْحِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ وَعَلٰى جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ وَعَلٰى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُوْرِ

- از ہمین نسخہ ترکیب دیدن جمال با کمال محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در خواب ہفتہ ہر روز ہفت بار این درود بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ دیگر ہر کہ شب جمعہ درود مستغاث را دو ساز دبعد از نماز خفتن بخواند وبعد از خواندن سخن نگوید و با وضو در خواب رود بجمال مصطفی علیہ وآلہ الصلوٰۃ والسلام مشرف شود - از ہمین کتاب دیگر در شب آدینہ بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بگذارد در ہر رکعت بعد الحمد آیۃ الکرسی یکبار واخلاص پانزدہ بار بخواند بعد از سلام ہزار بار درود بر سید عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرستد و با وضو در خواب رود بیشک آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را در خواب ببیند

- از ہمین نسخہ دیگر از ہمین کتاب - در شب جمعہ غسل کردہ دو رکعت نماز گذارد و بخواند در ہر رکعتی بعد فاتحہ اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُوْرِهٖ كَمِشْكٰوةٍ فِيْهَا مِصْبَاحٌ فِيْ زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُّوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبٰرَكَةٍ زَيْتُوْنَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَّلَا غَرْبِيَّةٍ يَّكَادُ زَيْتُهَا يُضِيْٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلٰى نُوْرٍ يَهْدِي اللّٰهُ لِنُوْرِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ وبعد سلام ہزار بار درود بخواند و بر زمین بخوابد رویت

محمدی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم نصیب گردد دیگر ہر کہ بعد
از نماز وتر ہزار بار و یکبار این درود بخواند و بحمید
سید عالم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را در خواب ببیند
اَللّٰھُمَّ بَلِّغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ وَّاَرْوَاحَ اٰلِ مُحَمَّدٍ تَحِیَّۃً وَّالسَّلَامُ
- از سر خفی دیگر از ہمین نسخہ - اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی
اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّبَارِکْ وَسَلِّمْ کَمَا صَلَّیْتَ وَسَلَّمْتَ وَبَارَکْتَ وَرَحِمْتَ
وَتَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرَاھِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاھِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ
بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ ہر کہ سیصد و شصت و سہ بار
تا ہفت روز و شب این درود را ملازمت نماید البتہ
از جمال جہان آرای رسول مقبول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مشرف
گردد دیگر ہر شب دو رکعت نماز گذارد در ہر رکعت
سورۂ والضحیٰ سہ بار بعد سورۂ الحمد شریف بخواند و نیز
الم نشرح ہفت بار بعدہ در خانہ خالی یا در مسجدی صد بار
این صلوۃ بگوید اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلّٰی عَلَیْہِ وَصَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ لَّمْ یُصَلِّ عَلَیْہِ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
بِالصَّلٰوۃِ عَلَیْہِ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا یَنْبَغِی الصَّلٰوۃُ عَلَیْہِ وَصَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی اَنْ نُّصَلِّیَ عَلَیْہِ ہمچنان بر سر مصلی
نشستہ باشد کہ جمال جہان افروز سید عالم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم
در واقعہ ظہور تجلی خواہد کرد - از ہمین کتاب دیگر از کتاب
عزایم و تسخیرات وغیرہ - ترتیب خواندن درود کہ بطریق
سیدنا ... علیہ الرحمۃ منقول است باید کہ بعد عشا

وضو جدید کرده و رو بقبله ایستاده شده متوجه در جمال مبارک
صلی الله علیه وآله وسلم شود گویا که در حضور صلی الله علیه وآله وسلم
دامن دولت و رحمت در دست نیاز خود گرفته میخواند
درود اقدس واشرف اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِنِ الْاُمِّیِّ
وَآلِهٖ بِعَدَدِ كُلِّ مَعْلُوْمٍ لَّكَ اول یازده مرتبه اَلصَّلوٰةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ گوید و بعد در خواندن درود شریف
مشغول شود و خوشبو لازم گیرد و هر قدر که خواند بعدد
و تعداد بخواند و بعد اتمام درود موصوفه یازده بار
اَلصَّلوٰةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ گوید و بعد آن
هفتاد و یکمرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ
بخواند بعده فاتحه خوانده سر سجده نهاده تصور کند گویا
که بر قدم مبارک سر نهاده ام و دعای حاجت خود خواند بفضل
الهی و توجه حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم
بمقصود خویش برسد طریق دیگر برائی زیارت پر بشارت
رسول مقبول صلی الله علیه وآله وسلم بعد نماز عشا غسل کند
واگر نتواند وضوئی جدید کرده دوگانه تحیت الوضو ادا
نماید بعده دو رکعت نماز نفل تحفه بروح رسالت مآب
سرور کائنات مفخر موجودات علیه افضل الصلوة و
اکمل التحیات گ[illegible] هر چه از قرآن مجید داند بخواند بعد
از آن فاتحه [illegible] بر[illegible] صلی الله علیه [illegible]
[illegible]

یا یکصد مرتبه یا ارحم الراحمین بخواند و بعد ازین اول و آخر
درود صلوٰۃ التنجینا ہفت ہفت بار و درمیان یا اللہ
یا مغنی یکہزار و یکصد مرتبہ بخواند بعد ازین تا وقت خواب
درود دیگر مذکور خواند شد میخوانده باشد و خوانده خوانده در خواب
رود و جمیع شرایط نگاہدارد و خوشبو لازم گیرد کہ بسوزاند و
ہمانجا بخواب رود و ابتدا بروز چہارشنبہ کند در ماہ
اول تا بروز جمعہ و تا صبح سخن بکس نگوید و قبل شروع حسب
مقدور چیزی طعام بہ محتاجان بخوراند انشاء اللہ بشرف
بشرف زیارت پر بشارت سید انام علیہ الصلوٰۃ والسلام
مشرف خواہد گردید اگر مرد شاغل است بعد این وظیفہ در شغل
مشغول باشد و گرنہ این درود بخواند تا وقتیکہ خواب در چشم
نیاید درود موصوف اینست بسم اللہ الرحمن الرحیم اللّٰھُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدِنِ الْمُصْطَفٰی وَاٰلِہِ الْمُجْتَبٰی بِعَدَدِ اَسْمَائِکَ الْحُسْنٰی
لَا تُعَدُّ وَلَا تُحْصٰی اَللّٰھُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا حَبِیْبَکَ مُعَایِنًا
بِعَیْنِیْ کَمَا جَعَلْتَہٗ فِیْ قَلْبِیْ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ تَعَالٰی عَلَیْکَ
نَوِّرْ وَشَرِّفْ عَیْنِیْ بِمَنَامِکَ دُرُوْیَتِکَ کَمَا نَوَّرْتَ
وَشَرَّفْتَ قَلْبِیْ بِمُشَاہَدَتِکَ فَاِنِّیْ مُشْتَاقٌ اِلَیْکَ
یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَاَصْحَابِہٖ اَجْمَعِیْنَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
- این عمل از کتاب عزایم و تسخیرات وغیرہ نوشتہ
شد دیگر ہر کہ دو رکعت نماز بعد از نماز عشاء بگذارد
و در اول رکعت بعد از فاتحہ آیۃ الکرسی یکبار و سورہ اخلاص

پانزده بار درود هم همین سوره قرائت نماید بعد ازان
این درود هزار بار گوید اللهم صل علی محمد عبدک و حبیبک و رسولک
النبی الامی و علی اله و بارک وسلم و همدران خواب ازان سرور
کائنات مفخر موجودات صلی الله علیه وسلم خواهد بیاید
از سرخفی قسم چهارم دعاهای و اشغال و اوراد و مراقبات
که در باب زیارت فیض بشارت رسول اکرم صلی الله
علیه وسلم تجربهٔ بزرگان دین و ارباب صدق و یقین
رسیده و همای فرحی و سعادت انتهای جمال با کمال
سایهٔ دولت و رحمت بر مفارق ایشان گسترده
برای دیدار آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
گفته اند هرکه اراده کند که بیند رسول الله صلی الله
تعالی علیه و آله وسلم را در خواب پس بخواند قبل
از نماز عشا دو رکعت و بخواند در هر رکعت بعد
فاتحه سورهٔ اخلاص سه بار پس هرگاه بخواند نماز
عشا نکند کلام با کسی و بخواند دو رکعت نماز بخواند
در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله هفت بار و درود خواند بر
نبی صلی الله علیه وسلم هفت بار پس هرگاه سجده کند استغفر الله
ربی من کل ذنب و اتوب الیه هفت بار و صلوة فرستد
بر رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله وسلم هفت بار و بگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم هفت بار

پس بنشیند و بلند کند هر دو دست خود را و بگوید یا حی یا قیوم یا ذوالجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما یا اله الاولین والاخرین یا رب یا رب یا رب یا الله یا الله یا الله برای دیدار فیض آثار سید ابرار احمد مختار صلی الله علیه وسلم و دیگر از اولیای کرام و اموات انام هر کرا که دل خواهد پس هرگاه اراده کنی که بینی رسول الله علیه السلام یا کسی از اولیای کرام را پس هر چند بهتر از مخرج رنج و تعبی که در آن دست و پا میزنی پس وضو کن و بپوش لباس طاهره و خواب کن مستقبل قبله بر دست راست خویش و بخوان والشمس وضحها سبع مرات واللیل اذا یغشی هفت بار و قل هو الله احد هفت بار باز بخوان اللهم ارنی فی منامی کذا و کذا وافعل لی من امری فرجا و مخرجا وارنی فی منامی ما استدل به علی اجابة دعوتی پس بتحقیق خواهی دید در اول شب یا در شب ثانی یا در شب ثالث چیزی را که طالب میکنی و این از اسرار مخزونه است منقول از ثقات رحمهم الله از مائة العوامل دیگر کسی خواهد که با حضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم و اصحابه و جمیع ارواح ملاقات کند باید که بیرون شهر رفته بکناره آب غسل کند بعده سر برهنه دو رکعت نماز وضو بگذارد بعد ازان دو رکعت دیگر صلوة الوداع گذارد در اول رکعت بعد فاتحه بست و یکبار سوره اخلاص و در ثانی بست و یکبار معوذتین بخواند بعد سلام سر بسجده نهد و سه بار

أغثني أغثني بگوید بعد از آن این اسم را هفت هزار کرت بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله لا قوة الا بالله و وقتیکه
این مرتبه تمام شود روی سوی آسمان کند ایستاده شده و سه
گام راست و چپ برود آمار و از قبله نگرداند و حضرت مصطفی صلی الله
علیه و آله و سلم را در ملاحظه آرد تا آنکه خود معدوم شود و بعده چشم
را بگشاید انوار حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
را و جمله اصحاب رضی الله عنهم در نظر جلوه خواهند ساخت هر
حاجتی که باشد عرض کند ساخته گردد و این عمل فقیر
است و بعده این مناجات بخواند الهی آنچه بد کردم ندانستم
خطا کردم عفو فرما بحق لا اله الا الله محمد رسول الله از جواهر
دیگر [illegible] بک مددی و علیک معتمدی اغثنی بمحمد
و عترته الطاهرین جهت رویت صلی الله علیه و آله و سلم
تا هفت شب هر شب دو هزار بار بخوانند از مخزن الدعوات
دیگر از ابراهیم تیمی نقل می آرند که گفت که پرسیدم از خضر
علیه السلام که مرا چیزی تعلیم کن که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
را در خواب ببینم گفت اگر آرزوی دیدن جمال جهان آرای
میداری باید که بعد از مغرب تا نماز عشا سخن با کسی مگو
و بنماز مشغول شو چون وقت عشا بود وضو جدید کرده
دوگانه تحیة الوضو بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه
سوره اخلاص هفت بار پس نماز عشا با جماعت بخوان
و سخن با هیچکس مگو و بخانه خویش برو و نماز وتر بخوان

بخوان باز در وقت خواب دو رکعت نماز به نیت استخارا
بگذارد و بخوان در هر رکعت بعد سوره فاتحه سوره اخلاص هفت بار
بعد سلام در سجده رود و استغفار بگو و دران سجده سُبْحَانَ
اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيْمِ هفت بار بخوان بعده سر از سجده بردارد و برابر بنشین
و دست بردار یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ یَا اِلٰهَ الْاَوَّلِیْنَ وَ
الْاٰخِرِیْنَ وَرَحِیْمَهُمَا یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا اَللهُ بعده بر
خیزد در قیام دعای مذکور بخوان سه بار یا پنج بار یا هفت بار باز
در سجده رود و دعای مذکور بخوان و مستقبل قبله خواب کن
و درود گویان در خواب رود ابراهیم گفت از که آموختی خضر
علیه السلام گفت از پیغمبر علیه الصلوة والسلام ابراهیم گفت
ثواب این نماز بیان کن گفت وقتیکه پیغمبر علیه السلام را در
بالین خواهی پرسید ابراهیم میگوید من این عمل کردم و امیدوار
لقای مبارک بودم تا صباح شب عزم نمودم شب آینده نیز
عمل کنم درین فکر بودم که وقت ارتفاع نهار مرا خواب در ربود جماعه
فرشتگان دیدم که مرا به بهشت بردند پس دیدم قصرها از یاقوت
و زمرد و مروارید و جویهای از شیر و شراب در یک قصر وی
حوری دیدم که روی او درخشان تر از آفتاب بود و گیسوی
او تا زمین افتاده پرسیدم که این قصر و حور و فرشتگان از کیست
گفت هر که این عمل کند میوه و شراب بهشت خوردم فرشتگان
مرا بمحلی رسانیدند که جمال جهان آرای پیغمبر صاحب صلی الله

علیه و آله وسلم را دیدم و همراه آنحضرت صلی الله علیه وسلم
هفتاد نبی علیهم السلام بودند و هفتاد هزار از فرشتگان بودند
سلام کردم پیغمبر علیه السلام دست من گرفت پرسیدم
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم خضر از شما نقل چنین نما
فرمود فرمود که راست گفته است چرا که او عالم اهل زمین است از زبیس
الابرار کامل الیقین از کتاب عزائم و اوراد و تسخیرات نوشته شد
دیگر هر که نوشت اسم محمد رسول الله و احمد رسول الله سی
پنج بار و نظر کرد وقت طلوع شمس بطرف آن و صلوة و درود
فرستاد بشارت است برسول صلی الله علیه وسلم خواهد دید یا
رسول کائنات علیه التحیة والتسلیمات را در منام از مجموعه
اوراد غوثیه دیگر در روز پنجشنبه روزه دارد و در شب
جمعه وضوی جدید کند و تحیت وضو بگذارد و در بستر ها
خواب رود و بر پهلوی راست خسپد و این اسما را
تکرار بکند حضرت رسالت پناه صلی الله تعالی
علیه و آله وسلم را در خواب ببیند اسمای مکرم این است
یا کریم و العفو ذی العدل انت الذی ملأ کل شیء
بعدله از کتاب مصنفه منامس حسین خان نقل
شد دعای سیفی هر که خواهد است که
ببینم نبی علیه السلام را و یا یکی از انبیای
کرام علیهم السلام را یا یکی از اقارب خویش
یا یکی از اولیای امی فرخنده کیش را پس بخواند چهل

ویکبار دعای حرز یمانی را پس خواهد دید در منام
مطلوب مرغوب خویش را و دعای حرز یمانی
این است بسم الله الرحمن الرحیم والصلوة
والسلام علی سید المرسلین محمد و آله اجمعین
اللهم انت الله الملک الحق المبین الذی لا اله الا انت
ربی وانا عبدک عملت سوءً وظلمت نفسی واعترفت
بذنبی فاغفر لی ذنوبی کلها فانه لا یغفر الذنوب الا انت یا ربّا
یا غفور یا شکور یا حلیم یا رحیم یا کریم اللهم انی
احمدک وانت للحمد اهل علی ما خصصتنی به من
مواهب الرغائب واوصلت الی من فضائل الصنائع
واولیتنی به من احسانک وبوأتنی به من احسانک
ولوأتنی به من مظنة الصدق وانلتنی من منک الواصلة
الی واحسنت الی من دفاع البلیة عنی التوفیق
لی والاجابة لدعائی حین انادیک داعیا
واناجیک راغبا وادعوک ضارعا مضارعا
مصافیا وحین ارجوک راجیا فاجدک
فی المواطن کلها لی جابرا وحاضرا حفیا
بارا وفی الامور کلها ناصرا ونصیرا وناظرا
وللخطایا وللذنوب غافرا وللعیوب
ساترا لم اعدم احسانک وعونک وبرک
وخیرک فی طرفة عین منذ انزلتنی دار الاختیار

والفكر والاعتبار لتنظر الى فيما اقدم ثم اليك اذا العلل
فانا عتيقك يا مولاي من جميع المضار والمضال
والمصائب والنوائب والمعائب واللوازب
واللوازم والهموم التي قد ساورتني فيها الغموم
بمعاريض اصناف البلاء وضروب جهد
القضاء لا اذكر منك الا الجميل ولم
ار منك الا التفضيل خيرك لي شامل
وصنعك لي كامل ولطفك كافل وفضلك
علي متواتر ونعمك عندي متصلة لم تخفر جواري
وصدقت رجائي وصاحبت اسفاري
واكرمت احضاري وشفيت امراضي
وعافيت منقلبي ومثواي ولم تشمت
بي اعدائي ورميت من رماني بسوء وكفيتني شر من
عاداني فحمدي لك واصب وثنائي عليك متواتر
دائم من الدهر الى الدهر بالوان التسبيح لك خالصا
لذكرك ومرضيا لك بناصع التوحيد واخلاص التفريد و
امحاض التمجيد بطول التعبد والتعديد لم تعن في قدرتك
ولم تشارك في الهيتك ولم تعلم لك مائية فتكون
للاشياء المختلفة مجانسا ولم تعاين اذ حبست
الاشياء على العزائم المختلفات ولا خرقت الاوهام
حجب الغيوب اليك فاعتقد منك محدودا في عظمتك

لا يبلغك بعد الهمم ولا ينالك غوص الفطن ولا ينتهي إليك
بصر ناظر في مجد جبروتك ارتفعت عن صفة المخلوقين
ذلك وصفات قدرتك وعلى عن ذكر الذاكرين كبرياء
عظمتك فلا ينتقص ما أردت أن يزداد ولا يزداد ما أردت أن ينتقص
ولا ضد شهدك حين فطرت الخلق ولا ند حضرك
حين برأت النفوس كلت الألسن عن تفسير صفتك و
انحسرت العقول عن كنه معرفتك وكيف توصف وعن كنه صفتك
حارت وأنت الله الملك الجبار القدوس الذي لم
تزل أزليا أبديا سرمديا دائما في غيب الغيوب
وحدك لا شريك لك ليس فيها أحد غيرك
ولم يكن لها إله سواك حارت في بحار ملكوتك
عميقات مذاهب التفكر وتواضعت الملوك لهيبتك
وعنت الوجوه بذلة الاستكانة لعزتك وانقاد
كل شيء لعظمتك واستسلم كل شيء لقدرتك
ولربوبيتك وخضعت لك الرقاب وكل دون ذلك
تحبير اللغات وضل هنالك التدبير في تصاريف
الصفات فمن تفكر في ذلك رجع طرفه إليه حسيرا
وعقله مبهوتا وتفكره متحيرا اللهم لك الحمد حمدا
دائما كثيرا متواليا متواترا متسقا متسعا مستوسقا
يدوم ولا يبيد غير مفقود في الملكوت ولا مطموس
في العالم ولا منتقص في العرفان فلك الحمد على مكارمك

الّتي لا تحصى في الليل اذا ادبر والصبح اذا اسفر وفي البرّ والبحار والغدوّ
والآصال والعشيّ والابكار والظهيرة والاسحار وفي كلّ
جزء من اجزاء الليل والنهار اللهمّ بتوفيقك قد خصصـ
تني النجاة وجعلتني منك في ولاية العصمة فلم ابرح
منك في سبوغ نعمائك وتتابع آلائك محروسا لك
في الردّ والامتناع محفوظا لك في المنعة والدفاع عنّي ولم تكلّفني
فوق طاقتي ولم ترض عنّي الّا طاعتي فانّك انت الله الّذي
لا اله الّا انت لم تغب ولا تغيب عنك غائبة ولا تخفى عليك
خافية ولن تضلّ عنك في ظلم الخفيّات ضالّة انّما
امرك اذا اردت شيئا ان تقول له كن فيكون اللهمّ
لك الحمد حمدا مثل ما حمدت به نفسك وحمدك به
الحامدون ووحّدك به الموحّدون ومجّدك به الممجّدون
وكبّرك به المكبّرون وهلّلك به المهلّلون وعظّمك
به المعظّمون وسبّحك به المسبّحون وقدّسك به المقدّسون
حتّى يكون لك منّي وحدي في كلّ طرفة عين واقلّ من
ذلك مثل حمد جميع الحامدين وتوحيد اصناف
الموحّدين والمخلصين وتقديس اجناس العارفين و
ثناء جميع المهلّلين والمصلّين والمسبّحين ومثل ما انت به
ربّ عالم عارف وهو محمود ومحبوب ومحجوب
من جميع خلقك كلّهم من الحيوانات والبرايا والانام
وارغب اليك في بركة ما انطقتني به من حمدك فما

اليسر ما كلفتني به من حقك وأعظم ما وعدتني به على
شكرك ابتدأتني بالنعم فضلا وطولا وأمرتني
بالشكر حقا وعدلا ووعدتني عليه أضعافا ومزيدا وأعطيتني
من رزقك واسعا وافر الكثير اختيارا ورضا
وسألتني منه شكرا يسيرا صغيرا إذ نجيتني
وعافيتني من جهد البلاء ولم تسلمني بسوء
قضائك وبلائك وجعلت ملبسي العافية
وأوليتني البسطة والرخاء وسوغت لي اليسر
القصد وضاعفت لي الشرف الفضل مع ما وعد
تني به من المحجة الشريفة وبشرتني به من الدرجة الرفيعة
واصطفيتني بأعظم النبيين دعوة وأفضلهم لنا شفاعة و
أوضحهم حجة وأقربهم منزلة محمد صلى الله عليه وسلم
وعلى جميع الأنبياء والمرسلين اللهم اغفر لي
ما لا يسعه إلا مغفرتك ولا يمحقه إلا عفوك ولا يكفره
إلا تجاوزك وفضلك وهب لي في يومي هذا وليلتي
هذه وشهري هذا وسنتي هذه يقينا صادقا يهون
علي مصائب الدنيا والآخرة وأحزانهما
ويشوقني إليك ويرغبني فيما عندك واكتب لي
عندك المغفرة وبلغني الكرامة من عندك وأوزعني
شكر ما أنعمت به علي فإنك أنت الله الواحد
الأحد المبدئ الرفيع البديع السميع العليم الذي

لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ
فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ
عَلَى الرُّشْدِ وَالشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ وَمَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ
وَغَدْرِ كُلِّ غَادِرٍ وَكَيْدِ كُلِّ كَائِدٍ وَشَمَاتَةِ كُلِّ كَاشِحٍ وَبِكَ
أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وِلَايَةَ الْأَحِبَّاءِ وَالْقُرَنَاءِ
فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ وَلَا تَعْدِيدَهُ
مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ وَعَوَارِفِ رِزْقِكَ وَأَلْوَانِ مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ
مِنْ إِرْفَادِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ
الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي
سُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمُلْكِكَ وَأَمْرِكَ تَمْلِكُ
مِنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ وَلَا يَمْلِكُونَ مِنْكَ إِلَّا مَا تُرِيدُ اللّٰهُمَّ
إِنَّكَ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقْتَدِرُ
الْقُدُّوسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّيْتَ بِالْعِزَّةِ وَالْعَلَاءِ
وَتَأَزَّرْتَ بِالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَتَغَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالضِّيَاءِ
وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالْبَهَاءِ لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ
وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْمُلْكُ الْبَاذِخُ وَالْجُودُ الْوَاسِعُ
وَالْقُدْرَةُ الْكَامِلَةُ الْبَالِغَةُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَعَلْتَنِي
مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ أَفْضَلُ

بني آدم الذين كرمتهم وحملتهم في البر والبحر ورزقتهم
من الطيبات وفضلتهم على كثير ممن خلقتهم من أهلها
تفضيلا فخلقتني سميعا بصيرا صحيحا سويا
سالما معافا فاكفيتني ولم تشغلني بنقصان في بدني
ولم تمنعني كرامتك اياي وحسن صنيعتك عندي وفضل
هنائك الذي ونعمائك علي أنت الله الذي أوسعت
علي في الدنيا رزقا واسعا وفضلتني على كثير
من خلقك تفضيلا فجعلت لي سمعا يسمع آياتك
وعقلا يفهم ايمانك وبصرا يرى قدرتك و
فؤادا يعرف عظمتك وقلبا يعتقد توحيدك فاني
لفضلك علي حامد [illegible] ذلك بنفس شاكرة
وبحقك شاهدة فانك حي قبل كل حي
وحي بعد كل حي وحي بعد كل ميت وحي لم ترث الحيوة
من حي ولم تقطع خيرك عني في كل وقت ولم تنزل
بي عقوبات النقم ولم تمنع عني دقائق العصم ولم تغير
علي وثائق النعم فلو لم اذكر من احسانك الا عفوك
عني والتوفيق لي والاجابة لدعائي حين رفعت
صوتي بتوحيدك وتمجيدك وتحميدك والا في تقديرك
خلقي حين صورتني فاحسنت [illegible] الا في قسمة
الارزاق [illegible] لكان في ذلك ما يشغل
شكري عن [illegible] تمجيدك اذ فكرت في النعم

العظام التي انقلب فيها ولا ابلغ شكر شيء
منها فلك الحمد عدد ما حفظه علمك وعدد ما وسعته
رحمتك وعدد ما احاطت به قدرتك واضعاف ما تستوجبه
من خلقك اللهم فتمم احسانك الي فيما بقي من عمري كما
احسنت الي فيما مضى منه اللهم اني اسألك واتوسل
اليك بتوحيدك وتمجيدك وتهليلك وكبريائك و
كمالك وتكبيرك وتعظيمك ونورك ورأفتك ورحمتك وعلوك
ووفائك ومنك وبهائك وجمالك وجلالك و
سلطانك وقدرتك واحسانك وامتنانك
ورحمتك ونبيك وعترته الطيبين الطاهرين ان تصلي
على محمد وعلى سائر اخوانه من الانبياء والمرسلين
وان لا تحرمني رفدك وفضلك وجمالك وجلالك وفوائد
كراماتك والنظر الى وجهك والشوق الى لقائك فانه
لا يعتريك لكثرة ما قد نشرت من العطايا عوائق
البخل ولا ينقص جودك التقصير في شكر نعمتك
ولا تنفد خزائنك مواهبك المتسعة ولا يؤثر في جودك
العظيم منحك الفائقة الجميلة الجليلة ولا تخاف ضيم املاق
فتكدي ولا يلحقك خوف عدم فينقص من جودك
فيض فضلك اللهم ارزقني قلبا خاشعا خاضعا
ضارعا وبدنا صابرا ويقينا صادقا ولسانا ذاكرا وحامدا
وعينا باكية ورزقا واسعا وعلما نافعا وفهما ذكيا

ووَلَداً صالحاً وسنّاً طويلاً وعملاً صالحاً وتوبةً متقبّلاً
واسئلك رزقاً واسعاً حلالاً طيّباً ولا تؤمنّي مكرك
ولا تنسني ذكرك ولا تكشف عنّي سترك ولا تقنطني
من رحمتك ولا تبعّدني من كنفك وجوارك واعذني
من سخطك وغضبك ولا تؤيسني من رحمتك وروحك
وكن لي انيساً من كلّ روعةٍ ووحشةٍ وجليساً
في كلّ واحدةٍ واعصمني من كلّ هلكةٍ ونجّني من كلّ
بليّةٍ وآفةٍ وعاهةٍ وغصّةٍ ومحنةٍ وشدّةٍ في الدارين
انّك لا تخلف الميعاد اللّهمّ ولا تضعني وارفعني ولا [illegible]
واعطني ولا تحرمني واكرمني ولا تهنّي وزدني ولا تنقصني و
ارحمني ولا تعذّبني وانصرني ولا تخذلني واستر لي ولا تفضحني
وآثرني ولا تؤثر عليّ واحفظني ولا تضيّعني فانّك
على كلّ شيءٍ قديرٌ وصلّى اللّه على خير خلقه محمّدٍ وآله اجمعين
يا ذا الجلال والاكرام اللّهمّ ما قدّرت لي من امرٍ وشرعت
فيه بتوفيقك وتيسيرك فتمّمه لي باحسن الوجوه كلّها
واصلحها واصوبها فانّك على ما تشاء قديرٌ وبالاجابة
جديرٌ يا من قامت السموات والارضون بامره يا من
يمسك السماء ان تقع على الارض الّا باذنه يا من
امره اذا اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون فسبحان
الّذي بيده ملكوت كلّ شيءٍ واليه ترجعون وصلّى
اللّه على سيّدنا محمّدٍ وآله الطيّبين الطاهرين وسلّم

تسلیماً کثیراً کثیرا یا ارحم الراحمین و یا خیر الناصرین
از مجموعه دعای سیفی و چهل اسما و غیره نوشته شد
از شیخ نصیر الحق والدین محمود اللہ دہنی چراغ دہلی
قدس سره هر که بعد از ادای نماز خفتن چهار رکعت
بگذارد بدو سلام و بعد فاتحه سوره والضحی و الم نشرح
و انا انزلنا و اذا زلزلت الارض یکان یکان بار بخواند
و بعد از سلام هفتاد بار درود شریف بخواند و هفتاد
بار استغفر الله و با طهارت در جای پاک خسپد
سید عالم صلی الله علیه وسلم را در خواب ببیند
از سر خفی دیگر از همین کتاب هر که غسل فرماید و
و پوشاک لطیف لباس تن نماید و دو رکعت بگذارد
و این اسما را زیر سر دارد رسول اکرم نبی معظم صلی الله
علیه وسلم را در خواب ببیند اسما اینست تمیلیط
سطیح سطیح دیگر از همین کتاب اگر کسی
مشتاق دیدار شریف و رویت لطیف رسول کریم
علیه التحیة والتسلیم شود باید که در شب جمعه دو
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد سوره فاتحه
سوره اخلاص سه بار بخواند و این دعای متبرکه را
هفت نوبت بخواند و اگر خواندن نتواند در زیر بالین
خود نهد و در خواب رود آنحضرت صلی الله علیه
و آله وسلم را در خواب ببیند و هر حاجتی که خواهد بیابد

بسم اللہ الرحمن الرحیم ۰ اللہ اللہ الرحمن الرحیم اللہ
اللہ العزیز الحکیم اللہ اللہ الرحیم الحلیم اللہ اللہ السمیع
العلیم اللہ اللہ العلی العظیم اللہ اللہ الملک القدوس اللہ
اللہ الغنی الحمید اللہ اللہ الغفور الودود اللہ اللہ الشکور الحلیم
اللہ اللہ الاحد الصمد اللہ اللہ اللطیف الخبیر اللہ اللہ الاحد الموحد
اللہ اللہ الملک الحی اللہ اللہ الواحد القہار اللہ اللہ العلیم
القدوس اللہ اللہ الکبیر الاکبر اللہ اللہ القادر الوہاب اللہ
اللہ الحق المبین اللہ اللہ الکریم المتعال اللہ اللہ الاول الاخر اللہ
اللہ الظاہر الباطن اللہ اللہ الملک القدوس الرؤف اللہ اللہ
المؤمن المہیمن اللہ اللہ الرؤف الرحیم اللہ اللہ الرقیب المجیب
اللہ اللہ الخالق الخلاق اللہ اللہ المبدی المعید اللہ اللہ الحکیم
العلیم اللہ اللہ الشاہد الشہید اللہ اللہ الولی الوکیل اللہ
اللہ القابض الکریم اللہ اللہ الناصر النصیر اللہ اللہ القوی المبین
اللہ اللہ القابض الباسط اللہ اللہ الحنان المنان اللہ محمد الرسول
اللہ صلی اللہ تعالی علی خیر خلقہ محمد و آلہ و اصحابہ اجمعین
برحمتک یا ارحم الراحمین از کتاب مذکور دیگر در ملفوظ
حضرت علوی قدس سرہ ہرگاہ خواہی کہ بینی
آن دولت بیدار یعنی سید الابرار احمد مختار را
صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب پس بعد نماز
مغرب غسل کن و بخوان دو رکعت نماز نفل
و بخوان در ہر رکعت بعد سورہ فاتحہ سورہ اخلاص سہ بار

وہمچنین بعد نماز عشا و قبل از وتر دو رکعت بخوان در ہر رکعت بعد فاتحہ سورہ اخلاص ہفت بار و درود بر نبی صلی اللہ علیہ وسلم ہفت بار و تسبیح ہفت بار پس ہرگاہ سلام دہی و از نماز فارغ شوی بنشین بر مکان خود و بلند کن ہر دو دست خود را و بگو یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا ذُوالْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ یَا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَۃِ وَرَحِیْمَھُمَا یَا اِلٰہَ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ یَا رَبُّ یَا رَبُّ یَا اَللّٰہُ پس ہرگاہ کردی این چنین رجوع ساز بطرف مکان خویش و پاک دار مکان خود را و دست راست خود زیر رخسارہ خود داشتہ درود گویان بخواب رو خواہی دید روی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب چون ماہ تمام در غمام و این نماز آموختہ خضر علیہ السلام است یا ابسعد تمی گفت گفت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ہرگاہ ارادہ کنی لقای مرا در خواب بخوان این صلوٰۃ خواہی دید مرا در خواب **ایضاً** از کتاب مذکور ہر کہ دو رکعت نماز گذارد در ہر رکعت بعد از فاتحہ اٰمن الرسول تا آخر سورہ و اخلاص ہزار نوبت بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَۃِ وَقَھَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ فَاٰمَنَّا بِاللّٰہِ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّۃَ اِلَّا بِاللّٰہِ ہر شب این وظیفہ بخواند و اگر نتواند شب جمعہ لازم کند بہ جمال سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم سرفرازی یابد **دیگر** از کتاب مذکور ہر کہ حرف ج ہر شب ہزار بار بخواند بعد از ہفت شب حضرت رسالت صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب بیند **ایضاً** حرف میم اگر صد بار در وقت نماز جمعہ بخواند در شب جمال محمدی صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب بیند **ایضاً** حرف نون در روز جمعہ وقت نماز چہار صد بار بخواند نبی حرمین رسول الثقلین امام القبلتین را در خواب معائنہ نماید از کتاب مذکور **دیگر**

هرکه چهل و یکبار این دعا خوانده بخواب رود سید عالم صلی الله علیه وسلم را در خواب
بیند دعا اینست یَا نُوْرَ النُّوْرِ وَیَا مُدَبِّرَ الْاُمُوْرِ بَلِّغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ وَّ
اَرْوَاحِ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ صَحْبِهٖ تَحِیَّةً وَّسَلَامًا **دیگر** هرکه این حروف را بنویسد
و بزیر سر نهد بشرط آنکه با طهارت بخسپد خواجه عالم صلی الله علیه وسلم را در خواب
بیند بامر الله تعالی لیح مصطح عملوا صلح و سلسلح مسطفح از همین کتاب
ایضا هرکه خواهد که جمال خواجهٔ عالم سرور بنی آدم صلی الله علیه وسلم را
در خواب به بینم باید که این کلمات را بسیار گوید اَللّٰهُمَّ یَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ
وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالرُّکْنِ وَالْمَقَامِ اِقْرَءْ عَلٰی رُوْحِ مُحَمَّدِنِ السَّلَامِ
ایضا هرکه این دعا بدین قواعد که نوشته میشود بخواند البته در سه شنبه شب
چهار شنبه و شب پنجشنبه و شب جمعه در یکے ازین شبها بدیدار سرور کائنات
سر دفتر موجودات محمد صلی الله علیه وسلم مشرف گردد قواعد خواندنش اینست
که بوقت خفتن بعد از فراغ کار فاتحه بروح سلطان نظام الدین اولیا
قدس الله تعالی روحه العزیز بخواند بعد ازان سه بار درود خواند و دعا شروع کند
و هفت بار بخواند بعد ازان سه بار درود خوانده رو بسوی قبله نموده و سر بجانب
قطب ساخته بخوابد بجمال باکمال محمدی صلی الله علیه وسلم مشرف شود **دیگر**
از همین نسخه برائے حصول دولت مشاهده محمدی صلی الله علیه وسلم بدین
طریق پاس انفاس نماید اَرِنِیْ بِجَمَالِكَ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ از همین کتاب
دیگر اگر حرف میم متواتر هر شب هزار بار بخواند با جمال باکمال محمد صلی الله
علیه وسلم مشرف شود و بجمال هر پیغمبر که اراده داشته باشد در خواب بیند
از همین کتاب دیگر هرکه در شب جمعه بعد از نماز خفتن هزار بار اَلْمُسْتَغَاثُ بِكَ
یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ بخواند بجمال باکمال آنحضرت صلی الله علیه وسلم مشرف و ممتاز گردد

همین نسخه از کتاب مذکور اگر کسے خواهد که خواجه عالم صلی الله علیه وسلم را
در خواب بیند در شب جمعه تا سه روز این اسم شریف را دو صد مرتبه بخواند
اَللّٰهُمَّ یَا لَطِیْفُ حضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب خواهد دید و دیگر از
همین کتاب هر که نود و نه نام رسول انام علیه الصلوة والسلام را ملازم باشد
آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب بیند و بشارت یابد و هر مشکلے و مهمے
آسان شود و مستجاب الدعوات گردد و جمیع مقاصد او بر آید و فراخی رزق
نصیب شود و ترقی درجات محصل آید نود و نه نام اینست مُحَمَّدٌ اَحْمَدُ حَامِدٌ
مَحْمُوْدٌ قَاسِمٌ عَاقِبٌ خَاتِمٌ حَاشِرٌ مَاحِیٌّ سِرَاجٌ مُنِیْرٌ بَشِیْرٌ نَذِیْرٌ
دَاعِیٌّ هَادِی مَهْدِیٌّ رَسُوْلٌ نَبِیٌّ طٰهٰ یٰسٓ مُزَّمِّلٌ مُدَّثِّرٌ
صَفِیٌّ خَلِیْلٌ کَلِیْمٌ حَبِیْبٌ مُصْطَفٰی مُرْتَضٰی مُجْتَبٰی مُخْتَارٌ
نَاصِرٌ قَائِمٌ حَافِظٌ شَهِیْدٌ عَادِلٌ حَلِیْمٌ نُوْرٌ مُجِیْبٌ بُرْهَانٌ
بَیَانٌ مُؤْمِنٌ مُطِیْعٌ مُذَکِّرٌ وَاعِظٌ اَمِیْنٌ صَادِقٌ نَاطِقٌ
مَکِّیٌّ مَدَنِیٌّ اَبْطَحِیٌّ عَرَبِیٌّ هَاشِمِیٌّ تِهَامِیٌّ قُرَشِیٌّ حِجَازِیٌّ مِصْرِیٌّ
اُمِّیٌّ عَزِیْزٌ حَرِیْصٌ مُتَرَبِّصٌ رَءُوْفٌ رَحِیْمٌ یَتِیْمٌ غَنِیٌّ جَوَادٌ فَتَّاحٌ
عَالِمٌ طَیِّبٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ خَطِیْبٌ فَصِیْحٌ سَیِّدٌ مُقْتَفِیٌّ اِمَامٌ
بَارٌّ شَافٍ مُتَوَسِّطٌ سَابِقٌ مُقْتَصِدٌ حَقٌّ مُبِیْنٌ اَوَّلٌ اٰخِرٌ ظَاهِرٌ
بَاطِنٌ رَحْمَةٌ شَفِیْعٌ مُحَلِّلٌ مُحَرِّمٌ اٰمِرٌ نَاهِیٌّ شَکُوْرٌ قَرِیْبٌ مُصِیْبٌ
مُبَلِّغٌ مَهْدِیٌّ طٰسٓ حٰمٓ حُجَّةٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهٖ مُحَمَّدٍ
وَّاٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ اَجْمَعِیْنَ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا کَثِیْرًا کَثِیْرًا بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ
الرّٰحِمِیْنَ دیگر اگر کسے خواهد که حضرت نبی صلی الله علیه وسلم را در خواب
بیند و دعاے او مستجاب شود باید که این هفت قفل را با وضوی کامل بخواند

بطریق سنت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب بیند و بروایتے در ماہ شعبان المعظم ہر شب بے ناغہ بخواند پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب بیند این ہفت قفل را مداومت در ہر محل نمودہ باشد ہفت قفل اینست بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ السمیع البصیر الذی لیس کمثلہ شئ وھو بکل شئ علیم قفل دوم بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ السمیع العلیم الذی لیس کمثلہ شئ وھو الفتاح العلیم قفل سوم بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ السمیع العلیم الذی لیس کمثلہ شئ وھو العلیم الخبیر قفل چہارم بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ السمیع البصیر الذی لیس کمثلہ شئ وھو الغنی الحمید قفل پنجم بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ العزیز الکریم الذی لیس کمثلہ شئ وھو العزیز الکریم قفل ششم بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ الرشید البصیر الذی لیس کمثلہ شئ وھو العزیز الستار قفل ہفتم بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ العزیز الرحیم الذی لیس کمثلہ شئ وھو العزیز الغفور فاللہ خیر حافظا وھو ارحم الراحمین از ہمین کتاب ہر کہ این دعا را بخواند بدین قواعد کہ نوشتہ میشود البتہ در سہ شب شب چہارشنبہ و پنجشنبہ و جمعہ در یکے ازین شبہا بدیدار فیض آثار سرور کائنات سردفتر موجودات احمد مجتبی محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم مشرف گردد قواعد خواندنش اینست کہ بوقت خفتن بعد از فراغ کار فاتحہ بروح سلطان المشائخ نظام الدین اولیا رحمۃ اللہ علیہ بخواند بعد ازان سہ بار درود و دعائیکہ مرقوم میشود بخواند و بعد ازان سہ بار درود شریف خواندہ قبلہ رو بخوابد انشاء اللہ تعالی بدیدار فائض الانوار خواجہ کائنات علیہ افضل الصلوۃ واکمل التحیۃ مشرف شود از ہمین

کتاب **ترکیب دیگر این دعا** هر کہ این دعا را صد بار در ہر شب جمعہ
لازم گیرد بہ جمال جہان آرای سید عالم صلی اللہ علیہ وسلم بیشک و شبہ مشرف
شود اما نخستین باید کہ توبہ کند و استغفار نماید بعدہ این دعا بخواند بسم اللہ
الرحمن الرحیم یا من یعز و یذل یا من یضع و یرفع یا من ھو یعطی
و یمنع یا من ھو یغنی و ینفع یا من ھو قادر و علی کل شیء قدیر
اللھم ارزقنی غناء فی الدنیا والاخرۃ بالعافیۃ یا غنی یا کریم
یا جواد بحرمۃ محمد و الہ اجمعین وسلم تسلیما کثیرا کثیرا
برحمتک یا ارحم الراحمین از ہمین کتاب **نقل است** از قطب العالمین
سید المحبوبین شاہ غیاث الحق والدین القادری قدس اللہ سرہ کہ فرمودہ اند
از سید عالم صلی اللہ علیہ وسلم منقول است ہر کہ خواہد کہ مرا در خواب بیند پس او را
باید کہ وضو کند و غسل نماید و مستقبل قبلہ خواب نماید و سر خویش بر دست راست
خویش بنہد و این دعا بخواند اللھم انی اسئلک بجلال وجھک الکریم
ان تری وجہ نبیک محمد صلی اللہ علیہ وسلم فی منامی ھذا
رؤیۃ تقر بھا عینی و تفرج بھا کربتی و تشرح بھا صدری
و تلقی بھا شملی و تجمع بھا بینی و بینک صلی اللہ علیہ وسلم یوم
القیمۃ فی درجات العلی و لا تفرق بینی و بینہ برحمتک یا
ارحم الراحمین از ہمین کتاب **دیگر** دعاے اسرار البنہ براے زیارت
بشارت جمال با کمال محمدی صلی اللہ علیہ وسلم دعائی پر تاثیر است چہل
و یکبار بخواند و بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم لا الہ الا اللہ خالصا
مخلصا لا الہ الا اللہ ابدا ابدا لا الہ الا اللہ محبۃ و عشقا لا الہ
الا اللہ محمد رسول اللہ شرفنی برؤیۃ محمد حبیبک علیہ

الصلوة والسلام برحمتك یا ارحم الراحمین از ہمین کتاب دیگر از ہمین نسخہ من اراد ان یری النبی صلی اللہ علیہ وسلم او نبیًا من الانبیاء او ولیًا من الاولیاء او اقارب من الموتی او بعض الفقراء الصالحین فلیقرا حل واربعین مرۃ حرز الجبریل یراہ فی منامہ ہر کس کہ ارادہ کرد کہ بہ پیغمبر رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب یا پیغمبرے از پیغمبران یا یکے از اولیا یا یکے از اقارب موتی یا بعض فقرا صالحین پس بخواند چہل و یکبار حرز جبریل خواہد دید در خواب آنکس را انشاء اللہ تعالی و آن اینست بسم اللہ الرحمن الرحیم یا جبرئیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل بحق یا بدوح ھو الذی لا الہ الا ھو عالم الغیب والشھادۃ واقض حاجتی الٰھی من ارادنا بسوء فردہ ومن کادنا بالکید فکدہ ومن دعا علینا بھلکۃ فاھلکہ واحفظنا من بین ایدینا ومن خلفنا وعن ایماننا وعن شمائلنا وعن جمیع البلیات السموات السبع والارض السبع ومن فیھن بحق اھیا اشراھیا تقبل دعاءنا بکل ما دعیت بحق ادعونی استجب لکم وافتح مقامنا بمفاتیح الغیب بحق لا یعلمھا الا ھو واکشف حزنا فلا کاشف الا ھو وبحق المص وبحق کھیعص وبحق طہ ویسین ون والقلم وما یسطرون انما امرہ اذا اراد شیئًا ان یقول لہ کن فیکون فسبحان الذی بیدہ ملکوت کل شیء والیہ ترجعون دیگر از ہمین کتاب دعا کہ از خاتم النبی صلی اللہ علیہ وسلم منقول است میفرمایند ہر کہ این دعا را بخواند یا بر خود دارد ہر چہ از خدا تعالی بخواہد بیابد اگر کسے سی بار بخواند و بجائے خسپد حضرت ذو الجلال عز اسمہ را در خواب مشاہدہ فرماید واگر پانزدہ بار بخواند سلطان الانبیا محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب بیند

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا رجائی یا غیاثی یا مرادی یا
معافی یا دوائی یا شفائی یا کفائی اکفنی همّی یا الله یا الله یا الله یا
غفور یا غفور یا غفور یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم
یا رحیم یا کریم یا کریم یا کریم وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله
واصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر از کتاب مذکور نوشته شد
در شب جمعه دعای عکاشه پنج نوبت بخواند و بے سخن گفتن خواب کند خواجه عالم و عالمیان
احمد مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را در خواب بیند دعاے مذکور اینست بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم یا کثیر النوال ویا دائم الوصال ویا حسن الفعال
ویا رزاق العباد علی کل حال ویا بدیع بلا مثال ویا قدیم بلا زوال
اللهم ان دخل الشک فی ایمانی بک ولم اعلم به تبت عنه واقول
لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان دخل الکفر فی اسلامی بک ولم
اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله اللهم ان دخل الشرک فی توحیدی
ایاک ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم
ان دخل العجب والکبر والریاء والسمعة فی علمی بک ولم اعلم به تبت
عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان دخل الکذب والغیبة
علی لسانی ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم
ان دخل الخطرة والوسوسة فی صلوتی ولم اعلم به تبت عنه واقول
لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان دخل التشبیه فی معرفتی ایاک
ولم تعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان
دخل النفاق فی قلبی من الذنوب الصغائر والکبائر کلها ولم اعلم به
تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم عملت من سوء

ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ما
اردت لي من خير فلم اشكره واعلم به تبت عنه واقول لا اله الا
الله محمد رسول الله اللهم ما انعمت به على معصيتك من نعمة
به ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله
اللهم ما ... بلغتني من نعمائك فغفلت عن شكرك ولم اعلم به تبت
عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ما مننت به علي من الحسنى
ولم احمد لك ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول
الله اللهم ما ضيعت من عمري بما لم ترض به ولم اعلم به تبت عنه
واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ما احببت علي من النظر
فيك تنقصت به ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول
الله اللهم ما قصرت من املي في رجائك ولم اعلم به تبت عنه واقول
لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ما اعتمدت بك على سواك في الشدائد
ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ما من
غيرك في النوائب ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول
الله اللهم ان زلت قدمي في السوال من غيرك ولم اعلم به تبت عنه
واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ما اصلح شاني بفضلك فرأيته
من غيرك ولم اعلم به تبت عنه واقول لا اله الا الله محمد رسول الله
اللهم ان طالت لساني في السوال من غيرك ولم اعلم به تبت عنه
واقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ
هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب سبحان
ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب

الْعَالَمِيْنَ تَبْتَنِيْ عَلَى الْاِيْمَانِ تَبْتَنِيْ عَلَى الْاِيْمَانِ تَبْتَنِيْ عَلَى الْاِيْمَانِ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ فَاسْتَجَبْنَا
لَهٗ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِيْنَ وَزَكَرِيَّا اِذْ نَادٰى
رَبَّهٗ رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ
خَلْقِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ دیگر
اگر کسے خواہد کہ سید عالم صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب ببیند باید کہ شب جمعہ غسل کند
و جامہ پاک بپوشد و دوگانہ نماز بگذارد و بعدہ سی و سہ بار آیۃ الکرسی بخواند و یکبار دعای
حبیبی بخواند بفرمان الٰہی خواجہ عالم صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب ببیند دعای حبیبی اینست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَيْنَا وَادْفَعْ بَلَاءَنَا يَا رَءُوْفُ لَبَّيْكَ
وَارْحَمْ لَبَّيْكَ وَاشْفَعْ لَبَّيْكَ وَاَكْرِمْ لَبَّيْكَ وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
الْقُبُوْرِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُوْرِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ
وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِيْنَ اِلٰهَنَا وَارْحَمْنَا جَمِيْعًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
ازہمین نسخہ دیگر ازہمین کتاب ہر کہ این نقش بر دست چپ خود نویسد و بزیر سر
نہد و بخسپد انچہ نیت کردہ باشد بتمام بشارت از شاہ عالم صلی اللہ علیہ وسلم معلوم
شود و بران خواب کار کند اینست کہف ہست سمعت سمعت ہمسنست دیگر
برای حصول دولت رویت خیر البشر صلوۃ اللہ علیہ کہ بندگی شاہ عالم قدس سرہ
فرمودند کہ چنین پاس انفاس میکردہ باشد کہ در بالا رفتن دم یا محمد گوید و در فرو رفتن
دم یا رسول اللہ و در دل یعنی چنین گذارد کہ او فرستادہ حق سبحانہ تعالی است
برای تکمیل مین ازکتاب مذکور دیگر ہرگاہ ارادہ کنی اینکہ بہ بینی رسول اللہ صلی اللہ
علیہ وسلم را لیس بنویس این اسما [illegible] ارادہ بہ زیر سر خود
و آن اینست [illegible] ملح صعد [illegible]

محمدیہ صلی اللہ علیہ وسلم من اعمال الحضرت القادریہ طریق ذکر کشف الروح محمدیہ صلی اللہ علیہ وسلم یا احمد راست یا محمد چپ یا رسول اللہ بر دل گوید یا نصد بار یا ہزار بار باین عمل مواظبت عظیم خواہد شد از ہمین نسخہ **عمل ذکر قلندریہ** از سر خود بجہت کشف ارواح پنجتن پاک مجرب و موثر است طریقش آن است کہ اول دوگانہ بارواح پنجتن پاک ادا کند در رکعت اول بعد از فاتحہ آیۃ الکرسی و در رکعت دوم آمن الرسول بخواند بعد ازان فاتحہ بارواح پنجتن پاک خواند و مستقبل قبلہ نشستہ در دل تصور کند کہ حضرت رسالت صلی اللہ علیہ وسلم نشستہ اند و پیش آنحضرت فاطمہ رضی اللہ عنہا و عقب آن سید الکونین علیہ السلام علی رضی اللہ عنہ و طرف راست حضرت امام حسن رضی اللہ عنہ و طرف چپ حضرت امام حسین رضی اللہ عنہ نشستہ اند این تصور را چشم بستہ کند و بذکر مشغول باشد اول ضرب یا محمد دوم ضرب زند بر ہوا سر بر داشتہ بگوید یا علی نظر سوی آسمان کردہ ضرب بر ناف زند یا فاطمہ چہارم ضرب از طرف راست زند یا حسن پنجم ضرب بر دل زند یا حسین برین نمط مشغول شود و رعایت تصور بسیار کند از شیخ عبد الفتاح رسیدہ او شان فرمودند کہ فقیر از میانجو یافتہ است از ہمین کتاب **دیگر** بجہت دریافتن مشاہدہ محمدی صلی اللہ علیہ وسلم عملے نقد بیجا آرد و آن چنان است کہ یک عضو از اعضاے رسول مقبول صلی اللہ علیہ وسلم مثلا چشمان مبارک یا جبین مبارک یا لحیہ مبارک یا لبہاے مبارک ہرچہ ازینہا در تصور در آید آنرا چشم بستہ در خیال آرد کہ خود را فدا میسازم مشاہدہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بچشم بصیرت روزی گردد از ہمین نسخہ **دیگر** حصول جذبہ روحیہ محمدیہ صلی اللہ علیہ وسلم یا بجہت جذبہ روح پیر در پیش خود چشم بستہ متوجہ بدل شدہ اللہ حاضری اللہ ناظری اللہ شاہدی اللہ معی بگوید **دیگر** اگر خواہد کہ مکاشفہ ارواح سرور انبیا و سایر انبیا علیہم السلام

و مردان غیب شود چهار حرف بگیرد (ق ن ب ی) چون ترکیب کنی قنبی شود اتفاق

است که اسم اعظم است چشم بسته هزار بار بگوید جمیع ارواح را معاینه کند و چون

مذکور بعد از ذکر در مراقبه ملاحظه کند ارواح انبیا علیهم السلام و اولیا و شهدا و ابدال

در عین بصیرت مشاهده گردد و حروف مذکور را چهار ملک مقرب

و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام سیان چند روز نماید [illegible] بیند و هزار

و نقش خود روح خود را بیند که در اکثر اوقات در قبر هر روز و شب نزدیک مقابر بخواند و در

مراقبه احوال اموات معاینه گردد و از همین کتاب **دیگر** کشف روح محمدی صلی الله

علیه وسلم این نقش بر دل تصور بسیار میکرده باشد این است (محمد) از همین

کتاب دیگر هرگاه اراده کنی اینکه جمع شوی با روح شیخ خود یا روح مطلوب خود

یا هر روح که خواهی پس بکن مراقبه و بپوش چشم خود پس بخوان یا الله یا رب بیست

و یکبار بخوان یا حی یا قیوم بیست و یکبار [illegible] یا سبوح یا قدوس بیست و یکبار بعد

از ان یا معید یا باعث بیست و یکبار باز بگوید یا باعث الارواح ابعث روح

الفلان هفت بار و بعد از این بخوان یا جامع الارواح اجمع روح شیخی سبع مرة

باز بگو یا [illegible] الارواح احضر روح شیخی بانوار هذه الاسماء و اسمائک التی کشف

بها کشف الارواح لاولیائک و انبیائک و المرسلین بلطفک و فضلک و فیضک

و فیض نور نبیک محمد الامین صل علی محمد و آله الطیبین پس هرگاه مراقبه کنی و ربط

کنی با قلب خود روح خود طرف روح مطلوب یا طرف روح فلان پس ملاقات خواهد

کرد روح او بامر الله تعالی و سوال کن با او از آنچه اراده کنی بیشک و ربما [illegible] کتاب

دیگر چون [illegible] الله علیه وسلم را در خواب بیند [illegible]

صلی الله عل[illegible] این قرات است بعد از ان این آیه [illegible]

و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما [illegible]

بخواند و بخواند البته حاجتش برآید و دولت بیدار در خواب بیداری گری فرماید از همین

نسخه دیگر اگر کسی در صحرا رود و نزدیک آب جاری و در آن غسل کند و جامه شسته

زیر بندد و بیرون خطی کشد و استقبال کند که این قبر سید عالم صلی الله علیه وسلم است

و از پایان نقش طرف سر رود و به ادب تمام و با عجز و زاری و فروتنی گوید یا رسول الله

خذ بیدی فانی غریق فی بحر الغموم هفتاد بار گوید پس بطرف پایان آید و نگون

شود کذالک گوید پس بنشیند هزار بار ذکر آورد و برد یعنی چون نفس برآید لا اله تصور

کند و چون فرو رود الا الله تصور نماید پس ایستاده شود و نزدیک روی و یا سینه

رود و پشت جانب قبله کند و روی مقابله قبر کند بطریقیکه مقابله روی یا سینه

حضرت علیه السلام باشد و بنشیند و بست و یکبار یا رب گوید پس ندکه رقبه بالا

کرده جانب علو بگوید یا روح الروح و ضرب رابطه بر دل کند در حالیکه گویا باشد به کلمه

یا روح ما شاء الله هزار بار کند پس بگوید هفتاد بار یا رب زدنی علما البته کشایش

دینی شود و در علم الله کشاید و صفائی دل روزی گردد و در میان اربعین بابدا و اعلم

الخلائق صلی الله علیه وسلم انشاء الله تعالی و اگر ذکر نکند همین زیارت کند از فایده خالی

نباشد و اگر آب جاری یافتن دشوار شود حوض بس است و لی باید که در اثنای آن

سخن نگوید و همین یک جامه زیر باشد و اگر اربعین نشود آنچه شود از سود و فایده خالی

نباشد و اگر هر دو ذکر تمام کردن دشوار شود آن مقدار که شود کند و نیز بداند که در گوشه

نقش قبر نشسته نشسته و زیارت کند تا چهل روز البته امید است که فتح دینی شود

از کتاب مذکور دیگر از همین نسخه باید که بتصور صورت خیالی رسول الله علیه

الصلوة والسلام متوجه باشد این توجه التزام گیرد تا آنکه مزاحمت خطرات

نفسی دفع شود بجمال حضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم کم روزی باشد مشاهده

نکند و هر گاه مصطفی علیه السلام توجه درستی شد حکم جمله معارف علوم بیواسطه

کسے از آنحضرت صلی الله علیه وسلم شود وآنچه از آن حضرت شنوند قول آنحضرت
صلی الله علیه وسلم است که تمام دار و طوفان نوح علیه السلام آنرا در خلل نتواند آورد
وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله واصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

ششم در رباعیات که بدان عمل زیارت پر بشارت آنحضرت صلی
الله علیه وسلم نصیب تواند شد از خواجه عبید الله احرار قدس [illegible] روایت است
این رباعی را در شب جمعه هفتاد و چهار بار بخواند و بخوابد جناب [illegible] صلی الله
علیه وسلم را در خواب ببیند **رباعی** گل در طبقی نهاده کاین روی من است
از مشک خطے کشیده کاین موے من است ؛ صد نافه به باد داده کاین بوے
من است ؛ آتش بجهان در زده کاین خوے من است ؛ از سر خفی هر که این
مناجات بسیار خواند بشرف جمال محمدی صلی الله علیه وسلم سرفراز گردد **رباعی**
ای شور عجم ماه عرب رو بنما ؛ یکچند گره زبند برقع بکشا ؛ دارم جگرے کباب مجروح
ز تو ؛ الماس لبا مشتاب نمکشور نما ؛ از سر خفی **ششم هفتم** در اوراد [illegible] در
استعمال آن رویت شریف صلی الله علیه وسلم حاصل شود اگر کسے خواهد که بدیدار
فائض الانوار صلی الله علیه وسلم مشرف شود باید که منڈی را با شکر هفت شبانه
روز بخورد چون عزم منڈی آوردن بکند باید که اول دو رکعت نماز بگذارد در اول
بعد فاتحه آیة الکرسی سه بار و در رکعت ثانی سوره اخلاص سه بار و ثواب این دوگانه
بشیخ صابر بخشد و منڈی را به دست راست بکند و در وقت کندن آیة
الکرسی بخواند و نام پروردگار بر زبان راند بهر جا چند [illegible] درست
کرده دست [illegible] بیفتد در سایه خشک [illegible] آمده بکار برد
[illegible]

نزول برخ [illegible] مطلب

[illegible] پیوسته [illegible]

بخواب ای دولت بیدار چشمم گرت فرش قدم بودے چه بودے

شبے گر ز آفتاب عارض تو سحر شام الم بودے چه بودے

شبے گر از لب لعل تو زنده شهید درد غم بودے چه بودے

بخواب از دیدنت از خواب بیدار گر این بخت دژم بودے چه بودے

بشکر بوسهٔ پایت گدای شاه سرم در سجده خم بودے چه بودے

لر پاے تو چون فضل الٰهی به فرقم دمبدم بودے چه بودے

چه جاے پاے تو بل کفش پایت بفرقم تاج جم بودے چه بودے

یکے از کفش برداران پایت گر این دلخسته هم بودے چه بودے

بیمن روے تو گر دستگیرم امیر محتشم بودے چه بودے

منم مداح تو او عاشق تست بدستش گر قلم بودے چه بودے

بیمن نعت تو گر لطف دلکش بمن زان محتشم بودے چه بودے

ز درگاهت دوباره گر عطایش همان جاه و حشم بودے چه بودے

قلم دادے بدستش نیز شاها بدوشش گر علم بودے چه بودے

علی را خاک پاے احمد پاک گر اکسیر کرم بودے چه بودے

الحمد لله والمنه که این رساله رویت احمد مختار مسمی بمشرق دولت بیدار و باب ساقی شربت دیدار که ماده تاریخش دران تعبیه است بے تخرجه و تعمیه بخوبی تمام باختتام رسید و بر نام نامی جناب معلی القاب نواب مستطاب محمد علی خان صاحب بهادر یمین الدوله دولت جنگ دام اقباله حلهٔ اتمام پوشید وقت آنست که در جلدوے این کتاب فیض مآب گنج شایگان رایگان بدست آرم که تلافی عمر گذشته برشمار: اے امیر دلپذیر و اے رئیس بے نظیر اگر این وقت بر من نظرے ترحم: کرم خواهی انداخت یقین که کشور امید و اقلیم تمناے خود سرسبز ترین

اوقات ... نسیم شبی و مناجات سحری من مفتوح خواهی ساخت
چراکه درین ... و پاس لشکر برقتل من شوریده سرانگیخته و وسیلهٔ محمدی
صلی الله علیه وسلم رب سفارشم ریخته امید واثق و یقین صادق بمقتضاے
هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَإِنَّ اللّٰهَ
زود تر رو ... مقصود منی و بر سند کام و حصول مرام نشبی ... مناجات

خداوندا کتابم ساز مقبول | بانظار عنایت ساز مشغول
بآقاے منش کن پس همایون | چو اقبال جم و بخت فریدون
بجلسهائم در ... محمود باشد | مبارک باشد و مسعود باشد
... بدین اوراد شاغل | شود باشاهد مقصود و اصل
... داین نسخه ارقام | بدستش ده بمقصود دلی جام
... چو شاه باسعادت | بخلوت چون ملک گرم عبادت
... دعا از فضل تمجید | بروے عالم افروز محمد
چو بر نام محمد ختم افتاد | درود حق بر آن ختم رسل باد

تمت

بالمحذ ...

قبلهٔ جان و دلم روے درخشان تو باد | حسن عرفان بر خم جلوه ...
گر گذر بر سرم ای ... | چشم من فرش ر...
دیدهٔ من بر ... دلم ... | دست امید من ...
بے ... | نوش جان ... من ...
واہ ... شما | شب ... مهر ...

خسته بادا دل من زلف درازت عمرش ... چشمهٔ آب حیاتش لب خندان تو باد

دل من جای تو بادای چمن حسن و جمال ... چشم من وقف رخ رشک گلستان تو باد

نیست در دشت غمت جز دل بیچاره ما ... صید لاغر که به فتراک غلامان تو باد

ابر رحمت ز خداوند جهانی به جهان ... نخل خشک دل من سبز ز باران تو باد

در اقالیم جهان باد به شاهان ارزان ... دولت و گنج دلم چاره پنهان تو باد

عزتش باد به علی ابن ... فریاد ... دستگیرش همه کرم و لطف فراوان تو باد

الحمد لله والمنة که کتاب مستطاب مسمی بمشرق دولت بیدار ... افشلو از زبان مولوی علی احمد صاحب مرادابادی حسب فرمائش بندگان نواب ... معلی القاب یمین الدوله وزیر الملک نواب محمد علی خان صاحب بهادر صولت جنگ رئیس محمداباد دام اقباله در مطبع احمدی واقع بنارس بماه رمضان المبارک سنه ۱۲۹۸ هجری رنگ طبع تازه پذیرفت

تاریخ طبع کتاب ...

بهار آبادی ... شان ... ترا این سر ... والا نگاه است

همایون ... دولت ... بدیدار رسول ... است

مرتب شد بطبع خوب مطبوع ... فروغ بزم گردون بارگاه است

من از حکم تو ... سامان ... نهفتم آب حیوان در سیاهی

لباس طبع خوش پوشید فرخ ... عروس نخبه فضل الهی

شد ... بزم تو مطبوع ... همانا هست فخر عرش جاهی

... ز باب از من ... بود اقبال خوش این خیر ...

... سال طبعش ... مراد ... دعای صبحگاه

بو ... لطف ... کتاب مستطاب ...